

شما می توانید کتاب مقدس را درک کنید!

# انجیل طبق گفته پولس: رومیان

باب آتلی  
استاد علم هرمنوتیک  
(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری های تفسیری راهنمای مطالعه  
عهد جدید، جلد 5

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

1998

تجدید نظر 2008



حق چاپ © 1998 توسط بایبل لِسِنز اینترنشنال، مارشال، تگزاس (تجدید نظر 2008)  
کلیه حقوق محفوظ می باشد. تکثیر هیچ قسمت از این کتاب به هر ترتیب یا وسیله ای، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست.

Bible Lessons International  
P. O. Box 1289  
Marshall, TX 75671-1289  
1-800-785-1005

ISBN 978-0-9661098-3-2

متن کتاب مقدس که در درجه اول در این تفسیر بکار گرفته شده است به شرح ذیل می باشد :  
کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید (به روز آوری، 1995)  
حق چاپ © 1960، 1962، 1963، 1968، 1971، 1972، 1973، 1975، 1977، 1995 توسط :  
بنیاد لاکمن  
صندوق پستی 2279  
لاهابرا، کالیفرنیا 90632-2279

تقسیم بندی پاراگراف ها و عنوان های خلاصه کننده و همچنین عبارات انتخابی از منابع ذیل گرفته شده اند:

1. «عهد جدید یونانی»، چهارمین ویراست تجدید نظر شده، حق چاپ © 1993، Deutsche Bibelgesellschaft، O Stuttgart. استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.
2. «ترجمه جدید کتاب مقدس پادشاه جیمز»، حق چاپ © 1979، 1980، 1982 توسط Thomas Nelson, Inc. استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.
3. «ترجمه جدید تجدید نظر شده کتابمقدس استاندارد»، حق چاپ © 1989 توسط :  
Division of Christian Education of National Council of the Churches of Christ in the U. S. A.  
استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.
4. «ترجمه انگلیسی امروز» با اجازه از دارنده حق چاپ، انجمن آمریکایی کتب مقدسه، © 1966، 1971 استفاده شده است.  
استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشد.
5. «کتاب مقدس اورشلیم»، حق چاپ © 1966 بوسیله: Darton, Longman & Todd, Ltd. and Doubleday، بخشی از Bantam Doubleday Dell Publishing Group, Inc. استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.

**[www.BibleLessonsIntl.com](http://www.BibleLessonsIntl.com)**  
**[www.freebiblecommentary.org](http://www.freebiblecommentary.org)**



## « کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید » بروز آوری - 1995

### خواندن آسان تر:

□ بخش های دارای واژه های انگلیسی قدیم "thee's" و "thou's" و غیره به انگلیسی جدید به روز آوری شده اند.

□ الفاظ و عباراتی که در اثر تغییر معانی آنها در 20 سال گذشته، احتمال دارد غلط استنباط شوند به انگلیسی جدید به روز آوری شده اند.

□ آیاتی که مفهوم آنان بخاطر ترتیب کلمات روشن نبوده یا واژه های دشوار در آنها بکار رفته اند، دو باره به انگلیسی روانتر ترجمه شده اند.

□ جملاتی که با « و » شروع می شوند اغلب برای انگلیسی روانتر، دو باره ترجمه شده اند تا تفاوت ها بین سبک زبان های باستانی و زبان انگلیسی مدرن رعایت گردند. در اصل یونانی و عبری، جملات دارای نشان گذاری هایی که در زبان انگلیسی دیده می شود نبوده اند و در بسیاری موارد، نشان گذاری جملات انگلیسی امروزی جایگزین « و » در زبان اصلی می باشد. در بعضی موارد دیگر و به اقتضای متن، « و » به لفظ دیگری نظیر « پس » یا « اما » ترجمه شده است - اگر لفظ در زبان اصلی چنین معنی داشته باشد.

### دقیق تر و صحیح تر از همیشه:

□ پژوهش های اخیر در مورد قدیمی ترین و بهترین نسخه های خطی یونانی عهد جدید، مورد بازبینی قرار گرفته اند و بعضی قسمت های متن، برای مطابقت بیش از پیش با نسخه های خطی اصلی، به روز آورده شده اند.

□ بخش های متن پارالل [دارای مطالب مشابه] مقایسه و بازبینی شده اند.

□ افعالی که معانی عدیده و گسترده دارند در بعضی بخش ها دوباره ترجمه شده اند تا دلیل استفاده آنها در متن روشن تر گردد.

### و هنوز هم NASB [کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید]:

□ به روز آوری NASB ترجمه ای نیست که صرفاً برای ایجاد تغییر انجام شده باشد. اولین ترجمه NASB، اعتبار خود را پس از سالیان بسیار هنوز حفظ کرده است و در مراعات معیاری که «کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید» برقرار نموده، سعی شده است کمترین تغییرات صورت گیرند.

□ به روز آوری NASB، سنت سرمشق وار NASB را در ترجمه اصل یونانی و عبری با روش تحت اللفظی ادامه میدهد، بدون اینکه با معیاری غیر از آن سازش کند. تغییرات در متن تأکیداً در چارچوبی که «اهداف چهار گانه بنیاد لاکمن» مقرر نموده، انجام شده اند.

□ مترجمین و مشاورینی که سهمی در بروز آوری NASB داشته اند، دانشمندان کتاب مقدس هستند که از لحاظ علم الهی «محافظه کار» می باشند و دارای درجه دکترا در زبان های کتاب مقدس، یا علم الهی یا درجات کارشناسی عالی یا دکترا در رشته های دیگر هستند. آنان نشانگر زمینه های مختلف فرقه های کلیسایی می باشند.

### در ادامه سنتی نمونه:

اولین ترجمه NASB، شهرتی راستین به عنوان صحیح ترین ترجمه کتاب مقدس انگلیسی یافته است. ترجمه های دیگر در سال های اخیر گاهی ادعا کرده اند که هم صحیح و دقیق هستند و هم خواندنیان آسان است، لکن هر خواننده باریک بین بالاخره متوجه می شود که این ترجمه ها همواره متناقض هستند، و اگرچه گاهی تحت اللفظی می باشند اما اغلب متن اصلی ناچار به نحوه تفسیری ترجمه شده است؛ اینکار نه تنها معمولاً دستاورد چندانی در تسهیل خواندن ندارد بلکه پایبندی به متن اصلی هم از بسیاری لحاظ از بین می رود. ترجمه تفسیری بالنفسه بد نیست و معنی یک بخش کتاب مقدس را، آنطور که مترجمین درک و تفسیر می کنند روشن می سازد و باید هم چنین باشد. اما ترجمه تفسیری، نهایتاً همانقدر که ترجمه کتاب مقدس است تفسیر آن نیز هست. ترجمه به روز آورده شده NASB، سنت سرمشق وار NASB را به عنوان یک ترجمه حقیقی کتاب مقدس ادامه می دهد و آنچه نسخه های خطی اصلی در واقع میگویند را آشکار میسازد - نه آنچه صرفاً مترجم معتقد است منظور آنهاست.



این جلد تقدیمی است به  
دوست ، یاور و همکار گرانقدرم  
و شادمانی زندگیم:  
به همسر

## پگی

او مرا تشویق ،  
و تقویت نموده است،  
و برایم امکان پذیر ساخته است تا خادمی باشم  
که خدا مرا برای آن فرا خوانده و عطایا بخشیده است.





## فهرست مطالب

i.....	اختصارات انگلیسی کاربردی درین تفسیر
iii.....	پیامی از نویسنده: چگونه کتاب تفسیر حاضر می تواند بشما یاری دهد؟
vi.....	راهنمای مطالعه صحیح کتاب مقدس : جستجوی شخصی برای حقیقت قابل ثبوت
	کتاب تفسیر:
1.....	مقدمه رومیان
7.....	رومیان 1
39.....	رومیان 2
55.....	رومیان 3
73.....	رومیان 4
85.....	رومیان 5
103.....	رومیان 6
115.....	رومیان 7
129.....	رومیان 8
157.....	رومیان 9
177.....	رومیان 10
189.....	رومیان 11
201.....	رومیان 12
219.....	رومیان 13
237.....	رومیان 14
251.....	رومیان 15
267.....	رومیان 16
283.....	ضمیمه یک: تعریف اجمالی از ساختار دستور زبان یونانی
293.....	ضمیمه دو: نقد متن
297.....	ضمیمه سه: فهرست واژه های دشوار
307.....	ضمیمه چهار: بیانیه اصول ایمان



## فهرست مطالب برای عناوین خاص در رومیان

- 9..... فرستادن (*Apostellō*) ، 1:1
- 10..... *Kerygma* [موعظه های اعلام کننده حقایق ایمان] کلیسای اولیه ، 2:1
- 11..... پسر خدا، 3:1
- 13..... جسم (*Sarx*) ، 3:1
- 14..... اسامی برای الوهیت 4:1
- 18..... پیش داوری های «باب» [نویسنده کتاب] بر پایه تعالیم کلیسای انجیلی 5:1
- 19..... فراخوانده شده، 6:1
- 20..... مقدسین، 6:1
- 20..... پدر، 7:1
- 24..... کاملاً نیک ساختن، 17:1
- 28..... «حقیقت» در نوشته های پولس ، 18:1
- 31..... هلاکت ، منهدم ساختن ، فاسد کردن (*Phtheirē*) 23:1
- 32..... قلب، 24:1
- 32..... تا ابد (اصطلاحات یونانی)، 25:1
- 33..... آمین، 25:1
- 34..... همجنس گرایی، 27،26:1
- 35..... صفات نیک و بد مطابق عهد جدید، 31-28:1
- 36..... استفاده پولس از الفاظ مرکب *Huper* ، 30:1
- 41..... توبه ، 4:2
- 44..... نژاد پرستی، 11:2
- 49..... به خود بالیدن، 17:2
- 50..... واژه های یونانی برای «آزمودن» و مفاهیم ضمنی آنها، 18:2
- 57..... باطل و بی اثر (*Katargeō*) ، 3:3
- 64..... جلال ، 23:3
- 65..... شواهد عهد جدید در مورد نجات شخص، 24:3

65.....	فدیه / با بهارهایی دادن 3: 24
76.....	باور/ایمان، 4: 5
79.....	مهر، 4: 11
82.....	ضمانت، 4: 16
88.....	صلح، 5: 1
89.....	استواری ( <i>Histēmi</i> )، 5: 2
91.....	جفا، 5: 3
98.....	حکمرانی در ملکوت خدا، 5: 17 و 18
106.....	تعمید، 6: 3-4
107.....	تقدیس، 6: 4
112.....	شکل ( <i>Tupos</i> )، 6: 17
126.....	تمجید، دعا و شکر گذاری پولس به خدا، 7: 25
135.....	عیسی و روح [خدا]، 8: 9
136.....	ثلیث، 8: 11
141.....	ارث ایمانداران، 8: 17
142.....	منابع طبیعی، 8: 19
146.....	امید، 8: 25
147.....	لزوم بردباری، 8: 25
148.....	شخص بودن روح [خدا]، 8: 26
151.....	نخست زاده، 8: 29
152.....	برگزیدگی/ تقدیر ازلی و نیاز به تعادل در علم الهی، 8: 33
154.....	<i>Archē</i> ، 8: 38
160.....	دعای شفاعت، 9: 3
163.....	لعنت ( <i>Anathema</i> )، 9: 3
164.....	عهد، 9: 4
172.....	باقیمانندگان، سه مفهوم، 9: 27-28
174.....	سنگ زاویه، 9: 33
179.....	تسلیم، 10: 3

180.....	زمان های افعال یونانی کاربردی برای «نجات» ، 4 :10
182.....	اعتراف، 9 :10
183.....	نام خداوند، 9 :10
184.....	عیسی ناصری، 13 :10
197.....	معما، 25 :11
203.....	مقدس، 1 :12
204.....	این عصر و عصر آینده، 2 :12
205.....	نو شدن ( <i>Anakainōsis</i> )، 2 :12
206.....	اراده ( <i>Thelēma</i> ) خدا، 2 :12
208.....	نبوت عهد جدید، 6 :12
211.....	با سخاوت ، صمیمی ( <i>Haplotēs</i> )، 8 :12
214.....	<i>Koinōnia</i> ، 13 :12
221.....	حکومت بشری، 1 :13
226.....	دیدگاه های پولس از شریعت موسی، 9 :13
227.....	یاد دداشت هایی در مورد «خروج» 20، 13 :15، 17
239.....	ضعف، 1 :14
244.....	آیا مسیحیان باید یکدیگر را قضاوت کنند؟ ، 13 :14
246.....	پادشاهی خدا، 17 :14
253.....	تقویت، 2 :15
257.....	وفور ( <i>Perissevō</i> )، 13 :15
261.....	مسیحیان و گرسنگان، 26 :15
269.....	زنان در نقشه خدا، 1 :16
272.....	کلیسا ( <i>Ekklesia</i> )، 1 :16
277.....	شرارت دارای شخصیت، 20 :16
280.....	ابدی، 26 :16



## اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

«کتاب تفسیر کتاب مقدس آنکر»، ویراست «ویلیام فاکسول آلبرایت» و «دیوید نوئل فریدمن»	AB
«قاموس کتاب مقدس آنکر» (6 جلدی) ، ویراست: دیوید نوئل فریدمن	ABD
«کلید تحلیلی عهد عتیق» ، نویسنده : جان جوزف اوونز	AKOT
«متون باستانی خاور نزدیک»: جیمز ب. پریچارد	ANET
«لغت نامه عبری و انگلیسی عهد عتیق» به قلم : اف براون ، اس. آر. درایور، سی. ا. بریگز	BDB
1997، GBS :Biblia Hebraica Stuttgartensia	BHS
«قاموس کتاب مقدس مفسرین» (4 جلدی) ، ویراست «جورج ا. با تریک»	IDB
«دائرة المعارف کتاب مقدس استاندارد بین المللی» (5 جلدی) ، ویراست «جیمز اور»	ISBE
«کتاب مقدس اورشلیم»	JB
«کتاب مقدسه مطابق متن ماسورتیک: ترجمه ای جدید»: (انجمن انتشارات یهودی آمریکا)	JPSOA
«لغت نامه عبری و آرامی عهد عتیق» به قلم: «لودویگ کوهلر» و «والتر بام گارتنر»	KB
«کتاب مقدس از روی متون باستانی شرقی (پشیتا)» به قلم: جرج م. لامسا	LAM
«ترجمه هفتاد (یونانی- انگلیسی)» توسط «زان در ون» 1970	LXX
«ترجمه جدیدی از کتاب مقدس» ، نویسنده: «جیمز موفات»	MOF
متن ماسورتیک عبری	MT
«متن جدید کتاب مقدس آمریکایی»	NAB
«کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید»	NASB
«کتاب مقدس جدید انگلیسی»	NEB
«کتاب مقدس NET: ترجمه جدید انگلیسی» ، ویراست «بتا» ی دوم	NET

«قاموس جديد بين المللى الهيات و تأويل عهد عتيق» (5 جلدى) ويراست «ويلم آ. ون گمرن»	NIDOTTE
«كتاب مقدس تجديد نظر شده جديد استاندارد»	NRSV
«ترجمه جديد بين المللى»	NIV
«كتاب مقدس جديد اورشليم»	NJB
«راهنماى تجزيه و تحليل دستورى جملات عهد عتيق» اثر «تاد س. بيل» ، «ويليام آ. بنكس»، و «كالين سميت»	OTPG
«كتاب مقدس انگليسى تجديد نظر شده»	REB
«ترجمه تجديد نظر شده استاندارد»	RSV
«ترجمه هفتاد» (يونانى- انگليسى) توسط «زاندرون» Zondervan، 1970	SEPT
«ترجمه انگليسى امروز» توسط «انجمن هاى متحد كتاب مقدس»	TEV
«ترجمه تحت اللفظى كتاب مقدس توسط يانگ» نوشته «رابرت يانگ»	YLT
«دائرة المعارف مصور كتاب مقدس زاندرون» (5 جلدى) ويراست «ميريل س. تني»	ZPBE



## پیامی از نویسنده: این کتاب تفسیر چگونه می تواند به شما یاری دهد؟

تفسیر کتاب مقدس، فرایندی است عقلانی و روحانی که می کوشد یک نویسنده باستانی و الهام یافته را آنطور درک کند که بتوان در عصر ما پیام خدا را درک کرد و بکار گرفت.

«فرایند روحانی» اهمیت بسزا دارد اما تعریف آن دشوار است. این فرایند، شامل تسلیم بودن به خدا و اطاعت کامل از اوست. باید تشنگی (1) نسبت به او، (2) برای شناخت او، و (3) برای خدمت به او، موجود باشد. این فرایند شامل دعا، اعتراف، و تمایل به تغییر طرز زندگی است. روح القدس در فرایند تفسیر اهمیت بسزا دارد، اما روشن نیست چرا مسیحیان صمیمی و خدا شناس دریافت های متفاوت از کتاب مقدس دارند.

فرایند عقلانی توضیح ساده تری دارد. ما باید با متن بدون تناقض و جانبداری کار کنیم و تحت تاثیر پیش داوری های شخصی یا فرقه ای خود قرار نگیریم. همه ما تحت تاثیر تاریخ قرار داریم و نسبت به آن شرطی سازی شده ایم. هیچکدام از ما در تفسیر، بی طرفانه و تنها از روی واقعیت ها نمی سنجم. این کتاب تفسیر، فرایند عقلانی مراقبانه ای را عرضه میکند که شامل سه اصل تفسیر است. ساختار این سه اصل برای یاری ما است تا بر پیش داوری هامان چیره شویم.

### اصل اول

اصل اول توجه به زمینه تاریخی است که کتاب مقدس در آن نوشته شده است، و نیز به مورد خاص تاریخی که موجب تألیف آن گردیده است. نویسنده اصلی، مقصود و پیامی برای گفتن داشته است. متن برای ما نمی تواند مفهومی داشته باشد که برای نویسنده اصلی، باستانی و الهام یافته آن هرگز نداشته است. منظور نویسنده مهم است - نه نیازهای تاریخی، احساسی، فرهنگی، شخصی یا فرقه ای ما. کاربرد، همیار تکمیل کننده تفسیر است اما تفسیر درست باید همیشه پیش از کاربرد انجام شود. باید تصریح کرد که هر متن کتاب مقدسی، یک معنی و فقط یک معنی دارد. آن معنی مطلبی است که نویسنده اولیه کتاب مقدس، بوسیله هدایت روح القدس قصد داشته برای زمان خود بازگو کند. این یک معنی می تواند کاربردهای ممکنه بسیار در فرهنگ ها و موقعیت های مختلف داشته باشد. این کاربردها باید به حقیقت اصلی و محوری نویسنده اولیه ارتباط داده شوند. ازین رو، این «کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات» با ارائه پیشگفتار برای هر یک از کتاب های کتاب مقدس طرح ریزی شده است.

### اصل دوم

اصل دوم شناسایی واحدهای ادبی است. هر کتاب کتاب مقدس، نوشته ای «یکی شده» است. مفسران چنین حقی ندارند که تنها به یکی از جنبه های حقیقت بپردازند و بقیه را متروک بدارند. به این سبب، باید اول بکوشیم مقصود تمامی کتاب کتاب مقدس را درک کنیم و آنموقع یکایک واحدهای ادبی آنرا تفسیر نماییم. بخش ها بخودی خود، یعنی باب ها، پاراگراف ها یا آیات، نمی توانند معنی داشته باشند که تمامی واحد چنان معنی ندارد. سیر تفسیر باید از روش «نتیجه گیری از کل به جزء» [روش قیاسی در مورد کل] به سوی «نتیجه گیری از واقعیت های جزء به کل» [روش استقرائی در مورد اجزاء] باشد. پس این «کتاب تفسیر راهنمایی مطالعات» برای یاری دانشجو طراحی شده تا او بوسیله پاراگراف ها، ساختار هر یک از واحدهای ادبی را تحلیل و بررسی نماید. پاراگراف ها و تقسیم بندی باب ها الهام نشده اند اما این کمک را به ما میکنند تا واحد های اندیشه را شناسایی کنیم.

تفسیر در سطح پاراگراف، نه در سطح جمله یا بند یا عبارت یا کلمه، کلید پی بردن به معنی است که منظور نویسنده کتاب مقدس بوده است. پاراگراف‌ها بر «عنوان یکی شده» پایه‌گذاری شده‌اند که اغلب به آن «تم» یا «جمله موضوعی» می‌گویند. هر کلمه، عبارت، بند، و جمله پاراگراف، به نوعی به این «تم یکی شده» مربوط می‌شود. این اجزا می‌توانند «تم یکی شده» را محدود کنند، گسترش دهند، توصیف کنند و/یا تحت سؤال ببرند. یک راه واقعی تفسیر درست، پیگیری اندیشه نویسنده اصلی از پاراگرافی به پاراگراف بعدی، با در نظر داشتن واحد‌های ادبی سازنده کتاب مقدس است. این «کتاب تفسیر راهنمایی مطالعات» برای کمک دانشجوی طراحی شده تا او چنین کاری را از طریق مقایسه ترجمه‌های انگلیسی امروزی انجام دهد. ترجمه‌های ذیل به این دلیل گزیده شده‌اند که نظریه‌های متفاوت ترجمه را بکار گرفته‌اند.

1. متن یونانی «انجمن متحد کتب مقدسه»، ویراست چهارم تجدید نظر شده است (UBS<sup>4</sup>). این متن را محققین امروز متون، پاراگراف بندی کرده‌اند.
2. «کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید» (NKJV)، ترجمه‌ای تحت اللفظی و کلمه به کلمه است و بر مبنای سنت نسخه خطی یونانی به نام «متن دریافتی» می‌باشد. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن از ترجمه‌های دیگر طولانی‌تر می‌باشند. این واحد‌های طولانی‌تر به دانشجویان یاری می‌دهند متوجه «عنوان‌های یکی شده» گردند.
3. «ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد» (NRSV) ترجمه اصلاح شده کلمه به کلمه است. این ترجمه، چیزی است بین دو ترجمه امروزی ذیل. تقسیمات پاراگراف‌های آن به تشخیص دادن موضوعات کمک بسیار می‌کنند.
4. «ترجمه انگلیسی امروز» (TEV)، «ترجمه معادل پویا» است و از طرف انجمن متحد کتب مقدسه منتشر شده است. سعی آن برین بوده که کتاب مقدس را بگونه‌ای ترجمه کند که خواننده یا سخنگوی زبان انگلیسی امروزی، معنای متن یونانی را درک کند. این ترجمه، بخصوص در اناجیل، پاراگراف‌ها را مشابه با NIV، بر طبق گوینده تقسیم کرده نه بر حسب موضوع. البته این کار کمکی به مفسر در احراز مقاصدش نمی‌نماید. جالب توجه است که هر دو UBS<sup>4</sup> و TEV از طرف یک سازمان منتشر شده‌اند، اما پاراگراف بندی‌شان متفاوت است.
5. «کتاب مقدس اورشلیم» (JB) «ترجمه معادل پویا» بر پایه ترجمه کاتولیک فرانسوی است. این کتاب به خاطر نگرش اروپایی آن، برای مقایسه روش‌های پاراگراف بندی بسیار مفید است.
6. متن چاپ شده درین کتاب، «کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید» (NASB) به روز شده سال 1995 می‌باشد که ترجمه کلمه به کلمه است. نظریات آیه به آیه، پیرو تقسیم بندی پاراگراف‌های آن می‌باشند.

## اصل سوم

اصل سوم اینست که کتاب مقدس را در ترجمه‌های مختلف بخوانیم تا بتوانیم وسیع‌ترین و متنوع‌ترین معانی ممکنه (حوزه معنایی) را که کلمات یا عبارات کتاب مقدس می‌توانند داشته باشند دریافت کنیم. اغلب یک عبارت یا کلمه یونانی را میتوان به چند صورت فهمید. ترجمه‌های مختلف مذکور، این گزینه‌ها را نمایان می‌سازند و کمک می‌کنند تفاوت‌های نسخه‌های خطی یونانی را شناسایی کنیم و توضیح دهیم. این موارد تأثیری بر آموزه‌ها ندارند، لکن ما را بر آن میدارند که سعی کنیم به سوی متن اصلی‌ای بازگردیم که به قلم نویسنده باستانی الهام یافته نوشته شده است.

تفسیر حاضر برای دانشجوی راهی سریع فراهم می‌سازد تا تفسیرات خود را بازنگری کند. هدف این کتاب قطعی و نهایی بودن نیست بلکه آگاه ساختن و اندیشه برانگیختن است. سایر تفسیرهای ممکنه بما یاری می‌دهند تا اینقدر محدود به افکار محلی و مصر بر عقاید خود نباشیم و تنها بر پایه تعلیمات فرقه‌ای کلیسایی

خود سنجش نکنیم. مفسرین باید گزینه های بیشتر و گسترده تری برای تفسیر داشته باشند تا درک کنند تا چه حد متن باستانی می تواند معانی و تفاسیر مختلف داشته باشد. این واقعاً تکان دهنده است که چه موافقت کمی در بین مسیحیانی وجود دارد که برای خود کتاب مقدس را منبع حقیقت می دانند. این اصول به من کمک کرده اند تا بر بیشتر شرطی سازی تاریخی خود غلبه کنم، بدینوسیله که مرا مجبور ساخته اند با متن باستانی تقلا نمایم. امید من اینست برای شما نیز باعث برکت گردد.

باب آتلی  
دانشگاه باپتیست تگزاس شرقی  
27 ژوئن 1996

## راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس: جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آیا می توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می شود؟ آیا می توانیم از طریق منطق آنرا به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلق وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا درین دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سئوالات - سئوالاتی که همه افراد معقول به آن می اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه 1: 13-18، 3: 9-11). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگیم بخاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده ام بود. در سنین بزرگی سئوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبرو می شدم یا در باره شان میخواندم، مفهومی نمی بخشیدند. آنروزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می کردم.

بسیاری ادعا می کردند جوابهایی برای این پرسش های اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی بردم جوابهایشان بر این مبانی بود: (1) فلسفه های شخصی، (2) اسطوره های باستانی، (3) تجربیات شخصی یا (4) فرافکنی های روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود ونسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تأیید کننده، تعدادی ادله وبراهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگیم را بر مبنای آنها بگذارم.

این ها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخم را در این ها یافتم: (1) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تأیید علم باستان شناسی، (2) صحت پیشگوئی های عهد عتیق، (3) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تألیف آن، و (4) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگیشان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت بعنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سئوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدسی، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگیم - مسیح را، آنطور که توسط کتاب مقدس شناخته میشود - یافته ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می شد چه تفسیر های گوناگون و عدیده ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیسا ها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می توانم تفسیر های متنوع و متضاد بسیاری بخش های مشکل کتاب مقدس را تأیید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟

این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. میدانستم ایمانم به مسیح، (1) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گرایی های فرهنگ من (پُست مدرنیته)، (2) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظام های متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (3) و خود بینی فرقه های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجویم برای راه های صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوری های تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن بعنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده میکردم و با اینکار نا امنی ها و کمبود های خود را از نو تأیید می نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمیتوانم کاملاً عین گرا باشم، می توانم کتابمقدس را به طرز صحیح تر مطالعه کنم. می توانم پیش دآوری های خود را محدودیت ببخشم، ازین طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده ام، اما با ضعف های خود مواجهه کرده ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

اجازه بدهید تعدادی از پیش فرض های خود را که در مطالعه ام از کتاب مقدس دخیل میکنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

## I. پیش فرض ها

الف. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. ازین رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.

ب. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنانیکه در ابتدا آنرا می خواندند یا می شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و شکل ها و اسلوب های تفهیم و تفاهم معمول مردم را بکار میگیرد.

ج. من ایمان دارم کتابمقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.

د. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می باشد. گرچه هرگز نمی توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را میدانیم، بسیاری از شاخص ها، نشانگر آن می باشند:

1. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
2. زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
3. چارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
4. طرح متن (طرح کلی) واحد های ادبی، آنطور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می کنند
5. خصیصه های دستوری ویژه که برای بیان پیام بکاررفته اند
6. واژه های انتخابی برای ارائه پیام
7. بخش های پارالل (مشابه)

مطالعه هر یک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش میگردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهم، اجازه بدهید برخی روش های نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روش هایی که اینقدر باعث گوناگونی در تفسیرها شده اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

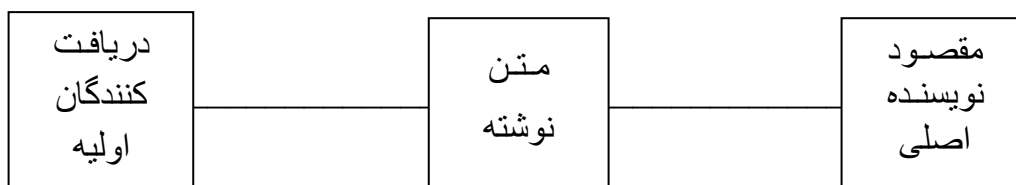
## II. روش های نامناسب

الف. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژه ها به عنوان اظهاریه های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلی تر آن ندارد. اینکار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می گویند.

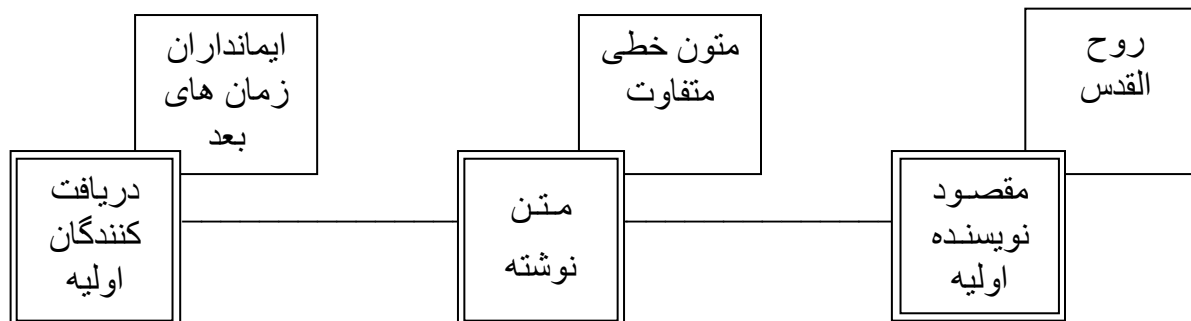
ب. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.

- ج. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس بعنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
- د. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی/ الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
- ه. نادیده گرفتن پیام اصلی بوسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا بعنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می افتد. معمولاً این را « واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای « متن برای من چه مفهومی دارد») می نامند.

حد اقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده میشوند:



در گذشته روش های مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می شده اند. اما برای تأیید حقیقی الهام منحصر بفرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسب تر می باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به مقصود راست آزمایی، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه های اشتباهی است که مشاهده کرده ام: (1) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متن ها و (2) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» (برای من چه مفهومی دارد). راه های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرک ها، پیش داورى ها، اسلوب ها، و کاربردها مان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم، اگر هیچگونه مرزها، محدودیت ها، شروط و موازینی برای اینکار وجود ندارند؟ درینجاست که منظور نویسنده و ساختار متن، تعدادی موازین در اختیارم میگذارند تا بتوان پهنه تفسیر های ممکنه صحیح را محدودیت بخشید. در پرتو اسلوب های نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روش های ممکنه ای برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس هستند که تا اندازه ای راست آزمایی و همخوانی را فراهم میکنند؟

### III. روش های ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

درین مقطع اسلوب های منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمیدهیم که برای تفسیر ژانر های ادبی خاص بکار میروند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می پردازیم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده ای درباره روش های تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» به انتشار «زان درون» میباشد.

متدولوژی من ابتدا بر خواننده متمرکز است که اجازه میدهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. اینکار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار میدهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تأثیر نامتناسب مفسران محفوظ میدارد. شنیده ام که میگویند: "کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن میسازد." مقصود ازین گفتار، کم ارزش شمردن کمک های مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحه بگذاریم. پنج مورد، راست آزمایی حداقل محدودی را ممکن میسازند:

1. نویسنده اصلی:
  - الف. زمینه تاریخی او
  - ب. چارچوب ادبی
2. گزینه نویسنده اصلی در:
  - الف. ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)
  - ب. استفاده از آثار زمان خود
  - ج. ژانر
3. درک ما از متناسب بودن
  - الف. بخش های پارالل و مشابه کتاب مقدس که مربوط می باشند

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تأییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و در عین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده اند تا بینش های تفسیری ذیل را فراهم کنند:  
الف. دوره اول مطالعه

1. کتاب را در یک نشست بخوانید. یک مرتبه دیگر آنرا در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است تئوری ترجمه آن متفاوت باشد:
  - 1.1 ترجمه تحت اللفظی (NRSV, NASB, NKJV)
  - 2.1 ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
  - 3.1 ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)
2. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
3. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که بروشنی این مقصود یا تم اصلی را بیان میکند.

4. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

1.4 عهد عتیق

1.1.4 داستانسرایی عبری

2.1.4 شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)

3.1.4 نبوت عبری (نظم، نثر)

4.1.4 قوانین در شریعت

2.4 عهد جدید

1.2.4 داستانسرایی ها (اناجیل، اعمال رسولان)

2.2.4 مثال ها (اناجیل)

3.2.4 نامه ها/ رساله ها

4.2.4 ادبیات مکاشفه ای

ب. دوره دوم مطالعه

1. کتاب را دوباره کاملاً بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
2. عناوین اصلی را بصورت طرح کلی در آورید و در جمله ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
3. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمک های مطالعات، بازنگری کنید.

ج. دوره سوم مطالعه

1. کتاب را دوباره کاملاً بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
2. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.
  - 2.1 نویسنده
  - 2.2 تاریخ
  - 2.3 دریافت کنندگان
  - 2.4 دلیل خاص برای نوشتن
  - 2.5 جنبه های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می باشند
  - 2.6 اشارات به اشخاص و رویداد های تاریخی
3. برای آن بخش کتاب مقدس که دارید تفسیر میکنید، طرح کلی تان را به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
4. زمینه تاریخی تان را با استفاده از «کمک های مطالعات» بازنگری کنید.

د. دوره چهارم مطالعه

1. «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
  - 1.1 ترجمه کلمه به کلمه (NRSV, NASB, NKJV)
  - 2.1 ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
  - 3.1 ترجمه تفسیری («کتاب مقدس تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)



2. ساختار های ادبی یا گرامری را بیابید
  - 1.2 عبارات تکرار شده، افس: 1: 6 ، 12 ، 13
  - 2.2 ساختارهای دستوری مکرر، روم: 8: 31
  - 3.2 مفاهیم مغایر
3. موارد زیر را فهرست کنید
  - 1.3 کلمات مهم
  - 2.3 کلمات غیر معمول
  - 3.3 ساختار های مهم دستوری
  - 4.3 کلمات، بند ها، و جملات بسیار مشکل
4. بخش های پارالل [مشابه] مربوط را در کتاب مقدس بیابید
  - 1.4 روشن ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:
    - 4.1.1 کتاب های «الهیات نظام مند»
    - 4.1.2 کتاب مقدس های مخصوص مراجعات [دارای لیست های رجوع به آیات و بخش های مربوطه]
    - 4.1.3 کشف الآیات
  - 2.4 در داخل موضوع تان، «دوگانگی متناقض» احتمالی [دو مفهوم بظاهر متضاد و در واقع همخوان] را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس بصورت «دوگانگی دیالکتیکی» [دو مفهوم بظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد] معرفی شده اند؛ بسیاری از اختلافات فرقه ای ازین سرچشمه میگیرند که افراد از روی نیمی ازین مفاهیم دوگانه و پر تنش در کتاب مقدس برای «اثبات عقیده خود توسط آیات» استفاده میکنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است، و ما باید پیام کامل آنرا بجوییم تا برای تفسیر خود، توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.
  - 3.4 پارالل ها را در همان کتاب یا نوشته های همان نویسنده یا همان «ژانر» بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می باشد.
5. برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از «کمک های مطالعات» بهره بگیرید.
  - 1.5 کتاب مقدس های دارای راهنمای مطالعات
  - 2.5 دائره المعارف، کتاب های راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
  - 3.5 پیشگفتارهای کتاب مقدس
  - 4.5 تفسیرهای کتاب مقدس (درین مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند.)

#### IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

درینجا به کاربرد می پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آنرا در زندگی و فرهنگ خود بکار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود میگفت، و بکار گیری آن واقعیت در زمان ما." پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود بکار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه میگفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، بصورت پاراگراف ها، (دوره مطالعه شماره 3) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف ها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بند ها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته ای که دست اندر کار می باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، بوسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی میکنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسائل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای اینکار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. ازین یک معنا میتوان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

## V. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و منتهی در تفسیرکردن و در کاربرد صحبت کرده ام. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

- الف. برای کمک روح القدس دعا کنید (م.ک. 1 قرنیتیان 1: 26 - 2: 16).
- ب. دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناہانی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (1 یوحنا 1: 9).
- ج. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (م. ک. مز 19: 7-14؛ 42: 1 به بعد؛ 119: 1 به بعد).
- د. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود بکار ببندید.
- ه. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قول های ذیل بمن کمک کرده اند توازن بین این دو را بیابم:

الف. برداشت از «جیمز و. سایر» در کتاب «پیچاندن کتاب مقدس»، صفحات 17-18:

"تنویر به اذهان قوم خدا می آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه گورو [اساتید معنوی] یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف میکنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفسیر های قابل قبول باید از طریق آنها بدست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را میدهد، اینکار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان توانائیهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهائی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می توانند آنرا به اندازه کافی درک کنند."

ب. در مورد «کرکگارد»، مطابق «برنارد رم» در کتاب او به نام «تفسیر کتاب مقدس از دیدگاه پروتستان» صفحه 75:

به گفته کرکگارد، مطالعه دستوری، واژه ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی بشمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آنرا با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتابمقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا بصورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را میخوانند، آنگاه آنرا بعنوان کلام خدا خوانده است."

ج. «اچ. اچ. راولی» در کتاب « مطرح بودن کتاب مقدس » صفحه 19:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی تواند همه گنجینه های آنرا از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعهای روحانی با بینش روحانی دریافت میشوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. درین صورت او می تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنی تر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

## VI. روش این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه های ذیل برای کمک به رویه های تفسیری شما تنظیم شده:

الف. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره 3» را انجام داده اید، به این اطلاعات رجوع کنید.

ب. بینش های متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. این به شما کمک میکند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

ج. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگراف ها و عنوان های توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده اند:

1. متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، ویراست تجدید نظر شده (UBS<sup>4</sup>)

2. کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید، بروز آورده شده در سال 1995 (NASB)

3. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV)

4. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV)

5. ترجمه انگلیسی امروز (TEV)

6. کتاب مقدس اورشلیم (JB)

تقسیم بندی پاراگراف ها الهام نشده اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. بوسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از تئوریهای متفاوت ترجمه و دیدگاه های مختلف علم الهی می باشند، می توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب بصورت پاراگراف بندی اینقدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطالبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

د. ترتیب یادداشت های «باب» [نویسنده کتاب] مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشت ها از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم میکنند:

1. چارچوب ادبی
2. بینش های تاریخی و فرهنگی
3. اطلاعات دستوری
4. مطالعات واژه ای
5. بخش های پارالل [مشابه] مربوطه

ه. در بعضی مقطع های کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه استاندارد آمریکایی جدید (بروز آمده در 1995) بوسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

1. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV) که مطابق پیرو متن نسخه های خطی «متن دریافتی» می باشد.
2. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV) که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیسا ها می باشد.
3. ترجمه انگلیسی امروز (TEV) که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتب مقدسه آمریکا است.
4. کتاب مقدس اورشلیم (JB) که ترجمه ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

و. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک میکند:

1. تفاوت ها در متون خطی
2. معانی جانشین واژه ها
3. متن ها و ساختار مشکل دستوری
4. متن های دارای چند معنی

اگر چه ترجمه های انگلیسی نمی توانند این مسائل را حل کنند، آنها را برای مطالعه بیشتر و کامل تر مورد نظر قرار می دهند.

ز. در پایان هر فصل سئوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده اند و درین سئوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.



نامهٔ پولس

به

روميان



# پیشگفتار رومیان

## بیانیه‌های سر آغاز

- الف. کتاب رومیان نظام مند ترین و منطقی‌ترین کتاب پولس رسول درباره آموزه های مسیحیت می باشد. از آنجا که اوضاع روم بر آن اثر داشته اند، نوشتار «رویدادی» بشمار می‌رود. یک پیشامد پولس را بر آن داشت این نامه را بنویسد. اما در میان تمامی نوشته های پولس، این کتاب بی طرفانه ترین آنهاست، زیرا روش مواجهه پولس با مسئله (احتمالاً حسادت بین رهبران یهودی و غیر یهودی، (م. ک. 14: 1-15: 13) بیان صریح انجیل و مفاهیم آن برای زندگی روزانه بود.
- ب. بیان پولس از انجیل در «رومیان»، بر روی زندگی کلیسا در همه قرون تأثیر بسزایی داشته است:
1. آگوستین قدیس در 386 میلادی با خواندن «رومیان» 13: 13-14 به مسیحیت گروید.
  2. در سال 1513 میلادی درک «مارتین لوتر» در مورد نجات، دچار تحولی بزرگ گردید زیرا مزمور 1: 31 را با رومیان 17: 1 مقایسه نمود. (م. ک. حبقوق 2: 4)
  3. در سال 1738 میلادی، یکروز که گذر «جان وسلی» از برابر گردهمایی «منونایت» ها در لندن افتاده بود، به مسیحیت گروید زیرا موعظه «لوتر» را در باره پیشگفتار رومیان که قرائت میکردند شنید، چون از قضا آن روز واعظی که قرار بوده صحبت کند پیدایش نشده بود!
- ج. شناخت «رومیان»، شناخت مسیحیت است. این نامه، زندگی و تعالیم مسیح را به صورت واقعیت های بنیادی برای تمامی قرون کلیسا شکل می دهد. مارتین لوتر درباره آن چنین گفت: "کتاب اصلی در عهد جدید و کتابی که مطلقاً به انجیل پرداخته است!"

## نویسنده

نویسنده یقیناً پولس بوده است. سلام و تهنیت معمول او در 1: 1 دیده میشود. توافق عمده بر این است که «خار در جسم» پولس، دید ضعیف چشم او بوده است. بنابراین او عملاً این نامه را ننوشته، بلکه از کاتبی بنام «ترتیوس» استفاده کرده است (م. ک. 16: 22).

## تاریخ تألیف

- الف. تاریخ احتمالی تألیف کتاب رومیان 56-58 میلادی است. این یکی از معدود کتابهای عهد جدید است که تاریخ آنرا میتوان تقریباً به تدقیق مشخص کرد. اینکار با مقایسه اعمال 20: 2 به بعد، و رومیان 15: 17 به بعد، انجام میشود. کتاب رومیان احتمالاً در شهر «قرنتس» در اواخر سفر سوم بشارتی پولس نوشته شده، پیش از آنکه پولس از آنجا به اورشلیم برود.
- ب. گاه نگاری ممکنه نوشته های پولس مطابق «اف. اف. بروس» و «موری هریس» با اقتباس های جزئی.



ارتباط با کتاب اعمال	محل تألیف	تاریخ	کتاب
14:28؛ 15:2	انطاکیه سوریه	48	1. غلاطیان
	قرنتس	50	2. 1 تسالونیکیان
	قرنتس	50	3. 2 تسالونیکیان
19:20	افسس	55	4. 1 قرنتیان
2:20	مکادونیه	56	5. 2 قرنتیان
3:20	قرنتس	57	6. رومیان
			7-10. نامه ها از زندان
		اوایل دهه 60	کولسیان
	روم	اوایل دهه 60	افسیان
		اوایل دهه 60	فلیمون
		اواخر 62-63	فیلیپیان
			11-13. سفر چهارم بشارتی
	مکادونیه	63 (با دیرتر ولی پیش از 64 میلادی)	1 تیموتاوس
	افسس (?)	63	تیطس
	روم		2 تیموتاوس

## دریافت کنندگان

الف. در نامه ذکر شده است که مقصد آن روم می باشد. ما نمیدانیم چه کسانی بنیاد کلیسا را در روم گذاشتند: احتمال دارد تعدادی از کسانی بوده اند که در روز پنطیکاست از اورشلیم دیدن میکردند و ایمان آوردند و به شهر خود بازگشتند تا کلیسا بنا کنند (م. ک. اعمال 2:10).

ب. احتمال دارد شاگردانی بوده اند که پس از مرگ استیفان از آزارها در اورشلیم فرار کرده بودند (م. ک. اعمال 8:4).

ج. احتمال دارد کسانی بوده اند که در نتیجه سفرهای بشارتی پولس ایمان آورده، به روم رفته بودند. پولس هرگز به دیدار این کلیسا نرفته بود، اما مشتاق اینکار بود (م. ک. اعمال 19:21). او در آنجا دوستان بسیاری داشت (م. ک. روم 16)

ظاهراً برنامه او این بود پس از آنکه با «هدیه محبت» به اورشلیم سفر کند سر راه اسپانیا از روم دیدن نماید (م. ک. رومیان 15:28) پولس احساس میکرد خدمت او در شرق مدیترانه پایان یافته است. او بدنبال عرصه های جدید بود (م. ک. 15:20-23، 28). ظاهراً کسی که نامه پولس در یونان را به روم برد می تواند فیبی خادمه کلیسا که به آنجا سفر میکرد باشد (م. ک. 16:1). چرا این نامه که در قرن اول، در پس کوچه های قرنتس توسط یک خیمه دوز عبرانی نوشته شده، اینقدر پر ارزش است؟ ماتیون لوتر آنرا «کتاب اصلی در عهد جدید و کتابی که مطلقاً به انجیل پرداخته است» ذکر کرده است. اهمیت این کتاب درین واقعیت یافت میشود که توصیف مشروحی است از انجیل توسط یک عالم عبرانی مسیحی شده، بنام سولس ترسوسی که فراخوانده شده بود تا رسول غیر یهودیان باشد. تأثیر مسائل خاص محلی در اکثر نامه های پولس قویاً دیده میشوند، ولی در «رومیان» چنین نیست. این کتاب، ایمان یک رسول را با روشی نظام مند بیان کرده است.

ای هم ایمان مسیحی، توجه کرده بودی که اکثر واژه های تخصصی که امروزه برای تعریف "ایمان" بکار میروند ("پارسا شمردن"، "برای کسی محسوب کردن"، "فرزند خواندگی"، و "تقدیس") از کتاب رومیان برگرفته شده اند؟ این کتاب از لحاظ علم الهی، بسط حقایق «غلاطیان» است. حال که با هم در جستجوی اراده خدا برای زندگی های امروز خود می باشیم، دعا کنید خدا این نامه عالی و شگفت انگیز را برای شما روشن سازد!

## مقصود

- الف. تقاضای کمک برای سفر بشارتی اش به اسپانیا. پولس معتقد بود کار رسالت او در شرق مدیترانه پایان یافته است (م. ک. 15: 20-23، 28)
- ب. رسیدگی به مسئله در کلیسای روم بین ایمان داران یهودی و غیر یهودی. احتمالاً این نتیجه ی بیرون رانده شدن تمامی یهودیان از روم و بازگشت بعدی آنان بود. در آن زمان رهبران غیر یهودی مسیحی، جانشین رهبران یهودی مسیحی شده بودند.
- ج. برای معرفی خود به کلیسای روم. در اورشلیم مخالفت شدیدی نسبت به پولس از طرف یهودیانی وجود داشت که خلوص نیت داشتند و به مسیحیت گرویده بودند (شورای اورشلیم در اعمال 15)، نیز از طرف یهودیان غیر صمیمی (یهودی گراها در غلاطیان و 2 قرن تیان 3، 10-13) و از طرف غیر یهودیان (کولسیان، افسسیان) که سعی میکردند پیام انجیل را با تئوری ها یا فلسفه های مورد علاقه خود بیامیزند (مثلاً گنوستیسیزم).
- د. ادعایی علیه پولس شده بود که او «نو آور» خطرناکی است و دارد با بی پروایی به تعلیمات عیسی اضافه میکند. کتاب رومیان راهی برای او بود تا با استفاده از عهد عتیق و تعلیمات عیسی (اناجیل) ثابت کند انجیل او صحیح است و بدینوسیله از خود بطور نظام مند دفاع کند.

## طرح کلی مختصر

- الف. پیشگفتار (1: 1-17)
1. سلام های آغاز نامه (1: 1-7)
  - 1.1 نویسنده (1-5)
  - 2.1 مقصد نامه (6-7 الف)
  - 3.1 درود (7 ب)
  2. مناسبت (1: 8-15)
  3. مضمون (1: 16-17)
- ب. احتیاج به پارسایی الهی (1: 18-3: 20)
1. انحطاط دنیای بی ایمانان (1: 18-32)
  2. ریا کاری یهودیان یا «معلمین اخلاق» غیر ایماندار (2: 1-16)
  3. داوری یهودیان (2: 17-3: 8)
  4. محکومیت همگان (3: 9-20)

- ج. پارسایی الهی چیست (3: 21-8: 39)
1. پارسایی تنها بوسیله ایمان (3: 21-31)
  2. پایه پارسایی: وعده خدا (4: 1-25)
    - 1.2 وضعیت صحیح ابراهیم (4: 1-5)
    - 2.2 داود (4: 6-8)
    - 3.2 ارتباط ابراهیم با ختنه (4: 9-12)
    - 4.2 وعده خدا به ابراهیم (4: 13-25)
  3. دستیابی به پارسایی (5: 1-21)
    - 1.3 جنبه ذهنی (احساسی): محبت به کسی که استحقاق ندارد، شادی بی نظیر (5: 1-5)
    - 2.3 پایه عقلانی: محبت شگفت انگیز خدا (5: 6-11)
    - 3.3 آدم/ «نمونه شناسی» مسیح [نمونه ای از مسیح در عهد عتیق]: گناه آدم، راه چاره خدا (5: 12-21)
  4. پارسایی الهی باید پارسایی شخصی را نتیجه دهد (6: 1-7: 25)
    - 1.4 نجات یافته از گناه (6: 1-14)
      - 1.1.4 یک اعتراض گمان شده (6: 1-2)
      - 2.1.4 معنای تعمید (6: 3-14)
    - 2.4 بنده شیطان یا بنده خدا: انتخاب شما (6: 15-23)
    - 3.4 درقید تعهد شریعت بودن انسان (7: 1-6)
    - 4.4 شریعت نیکو است اما گناه مانع نیکویی می‌گردد (7: 7-14)
    - 5.4 جدال ابدی نیک و بد در دل ایماندار (7: 15-25)
  5. نتایج قابل مشاهده پارسایی الهی (8: 1-39)
    - 1.5 زندگی در روح القدس (8: 1-17)
    - 2.5 فدیة دادن خلقت (8: 18-25)
    - 3.5 کمک همیشگی روح القدس (8: 26-30)
    - 4.5 پیروزی قضایی «پارسا شمرده شدن توسط ایمان» (8: 31-39)
- د. هدف الهی برای تمامی بشر (9: 1-11: 32)
1. گزینش اسرائیل (9: 1-33)
    - 1.1 وارثان حقیقی ایمان (9: 1-13)
    - 2.1 حاکمیت خدا (9: 14-26)
    - 3.1 نقشه جهانی خدا شامل غیر یهودیان می‌گردد (9: 27-33)
  2. نجات اسرائیل (10: 1-21)
    - 1.2 پارسایی خدا در مقابل پارسایی آدمیان (10: 1-13)
    - 2.2 رحم و شفقت خدا لازم می‌سازد افراد پیام او را برسانند – فراخوانی برای بشارت جهانی (10: 1-18)
    - 2.3 ادامه بی ایمانی اسرائیل نسبت به مسیح (10: 19-21)
  3. قصور اسرائیل (11: 1-36)
    - 1.3 باقیماندگان یهود (11: 1-10)
    - 2.3 غیرت یهود (11: 11-24)
    - 3.3 نابینایی موقت اسرائیل (11: 25-32)
    - 4.3 ابراز پر شور شکر گذاری پولس (11: 33-36)

ه. نتیجه هدیه «پارسایی الهی» (12: 1-15: 13)

1. فراخوانی به تقدیس و تخصیص (12: 1-2)
2. استفاده از عطایا (12: 3-8)
3. روابط ایمانداران با ایمانداران دیگر (12: 9-21)
4. روابط با دولت (13: 1-7)
5. روابط با همسایگان (13: 8-10)
6. روابط با خداوند ما (13: 11-14)
7. روابط با سایر اعضای کلیسا (14: 1-12)
8. اثر ما بر دیگران (12: 13-23)
9. روابط در شبیه مسیح بودن (15: 1-13)

و. در خاتمه (15: 14-33)

1. برنامه های شخصی پولس (15: 14-29)
2. تقاضاهای دعا (15: 30-33)

ز. تذکرات آخر (16: 1-27)

1. سلامها (16: 1-24)
2. دعای برکت در اختتام (16: 25-27)

### دوره اول مطالعه (به صفحه ix رجوع کنید)

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در روشنایی که یافته ایم، قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس، در تفسیر اولویت دارید. نباید از این حق خود صرفنظر کرده، آنرا به مفسر واگذار نمایید.

سراسر کتاب در کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مضمون محوری کل کتاب را با کلمات خود بنویسید.

1. مضمون کل کتاب

2. نوع متن (ژانر/ گونه ادبی)

### دوره دوم مطالعه (به صفحه x رجوع کنید)

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در روشنایی که یافته ایم قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس، در تفسیر اولویت دارید. نباید از این حق خود صرفنظر کرده، آنرا به مفسر واگذار نمایید.

سراسر کتاب در کتاب مقدس را برای بار دوم در یک نشست بخوانید. موضوع های اصلی را بصورت طرح کلی در بیاورید و موضوع را در یک جمله بیان کنید.

1. موضوع اولين واحد ادبی
2. موضوع دومین واحد ادبی
3. موضوع سومین واحد ادبی
4. موضوع چهارمین واحد ادبی
5. و غیره.

# رومیان 1

## تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید\*

JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
خطاب	سلام اول نامه	سلام اول نامه	درودها، سلام های اول نامه	سلام اول نامه
2 - 1 :1	1 :1	6 - 1 :1	7-1 :1	7-1 :1
	6 - 2 :1			
7-3 :1	7 :1 الف	7 :1 الف		
	7 :1 ب	7 :1 ب		
شکر گذاری و دعا	دعای شکر گذاری	شکر گذاری	اشتیاق برای دیدن روم	اشتیاق پولس برای دیدن روم
15 - 8 :1	12 - 8 :1	15 - 8 :1	15 - 8 :1	15 - 8 :1
	15 - 13 :1			
مضمون اظهار شده	قدرت انجیل	مضمون نامه	پارسایان بوسیله ایمان زندگی میکنند	قدرت انجیل
17 - 16 :1	17 - 16 :1	17 - 16 :1	17 - 16 :1	17 - 16 :1
غضب خدا بر بی دینان	تقصیر آدمیان	داوری خدا نسبت به گناه	غضب خدا بر نادرستی	تقصیر انسانها
25 - 18 :1	23 - 18 :1	23 - 18 :1	32 - 18 :1	23 - 18 :1
	25 - 24 :1	25 - 24 :1		32 - 24 :1
27 - 26 :1	27 - 26 :1	27 - 26 :1		
32 - 28 :1	32 - 28 :1	32 - 28 :1		

\*اگرچه تقسیمات پاراگراف ها وحی نشده اند، اما آنها کلید درک و پابندی به مقصود نویسنده اصلی می باشند. هر یک از ترجمه های امروزی باب اول را تقسیم و خلاصه کرده اند. هر پاراگراف یک عنوان، واقعیت یا اندیشه محوری دارد. هر ترجمه مختلف، آن عنوان را بطریق خاص خود خلاصه میکند. در حالیکه متن را میخوانید، از خود بپرسید کدام ترجمه با درک شما از موضوع و تقسیمات آیه ها هماهنگ است. در هر فصل، ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانید و سعی کنید موضوع ها (پاراگراف ها) ی آنرا مشخص کنید. آن موقع درک خود را با ترجمه های امروزی مقایسه نمایید. تنها با درک مقصود نویسنده اصلی از طریق پیگیری منطق و طرز بیان اوست که می توان کتاب مقدس را حقیقتاً درک کرد. تنها نویسنده اصلی الهام یافته است - خوانندگان به هیچوجه حق ندارند پیام را تغییر دهند یا در آن تصرف کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت دارند حقیقت الهام شده را برای زمان خود بکار گرفته، در زندگی خود آنرا عملی سازند.

توجه داشته باشید تمامی کلمات تخصصی و مخففات در ضمیمه های یک، دو، و سه توضیح کامل داده شده اند.

دوره سوم مطالعه (رجوع شود به صفحه x)  
پایبندی به مقصود نویسنده اصلی در سطح پاراگراف

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات می باشد، به این معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که در برابر ماست قدم بر داریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر اولویت دارید. این حق را نباید به یک مفسر واگذار کنید.

باب را در یک نشست بخوانید. موضوع های اصلی را مشخص نمایید. تقسیمات موضوع های خود را با پنج ترجمه جدید مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها الهام نشده اند، اما کلید فهم مقصود نویسنده اصلی می باشند، که کار اصلی در تفسیر است. هر پاراگراف یک موضوع و فقط یک موضوع دارد.

1. پاراگراف اول

2. پاراگراف دوم

3. پاراگراف سوم

4. غیره

بینش ها در چارچوب متن

الف. آیات 1-7 پیشگفتار نامه را تشکیل میدهند. این پیشگفتار از بین تمامی نامه های پولس، طولانی ترین است. پولس میخواست به کلیسایی که شخصاً او را نمی شناختند و احتمالاً گفته های منفی در مورد او شنیده بودند، خود و الهیات خود را معرفی کند.

ب. آیات 8-12 دعای آغازین شکر گذاری است. این بطور عموم روش معمول نامه های یونانی و بخصوص نوشته های پولس بود.

ج. آیات 16-17 مضمون (تم) کتاب را بازگو می کنند.

د. آیات 18 تا 3: 20 اولین واحد ادبی و اولین نکته انجیل پولس را تشکیل می دهند؛ تمامی انسان ها گناه کرده اند و نیاز به نجات دارند (م. ک. پیدایش 3).

1. بی دینان بدون اخلاقیات

2. بی دینان پیرو اخلاقیات

3. یهودیان

ه. رومیان 1: 18-3: 20 بازتاب پیدایش باب 3 می باشد (جای تعجب است که معلمین مذهبی یهود در مورد منشاء گناه، به این متن توجهی ندارند بلکه به باب 6 پیدایش). بشریت برای مشارکت با خدا و به شباهت خود خدا آفریده شد (م. ک. پیدایش 1: 26-27). اما انسان کسب

دانایی و وعده بدست آوردن اقتدار و برتری و تفوق را انتخاب کرد. در واقع، انسان ها بجای خدا، خود را انتخاب کردند (انسانگرایی همراه با بی خدایی)!

خدا این بحران را خود اجازه داد، یا حتی احتمالاً خود بوجود آورد. شبیه به خدا بودن یعنی مسئول بودن، جوابگو بودن از لحاظ اخلاقی، آزادی عمل داشتن همراه با عواقب آن. خدا انسان ها را بر پایه گزینه خود و نیز بر پایه گزینه آنها، تفکیک میکند (رابطه معاهده ای)! خدا به آنها اجازه میدهد نفس خود را با تمام عواقب و عوارض آن انتخاب کنند. این امر خدا را بشدت اندوهگین می سازد (م. ک. پیدا 6: 5-7) اما انسان ها عاملین آزاد اخلاقی هستند، با تمامی حق و حقوق و مسئولیت هایی که این موضوع به همراه دارد. عبارت مکرر "خدا آنها را واگذاشت" (م. ک. 1: 24، 26، 28) پذیرش آن آزادی است، نه طرد عمدی از طرف خدا. گزینه خدا این نبود. دنیای ما، دنیایی نیست که خدا قصد داشت! (م. ک. پیدا 3: 22؛ 6: 5-7، 11-13)

و. خلاصه 1: 18-3: 20 از لحاظ علم الهی در 3: 21-31 دیده میشود. این اولین "خبر خوش" انجیل است - تمامی بشر گناه کرده اند و محتاج بخشش خدا می باشند؛ خدا از روی فیض خود راه تجدید دوستی و مشارکت نزدیک (منظور: تجربه باغ عدن را) فراهم میسازد.

ز. درین اولین واحد ادبی ارائه پولس از انجیل، جالب توجه است که بشریت سقوط کرده مسئول سرپیچی و گناه خود شناخته می شود، بدون اینکه هیچ رجوعی به شیطان یا ارواح خبیث شده باشد (م. ک. روم 1: 18-3: 20) این قسمت، یقیناً الهیات باب 3 پیدایش را منعکس میکند - اما بدون وسوسه کننده شخصی. خدا به انسان های سقوط کرده اجازه نمی دهد بار دیگر تقصیر را به عهده شیطان (م. ک. پیدا 3: 13) یا خود خدا (م. ک. پیدا 3: 12) بگذارند. انسانها به شباهت خدا آفریده شده اند (م. ک. پیدا 1: 26؛ 5: 1، 3؛ 9: 6). آنها دارای حق و اختیار و تعهد برای انتخاب می باشند. افراد در مورد انتخاب هایی که می کنند مسئول شناخته می شوند - هم شراکتاً با آدم و هم فرداً در گناه شخصی (م. ک. 3: 23).

## مطالعه کلمات و عبارات

### متن NASB (بروز آمده) 1: 1-6

<sup>1</sup> پولس، غلام عیسی مسیح که به رسالت فراخوانده شده و برای انجیل خدا جدا نموده شده است،  
<sup>2</sup> آن انجیلی که خدا از پیش به واسطه پیامبران خود در کتب مقدس وعده داد،<sup>3</sup> در باره پسر او، که از لحاظ جسم از صلب داوود بدنیا آمد،<sup>4</sup> که با رستائیز از مردگان، پسر خدا با قدرت اعلام گردید - بر طبق روح قدوسیت، عیسی مسیح خداوند ما،<sup>5</sup> که بواسطه وی فیض و رسالت را یافته ایم تا بخاطر نام او سبب اطاعت ایمان در میان همه غیر یهودیان گردیم،<sup>6</sup> که از میان ایشان شما نیز فرا خوانده شدگان عیسی مسیح هستید؛

1: 1 "پولس": اکثر یهودیان زمان پولس دو اسم کوچک داشتند، یکی یهودی و یکی رومی (م. ک. اعمال 13: 9). نام یهودی پولس، سولس [شاول] بود. او، همانند پادشاه باستانی اسرائیل، از طایفه بنیامین بود (م. ک.



روم 11: 1؛ فیلیپیان 3: 5). نام رومی او به شکل یونانی، پولس (Paulos) به معنای "کوچک" بود. این اشاره ای به یکی از حالات ذیل بود:

1. در کتابی از قرن دوم میلادی بنام «اعمال پولس» که جزو کتب مقدسه نبوده، در فصلی در باره تسالونیکیه بنام "پولس و تکلا" اشاره ای به قامت فیزیکی او شده است
  2. نظر شخصی او که خود را در میان مقدسین کمترین بشمار می‌آورد، زیرا در ابتدا کلیسا را مورد آزار قرار داده بود (م. ک. 1 قرن 15: 9؛ افس 3: 8؛ 1 تیمو 1: 15)
  3. نامی بوده که والدینش هنگام تولد بر او نهاده بودند
- گزینه شماره 3 بهتر از بقیه بنظر می‌رسد.

■ «غلام» در ترجمه های TEV، NRSV، NKJV و JB "خدمت گذار" آمده است. این مفهوم یا (1) در تضاد با عیسی مسیح بعنوان خداوند آمده یا (2) عنوان احترام آمیزی با نقل از عهد عتیق بوده است (م. ک. موسی در اعد 7: 12 و یوش 1: 1؛ یوشع در یوش 24: 29؛ و داود در مزمو (عنوان)، و اشعیا 42: 1، 19؛ 52: 13).

■ «به رسالت فراخوانده شده»: این گزینه خدا بود، نه او (م. ک. اعا 9: 15؛ غلا 1: 15؛ افس 3: 7). پولس دارد صلاحیت ها و اقتدار روحانی خود را به این کلیسا که هرگز ملاقاتشان نکرده بود اظهار و اعلام میدارد (همانطور که در قرن 1: 1؛ 2 قرن 1: 1؛ غلا 1: 1، کولس 1: 1؛ 1 تیمو 1: 1، تیطس 1: 1 اعلام کرده است). رجوع کنید به عنوان خاص: فراخوانده شده در 1: 6.

کلمه «رسول» در دوایر یهودی فلسطینی قرن اول میلادی به معنای «فرستاده بعنوان نماینده رسمی» بوده است (م. ک. 2: 17 تا 7-9). در عهد جدید این کلمه به دو معنی استفاده می‌شد: (1) در باره دوازده حواری خاص و پولس؛ و (2) درباره یک عطای روحانی که هنوز هم در کلیسا ادامه دارد (م. ک. 1 قرن 12: 28-29؛ افس 4: 11).

### عنوان خاص: فرستادن (APOSTELLŌ)

این یک کلمه متعارف یونانی برای " فرستادن " (به عبارت دیگر *apostellō*) می‌باشد. این واژه در الهیات چند مورد استفاده دارد.

- الف. معلمین مذهبی یهود اینرا به کسی می‌گفتند که بعنوان نماینده رسمی شخص دیگری فرا خوانده شده و فرستاده شده بود، که تقریباً مشابه معنای "سفیر" در فارسی است (م. ک. 2 قرن 5: 20).
- ب. اناجیل اغلب از این کلمه در مورد عیسی که فرستاده پدر است، استفاده میکنند. در یوحنا این کلمه بطور ضمنی معنایی در ارتباط با ماشیح را بخود میگیرد (م. ک. متی 10: 40؛ 15: 24؛ مرقس 9: 37؛ لوقا 9: 48 و بخصوص یوحنا 4: 34؛ 5: 24 و 30 و 36 و 37 و 38؛ 6: 29 و 38 و 39 و 40 و 57؛ 7: 29؛ 8: 42؛ 10: 36؛ 11: 42؛ 17: 3 و 8 و 18 و 21 و 23 و 25؛ 20: 21). آن در مورد عیسی استفاده شده است که ایمانداران را می‌فرستد (م. ک. یوحنا 17: 18؛ 20: 21)
- ج. عهد جدید آنرا برای حواریون استفاده میکرد
1. گروه اولیه و اصلی دوازده حواری (م. ک. لوقا 6: 13؛ اعمال 1: 21-22)
  2. گروه خاص یاری دهندگان و همکاران رسولان
- 1.2 برنابا (م. ک. اعمال 14: 4، 14)

2.2 اندرونیکوس و یونیا (KJV، یونیا، م. ک. روم 16: 7)

3.2 آپولس (م. ک. ا قرن 4: 6-9)

4.2 یعقوب برادر خداوند (م. ک. غلا 1: 19)

5.2 سیلوانوس و تیموتاؤس (م. ک. 1 تسا 2: 6)

6.2 احتمالاً تیطس (2 قرن 8: 23)

7.2 احتمالاً ایپارودیئوس (م. ک. فیل 2: 25)

3. هدیه ای مداوم در کلیسا (م. ک. 1 قرن 12: 28-29؛ افس 4: 11)

د. پولس از این لقب در اکثر نامه هایش برای خود استفاده میکند تا نشان دهد اقتدار او به عنوان

نماینده مسیح از طرف خداست. (م. ک. روم 1: 1؛ 1 قرن 1: 1؛ 2 قرن 1: 1؛ غلا 1: 1؛ افس 1:

1؛ کولس 1: 1؛ 1 تیمو 1: 1؛ 2 تیمو 1: 1؛ تیطس 1: 1).

□ "جدا نموده شده": این عبارت «وجه وصفی مجهول کامل» می باشد که ضمناً دلالت میکرد خدا در گذشته او را جدا ساخته بود (م. ک. ارمیا 1: 5 و غلا 1: 15) و این "در حالت موجود بودن" ادامه یافته بود. احتمالاً این برداشتی دیگر از کلمه "فریسی" در زبان آرامی بوده است. فریسیان برای «قانون گرایی» یهودی اختصاص داده شده بودند (همچنین پولس [فیلیپیان 3: 5] قبل از برخوردش با عیسی در راه دمشق) اما اکنون او برای انجیل جدا شده بود [اختصاص داده شده بود].

این عبارت با کلمه "مقدس" در عبری به معنی "جدا شده برای استفاده خدا" مرتبط است (خروج 19: 6؛ 1 پتر 2: 5). کلمات "قدیس"، "تقدیس" و "جدا شده" یکایک همان ریشه یونانی "مقدس" (*hagios*) را داشتند.

□ "برای انجیل خدا": «حرف اضافه» *eis* در این متن (و آیه 5) نشانگر هدف از "خوانده شدن" پولس (آیه 1 ب) و "جدا نموده شده" (آیه 1 ج) است.

انجیل واژه ای مرکب است و از "نیکو" (*eu*) و "پیام" (*angellos*) آمده است. این واژه ای شد که تعالیم مکشوف شده در پیمان جدید را توصیف میکرد (م. ک. ارمیا 31: 31-34؛ حز 36: 22-32)، و آن ماشیح موعود خداست (م. ک. آیات 3-4).

این انجیل خداست، نه انجیل پولس (م. ک. 15: 16؛ مرقس 1: 14؛ 2 قرن 11: 7؛ 1 تسا 2: 2، 8، 9؛ 1 پتر 4: 17). پولس نو آوری نمی کرد یا از لحاظ فرهنگی وفق نمی داد، بلکه حقیقتی را که دریافت کرده بود اعلام میداشت (م. ک. 1 قرن 1: 18-25).

1: 2 "از پیش به واسطه پیامبران خود در کتب مقدس وعده داد" در اینجا «فعل [یونانی] گذشته غیر معینی است با فاعل و مفعول واحد (فعل ظاهراً مجهول و معنماً معلوم) در وجه اخباری». انجیل امری نبود که بعد از برنامه ریزی و شروع کارها به ذهن خدا خطور کرده باشد، بلکه نقشه ازلی و هدفمند او بود (م. ک. پیدا 3: 15، اش 53؛ مز 118؛ مر 10: 45؛ لوقا 2: 22، اعا 2: 23؛ 3: 18؛ 4: 28؛ تیطس 1: 2). موعظه های اولیه در اعمال رسولان (*kerygma*) عیسی را بعنوان تحقق وعده ها و نبوت های عهد عتیق ارائه میکنند.

## عنوان خاص: KERYGMA [موعظه های اعلام کننده حقایق ایمان] در کلیسای نخستین

1. با آمدن عیسی ماشیح وعده هایی که خدا در عهد عتیق داده بود اکنون عملی گشته اند (اعمال 2: 30؛ 3: 19، 24؛ 10: 43؛ 26: 6-7، 22؛ روم 1: 2-4؛ 1 تیمو 3: 16؛ عبر 1: 1-2؛ 1 پتر 1: 10-12؛ 2 پتر 1: 18-19).
  2. خدا عیسی را بعنوان ماشیح در زمان تعمیدش مسح کرد (اعمال 10: 38).
  3. عیسی پس از تعمید خود، خدمتش را در جلیل شروع نمود (اعمال 10: 37)
  4. مشخصه خدمت او کارهای نیک و انجام اعمال پر قدرت بوسیله اقتدار خدا بود (مرقس 10: 45؛ اعمال 2: 22؛ 10: 38).
  5. ماشیح طبق منظور خدا مصلوب گردید (مرقس 10: 45؛ یوحنا 3: 16؛ اعمال 2: 23؛ 3: 13-15، 18؛ 4: 11؛ 10: 39؛ 26: 23؛ روم 8: 34؛ 1 قرن 1: 17-18؛ 15: 3؛ غلا 1: 4؛ عبر 1: 3؛ 1 پترس 1: 2، 19؛ 3: 18؛ 1 یوحنا 4: 10).
  6. او از مردگان برخیزانیده شد و به شاگردان خود ظاهر گردید (اعمال 2: 24، 31-32؛ 3: 15، 26؛ 10: 40-41؛ 17: 31؛ 26: 23؛ روم 8: 34؛ 10: 9؛ 1 قرن 15: 4-7، 12 به بعد؛ 1 تسلا 1: 10؛ 1 تیمو 3: 16؛ 1 پترس 1: 2؛ 3: 18، 21).
  7. عیسی بوسیله خدا تعالی داده شد و نام "خداوند" به او تعلق گرفت (اعمال 2: 25-29، 33-36؛ 3: 13؛ 10: 36؛ روم 8: 34؛ 10: 9؛ 1 تیمو 3: 16؛ عبر 1: 3؛ 1 پترس 3: 22).
  8. او روح القدس را اعطا کرد تا جامعه نوین خدا را متشکل سازد (اعمال 1: 8؛ 2: 14-18، 38-39؛ 10: 44-47؛ 1 پتر 1: 12).
  9. او باز خواهد آمد تا قضاوت نماید و همه چیز را اعاده کرده، به حال اولیه برگرداند (اعمال 3: 20-21؛ 10: 42؛ 17: 31؛ 1 قرن 15: 20-28؛ 1 تسلا 1: 10).
  10. همه کسانی که پیام را می شنوند باید توبه کنند و تعمید بیابند (اعمال 2: 38، 41؛ 3: 19؛ 10: 43، 47-48؛ 17: 30؛ 26: 20؛ روم 1: 17؛ 10: 9، 1 پترس 3: 21).
- این طرح کلی از اصول، نقش پیام اساسی را داشت که کلیسای اولیه اعلام میداشت، اگر چه ممکن است نویسندگان مختلف عهد جدید قسمتی از آنرا ذکر نکرده باشند، یا برخی نکات خاص دیگری را در موعظه های خود تأکید می نمودند. سراسر انجیل مرقس با بینش پطرس رسول از *kerygma* مطابقت نزدیک دارد. مرقس مطابق عرف مسیحیت، اینگونه نظاره می شود که موعظه های پطرس در روم را تنظیم نموده، بصورت انجیل نوشتاری قلم زده است. متی و لوقا، هر دو، از ساختار اساسی مرقس پیروی کرده اند.

**1: 3** "در باره پسر او": پیام محوری «خبر خوش»، یک فرد است، یعنی عیسی ناصری که زاده باکره ای مریم نام بود. در عهد عتیق، "ملت" و "پادشاه" و "ماشیح"، "پسر" خوانده میشدند (م.ک. 2 سمو 7: 14؛ هو 11: 1؛ مز 2: 7؛ متی 2: 15).

در عهد عتیق خدا توسط خادمین و پیامبران سخن میگفت. عیسی خادم خدا نبود بلکه عضو خانواده بود (م.ک. عبر 1: 1-2؛ 3: 6؛ 5: 8؛ 7: 28). جای تعجب است که پولس تنها درین قسمت کتاب بر روی «مسیح پژوهی» [مطالعه الهیاتی ذات عیسی] تمرکز میدهد. «رومیان» الهیات نظام مند کامل نیست.

## عنوان خاص: پسر خدا

این یکی از القاب اعظم «عهد جدید» برای عیسی می باشد و یقیناً الوهیت را بطور ضمنی می رساند. این عبارت عیسی را به عنوان «پسر» یا «پسر من» و خدا را که «پدر» خطاب شده، شامل می بود. در «عهد جدید» این عبارت بیش از 124 مرتبه ذکر شده است. حتی لقب «پسر انسان» که عیسی بخود اطلاق مینماید، مطابق دانیال 7: 13-14 معنی ضمنی الوهیت دارد.

در عهد عتیق، لقب «پسر» می توانست به چهار گروه خاص اطلاق شود:

1. فرشتگان (معمولاً به صورت «اسم جمع»، م. ک. پیدا 6: 2؛ ایوب 1: 6؛ 2: 1)
2. پادشاه اسرائیل (م. ک. 2 سمو 7: 14؛ مز 2: 7؛ 89: 26-27)
3. ملت اسرائیل در تمامیت (م. ک. خروج 4: 22-23؛ نث 1: 14؛ هو 1: 11؛ ملا 2: 10)
4. داوران اسرائیلی (م. ک. مز 82: 6)

کاربرد دوم است که با عیسی پیوند دارد. ازین طریق «پسر داوود» و «پسر خدا» هر دو به 2 سموئیل 7 و زمور 2 و 89 مرتبط می شوند. در عهد عتیق «پسر خدا» هرگز بطور اخص در مورد ماشیح بکار نرفته است، مگر بعنوان پادشاه روز آخرت و یکی از «مقامات مسح شده» اسرائیل. لکن در طومار های بحرالमित این لقب با اشاره بر ماشیح بسیار دیده می شود است (رجوع های بخصوص را در *Dictionary of Jesus and the Gospels*، صفحه 770 ملاحظه نمایید). همچنین در دو اثر «آپوکالیپتیکی» [مکاشفه پیشگویانه] یهودی که در زمان مابین عهد عتیق و عهد جدید نوشته شده اند، «پسر خدا» لقبی است در باره ماشیح (م. ک. 2 اسدرا [Esdras] 7: 28؛ 13: 32 و 37 و 52؛ 14: 9 و 1 خنوخ [Enoch] 105: 2).

پیش زمینه عهد جدید آنرا در رجوع به عیسی، بطرز بهینه می توان در چند مقوله خلاصه نمود:

1. تقدم وجود و ازلیت او (م. ک. یوحنا 1: 1-18)
2. تولد بی همتای او (از باکره) (م. ک. متی 1: 23؛ لوقا 1: 31-35)
3. تعمید او (م. ک. متی 3: 17؛ مرقس 1: 11؛ لوقا 3: 22. ندای خدا از آسمان، پادشاه ملوکانه در زمور 2 را با خادم رنجبر در اشعیا 53، وحدت می دهد).
4. وسوسه او توسط شیطان (م. ک. متی 4: 1-11؛ مرقس 1: 13، 12؛ لوقا 4: 1-13. او وسوسه میگردد تا به «مقام فرزندی خود» تردید کند یا حداقل هدف از آنرا از راه های دیگری بجز صلیب عملی سازد.)
5. تأیید او از طرف معترفین غیر قابل پذیرش
  - 1.5 دیو ها (م. ک. مرقس 1: 23-25؛ لوقا 4: 31-37؛ مرقس 3: 11-12)
  - 2.5 بی ایمانان (م. ک. متی 27: 43؛ مرقس 14: 61؛ یوحنا 19: 7)
6. تأیید او بوسیله شاگردان او
  - 1.6 متی 14: 33؛ 16: 16
  - 2.6 یوحنا 1: 34، 49؛ 6: 69؛ 11: 27
7. تأیید شخصی او
  - 1.7 متی 11: 25-27
  - 2.7 یوحنا 10: 36
8. استفاده او از استعاره مربوط به روابط خانوادگی، «خدا» بعنوان «پدر»
  - 1.8 استفاده او از «آبا» برای خدا

1) مرقس 14: 36

2) رومیان 8: 15

3) غلاطیان 4: 6

2.8 استفاده پیاپی او از پدر (*patēr*) برای توصیف رابطه او با الوهیت

در خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای کسانی که از عهد عتیق و وعده ها و مقوله های آن آگاه بودند به لحاظ علم الهی معنای بسیار پراهمیتی داشت، اما نویسندگان عهد جدید از استفاده آن در برابر غیر یهودیان احتیاط می کردند زیرا غیر یهودیان پیش زمینه مشرک داشتند و به "خدایانی" معتقد بوده اند که با زنان رابطه پیدا کرده و فرزندان چون "تایتان ها" [انسان های عظیم الجثه] یا "غولها" تولید می کرده اند.

□ "از صُلب داوود بدنیآ آمد" این به پیشگویی 2 سموئیل 7 مرتبط می گردد. ماشیح از سلسله ملوکانه داوود (م.ک. اشعیا 9: 7؛ 11: 10، 1؛ ارمیا 23: 5؛ 30: 9، 15: 33) از خاندان یهودا بود (م.ک. پیدایش 49: 4-12؛ اشعیا 65: 9). در انجیل متی عیسی چند بار با این عنوان خطاب شده است (م.ک. 9: 27؛ 12: 23؛ 15: 22؛ 20: 30)، که پرتو گر امید یهود برای نجات دهنده ی آمدنی بود.

جای تعجب است که پولس این جنبه ی عیسی را تأکید نکرد. او این را فقط درینجا و در 2 تیموتائوس 2: 8 ذکر میکند و هر دو این مجموعه آیات ممکن است نقل قولهایی از جملاتی متداول در اعتقاد نامه کیشی کلیسای اولیه باشند.

□

، NKJV ، NASB

NRSV "از لحاظ جسم"

TEV "از لحاظ انسان بودن او"

JB "از لحاظ طبیعت انسانی"

این تحقق پیشگویی ها، و تأیید انسانیت عیسی بود که اغلب مورد انکار دنیای مذهبی قرن اول، که گلچین کننده عقاید از منابع مختلف بود، قرار می گرفت (م.ک. 1 یوحنا 1: 1-4؛ 3: 1). این آیه به روشنی نشان میدهد که پولس همیشه از واژه "جسم" (*sarx*) بصورت منفی استفاده نمی کرد (م.ک. 2: 28؛ 9: 3). در عین حال، پولس معمولاً از "جسم" در تضاد با "روح" استفاده می نمود. (م.ک. 6: 19؛ 7: 25، 18، 5؛ 8: 3-9، 13، 12؛ 1 قرن 5: 5؛ 2 قرن 1: 17؛ 11: 18؛ 3: 3؛ 5: 17، 16، 13-19، 24؛ 6: 8؛ افس 2: 3؛ کولس 2: 11، 13، 18، 23).

ساختار دستوری *kata* (به معنی: از لحاظ)، همراه با «مفعول بی واسطه»، مشابه عوامل دستوری در آیه 4 است. عیسی هم انسان است (از لحاظ انسانی، آیه 3) و هم الوهیت دارد (از لحاظ روح خدا، آیه 4). این آموزه اصولی "جسم پوشیدن" بسیار مهم است (م.ک. 1 یوحنا 4: 1-3). نیز می تواند معنی ضمنی لقب "پسر انسان" باشد که مسیح خود برگزیده بود. (م.ک. مزمو 8: 4؛ حزقیال 2: 1 "انسانی" و دانیال 7: 13 "الهی").

### عنوان خاص: جسم (SARX)

این در اشاره است به حکمت انسانی یا موازین دنیوی (م.ک. 1 قرن 1: 20؛ 2: 6،8؛ 3: 18). پولس از واژه "جسم" (به عبارت دیگر *sarx*) در نوشته های خود به چند نوع استفاده می کند.

1. بدن انسانی (م.ک. روم 2: 28؛ 1 قرن 5: 5؛ 7: 28)
2. نَسَب انسانی (به عبارت دیگر پدر و پسر، م.ک. روم 1: 3؛ 4: 1؛ 1 قرن 10: 18)
3. تمامی انسان ها (م.ک. 1 قرن 1: 26، 29)
4. ضعف انسان به دلیل سقوط بشر در پیدایش 3 (م.ک. روم 6: 19؛ 7: 18)

**4: 1** "اعلام گردید" در اینجا «گذشته غیر معین مجهول وصفی Aorist Passive Participle» بکار رفته است. خدا عیسی را یقیناً به مقام "پسر خدا" منصوب فرمود. این بدان معنی نیست که بیت الحم آغاز وجود عیسی بوده است یا او مقامی پایین تر از پدر دارد. به «عنوان خاص: تثلیث» در 8: 11 رجوع نمایید.

□ "تا پسر خدا باشد" نویسندگان عهد جدید در اشاره به عیسی معمولاً از لقب "پسر خدا" استفاده نمی کردند (م.ک. متی 4: 3) زیرا معانی ضمنی نادرستی در اثر اساطیر یونان در ذهن ایجاد میشد (در مورد «زاده شدن از باکره» نیز چنین بود). این مفهوم معمولاً با عبارات "منحصر به فرد، بی همتا" (*monogenes*) مشخص و تصریح میشود (م.ک. یوحنا 1: 18؛ 3: 16، 18؛ 1 یوحنا 4: 9) در این صورت معنای آن "عیسی، تنها پسر راستین خدا" است.

عهد جدید در ارتباط با خدا بعنوان پدر و عیسی بعنوان پسر، از لحاظ علم الهی دو قطب دارد: (1) آنها برابر می باشند (م.ک. یوحنا 1: 1؛ 5: 18؛ 10: 30؛ 14: 9؛ 20: 28؛ 2 قرن 4: 4؛ 4: 6؛ کولسیان 1: 15؛ عبر 1: 3)، و (2) آنها شخصیت های جداگانه می باشند (م.ک. مرقس 10: 18؛ 14: 36؛ 15: 34).

□ "با رستاخیز" خدای پدر، زندگی و پیام عیسی را بوسیله برخیزاندن او از مردگان تأیید نمود (م.ک. 4: 24؛ 6: 4 و 9؛ 8: 11). الوهیت (م.ک. یوحنا 1: 1-14؛ کولسیان 1: 15-19؛ فیلیپیان 2: 6-11) و رستاخیز عیسی (م.ک. 4: 25؛ 1 قرن 15) دو رکن اصلی مسیحیت می باشند.

□ این آیه اغلب برای دفاع از آئین منحرف «پسرخواندگی» استفاده میشد، که ادعا میکرد خدا به عیسی بخاطر زندگی الگویی مطیعانه اش، پاداش داد و منزلتی والا بخشید. پیروان این آیین منحرف ادعا میکردند عیسی همیشه (از لحاظ «هستی شناسی») الوهیت نداشته است، بلکه هنگامیکه خدا او را از مردگان برخیزانید، الوهیت یافت. با اینکه چنین موضوعی مسلماً واقعیت ندارد، و در متن های بسیاری نظیر یوحنا 1 و 17 این آشکار است، معهذاً زمانی که عیسی از مردگان برخاست، امری شگفت به او تفویض گردید. بیان اینکه چگونه می توان به الوهیت پاداش بخشید، مشکل است اما این بوقوع پیوست. اگرچه عیسی با «پدر» در جلال ابدی شریک بود، چون مأموریتی را که برای فدیة شدن یافته بود به طرزی عالی به اتمام رسانید، مقام و منزلت اش از لحاظ هایی غنی تر گردید. رستاخیز، تأیید «پدر» بود از زندگی، الگو، آموزه ها، و مرگ جانبازانه عیسی ناصری، که الوهیتش ازلی و ابدی است، تماماً انسان است، نجات دهنده کامل می باشد، زنده و اعاده گردید، پاداش یافت و «پسر» یگانه است! رجوع شود به ضمیمه سه – «پسرخواندگی»

□

NKJV،NASB "به سبب «روح» قدوسیت"

در بعضی ترجمه های انگلیسی، حرف اول «روح» را درشت نوشته اند که معنای ضمنی «روح القدس» را دارد، و روح با حرف اول کوچک، اشاره به روح عیسی است. همانطور که خدای پدر روح است، عیسی نیز روح هست. در متون عبری و یونان باستان، حروف درشت در کلمات خاص، و نقطه و علامت گذاری جملات، و تقسیم بندی باب ها و آیات وجود نداشتند، پس تمامی اینها طبق الگوهای سنتی یا تفسیر توسط مترجمین است.

آیات 3 و 4 را می توان از سه دیدگاه نظاره کرد:

1. در رجوع به ذات دو گانه عیسی، انسانی و الهی
2. در رجوع به دو مرحله زندگی او در کره خاکی، انسان و خداوندی که از مرگ برخیزانیده شد
3. در موازات با "عیسی مسیح خداوند ما"

□ "عیسی": نام عیسی در زبان «آرامی» همان نام عبری «یوشع» میباشد. این نام ترکیبی از دو کلمه عبری "یهوه YHWH" و "نجات" بود. معنای آن می تواند چنین باشد: "یهوه نجات می بخشد" یا "یهوه آزاد میسازد" یا "یهوه نجات است". نکته اصلی مفهوم آن را می توان در متی 1: 21 و 25 مشاهده نمود.

□ "مسیح": این ترجمه یونانی واژه عبری ماشیح بود، به معنای "مسح شده". در عهد عتیق چند گروه از رهبران (انبیاء، کاهنان، و پادشاهان) مسح می شدند که نشانه انتخاب و تجهیز از طرف خدا بود. عیسی هر سه این مقام های مسح شده را به انجام رسانید (م. ک. عبر 1: 2-3). عهد عتیق پیشگویی کرده بود که خدا "شخص مسح شده" خاصی را می فرستد تا سبب فرارسیدن «عصر جدید» پارسایی باشد. عیسی "خادم"، "پسر" و "ماشیح" خاص او بود.

□ "خداوند": در آئین یهود نام خدا در معاهده، یعنی «یهوه» YHWH، بمرور زمان آنقدر مقدس انگاشته شد که معلمین یهود در قرائت کتب مقدسه لقب "خداوند" (adon) را جانشین آن کردند زیرا واهمه داشتند که مبدا اسم خدا را بطرز نا شایسته ذکر کرده باشند (م. ک. خروج 20: 7؛ تثنیه 5: 11) و بموجب آن یکی از ده فرمان را نقض کرده باشند. در مواردی که نویسندگان عهد جدید، عیسی را در چارچوب علم الهی "خداوند" ("Kurios") می خواندند، الوهیت او را تأیید می نمودند (م. ک. اعمال 2: 36؛ روم 10: 9-13؛ فیلیپیان 2: 11-6).

#### عنوان خاص: اسامی برای الوهیت

الف. ال (El)

1. معنی اولیه ی واژه ای که برای الوهیت عموماً در باستان بکار می رفته نا معلوم است، اگر چه بسیاری از محققین بر این باورند از ریشه اکدی برای "نیرومند بودن" یا "قدرتمند بودن" است (م. ک. پیدا 17: 1؛ اعد 23: 19؛ تثنیه 7: 21؛ مز 50: 1).
2. در گروه خدایان کنعانی، خدای متعال El میباشد (متون Ras Shamra)
3. در کتاب مقدس El معمولاً با واژه های دیگر ترکیب نشده است. این ترکیب ها وسیله ای برای وصف مشخصات خدا گشتند.

1.3 El-Elyon (خدای اعلاعلین)، پیدا 14: 18-22؛ تثنیه 32: 8؛ اشعیا 14: 14

- 2.3 *El-Roi* ("خدایی که می بیند" یا "خدایی که خود را مکشوف میسازد")، پیدا 16: 13
- 3.3 *El-Shddai* ("خدای قدیر" یا "خدای به تمامیت رحیم" یا "خدای کوهستان")، پیدا 17: 1؛ 35: 11؛ 43: 14؛ 49: 25؛ خروج 6: 3
- 4.3 *El-Olam* (خدای ابدی)، پیدا 21: 33. این واژه از لحاظ علم الهی به وعده خدا به داوود مرتبط است، 2 سمو 7: 13 و 16
- 5.3 *El-Berit* ("خدای معاهده")، داوران 9: 46
4. *El* برابر شمرده شده است با:
- 1.4 یهوه YHWH در مز 85: 8؛ اشعیا 42: 5
- 2.4 *Elohim* در پیدا 46: 3؛ ایوب 5: 8، "من «*El*» هستم، الوهیم (*Elohim*) پدیرت"
- 3.4 *Shaddai* در پیدا 49: 25
- 4.4 "غیرت" در خروج 34: 14؛ تثنیه 4: 24؛ 5: 9؛ 6: 15
- 5.4 "رحمت" در تثنیه 4: 31؛ نحیا 9: 31؛ "وفادار" در تثنیه 7: 9؛ 32: 4
- 6.4 "عظیم و مهیب" در تثنیه 7: 21؛ 10: 17؛ نحیا 1: 5؛ 9: 32؛ دانیال 9: 4
- 7.4 "معرفت" در 1 سمو 2: 3
- 8.4 "پناهگاه نیرومند من" در 2 سمو 22: 33
- 9.4 "انتقام گیرنده من" در 2 سمو 22: 48
- 10.4 "آن قدوس" در اشعیا 5: 16
- 11.4 "قدرت" در اشعیا 10: 21
- 12.4 "نجات من" در اشعیا 12: 2
- 13.4 "عظیم و جبار" در ارمیا 32: 18
- 14.4 "مکافات" در ارمیا 51: 56
5. ترکیبی از تمام اسامی اعظم عهد عتیق برای خدا در یوشع 22: 22 دیده میشوند (*El*، *Elohim*، *YHWH*، تکرار شده اند)
- ب. *Elyon* [علیون]
1. معنای پایه ای آن "والا"، "متعال"، یا "علو داده شده" است (م.ک. پیدا 40: 17؛ 1 پاد 9: 8؛ 2 پاد 18: 17؛ نحیا 3: 25؛ ارمیا 20: 2؛ 36: 10؛ مز 18: 13)
2. در مفهومی قابل مقایسه و متوازی با چند نام/عنوان دیگر خدا بکار رفته است.
- 1.2 الوهیم – مز 47: 1-2؛ 73: 11؛ 107: 11
- 2.2 یهوه YHWH – پیدا 14: 22؛ 2 سمو 22: 14
- 3.2 *El-Shaddai* – مز 91: 9و
- 2.4 *El* – اعداد 24: 16
- 2.5 *Elah* – در دانیال 2 – 6 و عزرا 4 – 7 اغلب بکار رفته است و مرتبط است با *illair* (واژه ی زبان آرامی برای "خدای متعال") در دانیال 3: 26؛ 4: 2؛ 5: 21، 18
3. اغلب توسط غیر اسرائیلی ها بکار برده شده است.
- 1.3 ملکيصدق، پیدا 14: 18 – 22
- 2.3 بلعام، اعداد 24: 16
- 3.3 موسی، در ذکر از امت ها در تثنیه 32: 8



4.3 انجیل لوقا نیز در عهد جدید، خطاب به غیر یهودیان، یونانی مترادف آن، *Hupsistos* را بکار میبرد (م. ک. 1: 32 و 35 و 76؛ 6: 35؛ 8: 28؛ اعمال 7: 48؛ 16: 17)

- ج. الوهیم *Elohim* (صیغه جمع)، *Eloah* (مفرد)، با کاربرد عمده در شعر
1. این واژه خارج از عهد عتیق دیده نمی شود.
  2. این واژه می تواند مشخصه نام خدای اسرائیل یا خدایان ملت های دیگر باشد (م. ک. خروج 12: 12؛ 20: 3). خانواده ابراهیم خدایان متعدد داشتند. (م. ک. یوشع 24: 2).
  3. میتواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد. (م. ک. خروج 21: 6؛ مز 82: 6).
  4. واژه *Elohim* برای وجود های روحانی دیگر نیز بکار رفته است (فرشتگان، ارواح شریر) به مثال تثبیه 32: 8 (LXX)؛ مز 8: 5؛ ایوب 1: 6؛ 38: 7. میتواند اشاره به «داوران بشری» باشد (ر. ک. خروج 21: 6؛ مز 82: 6).
  5. در کتاب مقدس این واژه اولین لقب/نام الوهیت می باشد (م. ک. پیدا 1: 1) و منحصرأ تا پیدایش 2: 4 به کار رفته است، و در آنجا با یهوه **YHWH** ترکیب شده است. این نام اساساً (از لحاظ علم الهی) به خدا به عنوان آفریدگار، نگهدارنده، و فراهم کننده کل حیات در کره خاکی رجوع می کند (م. ک. مزمور 104).
  - این واژه مترادف با *El* می باشد (م. ک. تثبیه 32: 15-19). نیز می تواند در موازات با **YHWH** بکار رود زیرا مزمور 14 (*Elohim*) دقیقاً مثل مزمور 53 (**YHWH**) است به غیر از تفاوت در نام های الهی.
  6. اگر چه صیغه جمع است و در مورد خدایان دیگر بکار رفته است، این واژه اغلب برای نامیدن خدای اسرائیل می باشد، لکن معمولاً همراه با فعل مفرد است تا کاربرد یکتا پرستانه آنرا مشخص سازد.
  7. این واژه را غیر اسرائیلی ها بعنوان نام الهی ذکر کرده اند.
    - 1.7 ملکيصدق، پیدا 14: 18-22
    - 2.7 بلعام، اعداد 24: 2
    - 3.7 موسی، در ذکر ملت ها، تثبیه 32: 8
  8. عجیب است یکی از نام هایی که اسرائیلیان یکتاپرست بطور رایج برای خدای خود بکار می برند صیغه جمع دارد! اگر چه یقینی نیست، نظریه ها چنین می گویند:
    - 1.8 زبان عبری صیغه جمع بسیار دارد که اغلب برای تأکید بکار میروند. در ارتباط نزدیک با این، وجه دستوری عبری «صیغه جمع ملوکانه» است که بعد ها بوجود آمده و کاربرد این صیغه ی جمع، بزرگ نشان دادن مفهوم مورد نظر است.
    - 2.8 می تواند اشاره به شورای فرشتگان باشد که خدا با آنها در آسمان ملاقات میکند و آنها فرمان او را مجری میدارند (م. ک. 1 پاد 22: 19-23؛ ایوب 1: 6؛ مز 82: 1؛ 89: 5، 7).
    - 3.8 حتی ممکن است این نشانگر آن خدای یکتا در سه اقنوم باشد که در عهد جدید مکتشف شده است. در پیدا 1: 1 خدا می آفریند؛ پیدا 1: 2 روح خدا فرو میگیرد و بنا بر عهد جدید، عیسی نماینده و عامل خدای پدر در خلقت می باشد (م. ک. یوحنا 1: 10، 3؛ روم 11: 36؛ 1 قرن 8: 6؛ کول 1: 15؛ عبر 1: 2؛ 2: 10).

د. YHWH [یهوه]

1. نامی است نشانگر الوهیت بعنوان خدای معاهده کننده؛ خدا بعنوان ناجی و فدیة دهنده! انسانها عهد شکنی میکنند، اما خدا به گفتار، وعده، و عهد خود وفادار است (م.ک. مزمو 103).

این نام ابتدا در ترکیب با الوهیم Elohim در پيدا 2: 4 ذکر شده است. در پيدا 1-2 دو نقل از خلقت نیامده است بلکه دو تأکید: (1) خدای خالق کائنات (مادی) و (2) خدای خاصی که آفریننده بشر است. پیدایش 2: 4 «مکاشفه خاص» را در باره ی مقام پر امتیاز بشریت و هدف از [وجود] بشریت آغاز می نماید، و نیز مسئله گناه و سرپیچی مرتبط با آن موقعیت استثنایی. 2. در پيدا 4: 26 نقل شده است "آدمیان در آنوقت به خواندن اسم خداوند (YHWH) شروع کردند". لکن خروج 6: 3 اشاره برین دارد که افراد معاهده اولیه (پدر سالاران قوم و خانواده های آنها) خدا را صرفاً بعنوان *El-Shaddai* می شناختند. نام یهوه YHWH تنها یکبار در خروج 3: 13-16 توصیف شده است، بخصوص آیه 14. اما نوشته های موسی واژه ها را اغلب بنا بر آرایه های ادبی متداول تفسیر میکنند، نه بر پایه ریشه و تاریخچه شان (م.ک. پيدا 17: 5؛ 27: 36؛ 29: 13-35). چند نظریه در باره مفهوم این نام وجود داشته اند (برداشت از IDB، جلد 2، صفحات 409-411).

1.2 از ریشه عربی برای "عشق پر شور نشان دادن"  
 2.2 از ریشه عربی برای "دمیدن" (YHWH بعنوان خدای طوفان)  
 3.2 از ریشه زبان Ugartic (کنعانی) برای "سخن گفتن"  
 4.2 طبق یک کتیبه زبان فنیقی، «وجه وصفی سببی»، به معنای "آنکه حفظ میکند" یا "آنکه برقرار میسازد"  
 5.2 از ساختار عبری *Qal* "آنکه هست" یا "آنکه حاضر است" (در مفهوم آینده، "آنکه خواهد بود")

6.2 از ساختار عبری *Hiphil* "آنکه سبب هستی میگردد"  
 7.2 از ریشه عبری "زیستن" (برای مثال: پيدا 3: 20) به معنای "تنها «یکتای» ابدی و زنده"  
 8.2 از چارچوب متن خروج 3: 13-16: آرایه ادبی است در مورد «گذشته استمراری» که به معنای «گذشته نقلی» بکار رفته است: "آنچه می بودم، همواره همان خواهم بود" یا "آنچه همیشه می بوده ام، همواره همان خواهم بود" (م.ک. جی. واش واتس "بررسی ساختار جمله در عهد عتیق" صفحه 67)

نام کامل YHWH غالباً بگونه مخفف یا احتمالاً به شکل اولیه ذکر میشود

(1) یاه *Yah* (به عنوان مثال ، هلو- یاه)

(2) یاهو *Yahu* (اسامی، به مثال اشعیا)

(3) یو *Yo* (اسامی به مثال یوئیل)

3. بعد ها در یهودیت، این نام معاهده ای («نام با ساختار چهار حرف») آنقدر مقدس تلقی شد که یهودیان از تلفظ کردن آن واهمه داشتند، که مبدا از حکم خروج 20: 7 و تثنیه 5: 11 و 6: 13 سرباز زده باشند. بنا برین کلمه عبری «آدون» یا «آدونای» *adonai* یا *adonai* (سُرور من)

را جانشین ساختند که به معنای "مالک" و "سرور" و "شوهر" و "خداوند" بود. هرگاه در قرائت متون عهد عتیق به یهوه YHWH می رسیدند، آنرا "خداوند" تلفظ می کردند. به این دلیل است که یهوه YHWH در ترجمه های انگلیسی Lord [خداوند] درج شده است.

4. همانند «ال» El ، YHWH اغلب با کلمات دیگر ترکیب می شود تا صفات مشخصه آن خدایی که با اسرائیل عهد بسته است تأکید نماید. البته کلمات مرکب بسیاراند، به مثال برخی درینجا.

1.4 YHWH - Yireh [یهوه یایره] (یهوه فراهم خواهد نمود)، پیدا 22: 14

2.4 YHWH - Rophekha [یهوه روفخا] (یهوه شفا دهنده تو است)، خروج 15: 26

3.4 YHWH - Nissi [یهوه نیسی] (یهوه علم و درفش من است) خروج 17: 15

4.4 YHWH - Meqaddishkem [یهوه مقدیش کم] (یهوه آنکه تو را تقدیس میکند)، خروج 31: 13

5.4 YHWH - Shalom [یهوه شالوم] (یهوه صلح و آرامی است) داوران 6: 24

6.4 YHWH - Sabaoth [یهوه صباوت] (یهوه لشکر ها)، 1 سمو 1: 3 و 11: 4؛ 4: 15؛ 2 اغلب در «کتاب انبیاء»

7.4 YHWH - Ro'I [یهوه رعی] (یهوه شبان من است)، مز 23: 1

8.4 YHWH - Sidqenu [یهوه صیدقنو] (یهوه پارسایی و عدالت ماست) ارمیا 23: 6

9.4 YHWH - Shammah [یهوه شمّه] (یهوه آنجا است)، حز 48: 35

1: 5 "ما" پولس در پیشگفتار خود نامی از شخص دیگری نبرده است، اگر چه در نامه های دیگر خود اغلب این کار را می کند. این عبارت اول، در رجوع به ایمان آوردن پولس در راه دمشق و انتصاب اوست (م.ک. اعمال 9)، که قویاً و ضمناً، خود نویسنده را می رساند.

□ "فیض و رسالت یافته ایم" پولس نه تنها هدیه نجات بوسیله مسیح را در اینجا تأیید می کند، بلکه بعلاوه و در ارتباط با آن، فراخوانی رسول غیر یهودیان شدن را تصدیق می نماید. همه اینها بطور آبی در راه دمشق انجام گرفت (م.ک. اعمال 9). این موضوع از روی فیض هدفمند بود، نه نیکویی او!

□ "تا ... سبب ... گردیم" این استفاده دوم از eis در چارچوبی همراه با هدف است (م.ک. آیه 1). انجیل از طریق ایمان به عیسی، شباهت خدا را به بشریت باز می گرداند. این امر اجازه میدهد مقصود اصلی خدا آشکار گردد، یعنی مردمانی که شخصیت او را در خود منعکس میسازند (م.ک. آیه 7).

□

"اطاعت ایمان"

JB ،NASB

"برای اطاعت از آن ایمان"

NKJV

"تا سبب اطاعت ایمان گردیم"

NRSV

"برای ایمان آوردن و اطاعت نمودن"

TEV

این اولین استفاده از واژه محوری و اساسی "ایمان" در رومیان می باشد. این واژه به سه طریق مشخص در این باب و کتاب استفاده شده است:

1. آیه 5. در مورد پیکره ای از حقایق یا آموزه ها در ارتباط با عیسی و زندگی مسیحی بکار رفته است (م. ک. اعما 6: 7؛ 13: 8؛ 14: 22؛ 16: 5؛ روم 14: 1؛ 16: 26؛ غلا 1: 23؛ 6: 10؛ یهودا 3 و 20).
2. آیه 8. با مفهوم توکل و اعتماد شخصی به عیسی بکار رفته است. واژگان انگلیسی، "believe" "trust"، "faith" [ باور، ایمان، و توکل/اعتماد] هر سه ترجمه یک واژه یونانی (*pistis*) (*pisteuo/*) میباشند. انجیل هم «ادراکی» است (تعلیم) و هم شخصی (م. ک. آیه 16؛ یوحنا 1: 12؛ 3: 16).
3. آیه 17. به معنای عهد عتیق آن، «قابل اعتماد بودن، وفاداری، یا قابل توکل بودن» بکار رفته است. مفهوم حقوق 2: 6 اینست. در عهد عتیق آموزه تکامل یافته ای از ایمان نیست، بلکه نمونه های متعدد از زندگیهای ایمانداران آمده است (م. ک. ابراهیم در پيدا 15: 6) - نه ایمان کامل بلکه ایمان در حال تقلا (م. ک. عبر 11). امید مردمان در توانایی شان برای عمل یا ایمان صحیح نیست، بلکه امیدشان به شخصیت خداست. تنها خدا وفادار است!  
یک سری اعمال هستند که می توان آنها را واقعه نجات نامید:  
الف. توبه (م. ک. 2: 4؛ مرقس 1: 15؛ لوقا 13: 5، 3؛ اعمال 3: 16، 19؛ 20: 21)  
ب. باور/ایمان (م. ک. 1: 16؛ یوحنا 1: 12؛ 3: 16؛ اعما 16: 31، تعمید اعلام عمومی ایمان شخص است)  
ج. اطاعت (م. ک. 2: 13؛ 2 قرن 9: 13؛ 10: 5؛ 1 پتر 1: 2 و 22)  
د. استقامت (م. ک. 2: 7؛ لوقا 18: 1؛ 2 قرن 4: 1 و 16؛ غلا 6: 9؛ 2 تسلا 3: 13).  
اینها شرایط عهد جدید می باشند. ما باید هدیه خدا را در مسیح دریافت کرده و بطور مستمر آنرا بپذیریم (م. ک. آیه 16؛ یوحنا 1: 12).



"بخاطر نام «او»"	NASB
"برای نام «او»"	NKJV
"برای خاطر نام او"	NRSV
"بخاطر مسیح"	TEV
"به احترام نام او"	NJB

به عنوان خاص در 10: 9 رجوع شود.



"در میان همه «غیر یهودیان»"	NRSV، NASB
"در میان همه ملت ها"	NKJV
"مردم از همه ملت ها"	TEV
"به همه ملت های بی دین"	JB

این انجیل جهانی است. وعده خدا در پيدا 3: 15 برای «فدیه»، شامل همه افراد بشر است. مرگ مسیح بعوض ما، شامل همه بنی آدم گناهکار شد. (م. ک. یوحنا 3: 16؛ 4: 42؛ افس 2: 11-3: 13؛ 1 تیمو 2: 4؛ 4: 10؛ تیطس 2: 11؛ 2 پتر 3: 9). پولس فراخوان خاص خود را برای موعظه انجیل خدا به غیر یهودیان میداند (م. ک. اعما 9: 15؛ 22: 21؛ 26: 17؛ روم 11: 13؛ 15: 16؛ غلا 1: 16؛ 2: 29؛ افس 3: 2 و 8؛ 1 تیمو 2: 7؛ 2 تیمو 4: 17).

### عنوان خاص: پیش داوری های «باب» [نویسنده کتاب] بر پایه تعالیم کلیسای انجیلی

باید به شما خوانندگان اذعان کنم درین مورد پیش داوری در عقیده من وجود دارد. الهیات نظام یافته ای که به آن معتقدم، کالوینیسم یا Dispensationalism نیست [اعتقاد به دوران مجزای کار خدا با بشر و ربوده شدن کلیسا قبل از سلطنت هزار ساله و پایان فصل عطایای روح در زمان رسولان]، بلکه بشارت «مأموریت عظیم» می باشد. من ایمان دارم خدا از ازل نقشه ای برای فدیة کردن همه بشر داشت (م. ک. پیدای 3: 15؛ 12: 3؛ خروج 19: 5-6؛ ارمیا 31: 31-34؛ حز 18؛ 36: 22-39؛ اعا 2: 23؛ 3: 18؛ 4: 28؛ 13: 29؛ روم 3: 9-18 و 19-20 و 21-32)، یعنی همه آنانیکه به شباهت او خلق شده اند (م. ک. پیدای 1: 26-27). معاهده ها در مسیح، متحد شده اند (م. ک. غلا 3: 28-29؛ کول 3: 11). عیسی راز خداست که در خفا بود اما اکنون مکشوف شده است (م. ک. افس 2: 11-13)!

این استفهام اولیه بر روی همه ی تفسیر های من از کتاب مقدس اثر گذاشته است (به عنوان مثال، یونس). تمامی متون را از این دیدگاه میخوانم. این یقیناً پیش داوری است (تمامی تفسیر کنندگان پیش داوری خود را دارند!)، لکن این پیش فرضی مطلعانه است بر پایه ی کتب مقدسه.

**1:6 "شما نیز" پولس نمونه ای بسیار فراتر از معمول (جفا کننده کلیسا) از فیض خدا بود، لکن خوانندگان نوشته های او هم نمونه هایی از فیض خدا نسبت به عدم استحقاق و شایستگی بودند.**



**"خوانده شدگان عیسی مسیح" NKJV، NASB**  
**"که فراخوانده شده اید تا از آن عیسی مسیح باشید" NRSV**  
**"آنانیکه خدا فراخوانده است تا متعلق به عیسی مسیح باشید" TEV**  
**"بتوسط فرا خوان او متعلق به عیسی مسیح هستید" JB**

این ممکن است:

1. آرایه ادبی در باره کلمه «کلیسا» باشد که به معنای «آنانکه [از میان بقیه] فرا خوانده شده ند» یا «کسانیکه جمع آوری شده اند» بوده است.
2. اشاره ای باشد به انتصاب الهی (م. ک. روم 8: 29-30؛ 9: 1 به بعد؛ افس 1: 4 و 11؛ 3: 21؛ 4: 4 و 1)
3. ترجمه عبارت "شما که فراخوان را شنیده اید و متعلق به عیسی مسیح هستید" در «کتاب مقدس انگلیسی تجدید نظر شده»  
این نیز بازتابی است از مفهوم این عبارت طبق ترجمه ها در NRSV، TEV، و JB. به عنوان خاص ذیل رجوع نمایند.

### عنوان خاص: فرا خوانده شده

خدا همواره پیشقدم می شود تا ایمانداران را فرا بخواند، منتصب نماید، و آنها را با محبت بسوی خود مجذوب کند (م. ک. یوحنا 6: 44، 65؛ 15: 16؛ 1 قرن 1: 12؛ افس 1: 4-5 و 11). واژه "فرا خواندن" در چند مفهوم الهیاتی بکار رفته است:

الف. گناهکاران با فیض خدا بسوی نجات و رستگاری فرا خوانده شده اند و این از طریق کار تکمیل شده مسیح و ملزم ساختن انسان توسط روح [خدا] است (بعنوان مثال *klētos*، م. ک. روم 1: 6-7؛ 9: 24، که از لحاظ خدا شناسی مشابه 1 قرن 1: 1-2 و 2 تیمو 1: 9؛ 2 پتر 1: 10 می باشد).

- ب. گناهکاران نام خداوند را می خوانند تا نجات یابند (به عنوان مثال *epikaleō*، م. ک. اعمال 2: 21؛ 22: 16؛ روم 9: 10-13). این جمله یک اصطلاح عبادتی یهودی می باشد.
- ج. ایمانداران خوانده شده اند تا زندگی ها شان مشابه مسیح باشد (به عنوان مثال *klēsis*، م. ک. 1 قرن 1: 26؛ 7: 20؛ افس 4: 1؛ فیلیپیان 3: 14؛ 2 تسلا 1: 11؛ 2 تیمو 1: 9)
- د. ایمانداران خوانده شده اند تا خدمات انجام دهند (م. ک. اعا 13: 2؛ 1 قرن 12: 4-7؛ افس 4: 1)

### متن NASB (بروز آمده) 7: 1

<sup>7</sup> به همه آنان که در روم، محبوب خدایند و بعنوان مقدسین فراخوانده شده اند: فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

7: 1 "محبوب خدا" این عبارت اغلب در مورد عیسی بکار میرفت (م. ک. متی 3: 17؛ 17: 5). اکنون در باره کلیسای روم بکار گرفته شده بود! این عمق محبت خدا را به کسانی که به پسر او توکل دارند نشان می دهد. چنین انتقال را نیز میتوان در افس 1: 20 مشاهده کرد (اعمال خدا برای مسیح) و 2: 5-6 (اعمال مسیح برای ایمانداران).

□ "در روم" پولس این کلیسا را شروع نمود. نا معلوم است چه کسی این کار را کرد. «رومیان» نامه ای بود برای معرفی خود به کلیسایی که قبلا تاسیس شده بود. کتاب رومیان تکمیل ترین ارائه پولس از انجیلی است که بدان موعظه می کرد. وضعیت محلی کمترین تأثیر را بر آن داشته است، اگر چه تنش هایی بین ایمانداران یهودی و غیر یهودی وجود داشت و پولس در سراسر نامه به آنها تذکراتی میدهد.

□

"به عنوان مقدسین فرا خوانده شده"	NASB
"فراخوانده شده تا مقدسین باشند"	JB، NRSV، NKJV
"فرا خوانده شده اند تا قوم متعلق به او باشند"	TEV

واژه "مقدسین" اشاره بود به موقعیت ایمانداران در مسیح، نه بی گناه بودن آنها. می باید نیز توصیفی باشد از پیشرفت آنها در «شبیبه مسیح بودن». این واژه همیشه بصورت «جمع» بوده، بغیر از فیلیپیان 4: 21. اما، حتی درین چارچوب، «اسم جمع» است. مسیحی بودن یعنی عضوی از جامعه و خانواده و بدن بودن.

آیه 1 نشان می دهد که پولس به رسالت فرا خوانده شده بود. ایمانداران در آیه 6 "خوانده شدگان عیسی مسیح" هستند. ایمانداران در آیه 7 نیز "مقدسین" خوانده شده اند. این "فرا خوانی" روش عهد جدید برای بیان این حقیقت بود که پیشقدم شدن برای خدا اولویت دارد. هیچیک از بشر سقوط کرده هرگز خود را فرا خوانده است (م. ک. 3: 9-13؛ اشعیا 53: 6؛ 1 پتر 2: 25). خداست که همیشه قدم اول را بر میدارد (م. ک. یوحنا 6: 65؛ 44، 15: 16). او همیشه «معاهده» را بسوی ما می آورد. نجات ما هم اینطور است (پارسایی منسوب به ما یا وضعیت قانونی منسوب به ما) اما نیز برای اینکه عطایا داشته باشیم - تا خدمت ما مؤثر بیفتد (م. ک. 1 قرن 12: 7، 11) و همینطور برای زندگی مسیحی ما. به «عنوان خاص» ذیل رجوع نمائید.

## عنوان خاص: مقدسین

این معادل یونانی کلمه عبری *kadash* است، که معنای اساسی آن، جدا کردن و اختصاص دادن کسی یا چیزی یا مکانی برای استفاده انحصاری «یهوه» YHWH است. معنای ضمنی آن مفهوم «sacred» [مقدس] در زبان انگلیسی را میرساند. یهوه بخاطر ذات خود (روح ازلی آفریده ناشده)، و نیز شخصیت خود (کمال اخلاقی) از انسان ها جداست. او معیاری است که همه چیز با او سنجیده و قضاوت می گردد. او «یکتای قدوس» و «دگر قدوس» برتر و افضل است.

خدا انسان را برای دوستی و مشارکت آفرید، اما گناه (پیدایش 3) مانع اخلاقی و ارتباطی بین «خدای قدوس» و بشرگناهکار، حایل کرد. خدا اراده نمود خلقت هوشیار خود را اعاده کند و به وضعیت اولیه باز

گرداند؛ لذا قوم خود را فرا میخواند تا "مقدس" باشند (م.ک. لاویان 11:44؛ 19:2؛ 20:7 و 26؛ 21:8). با رابطه ای که قوم «او» بر پایه ایمان با یهوه دارند - بخاطر موقعیتی که در معاهده با خدا در «او» یافته اند - مقدس می گردند، اما نیز فرا خوانده شده اند تا مقدس زندگی کنند (م.ک. متی 5:48).

این زندگی مقدس، امکان پذیر است زیرا ایمانداران توسط زندگی و کار مسیح و نیز حضور روح القدس در افکار و دلهاشان، کاملاً مورد قبول خدا و بخشش او قرار گرفته اند. این موضوع وضعیت بظاهر متفاوت، اما در واقع درست ذیل را ایجاد میکند:

1. مقدس بودن بدلیل اینکه پارسایی مسیح به حساب انسان گذاشته شده است

2. فراخوانده شده برای زندگی مقدس به دلیل حضور «روح» [خدا]

ایمانداران، "مقدسین" (*hagioi*) هستند بخاطر مصداق این موارد در زندگی های ما (1) اراده «احد قدوس» «پدر»؛ (2) کار «پسر قدوس» (عیسی)؛ و (3) حضور «روح القدس».

عهد جدید همیشه به مقدسین در «صیغه جمع» اشاره میکند (به غیر از یکبار در فیلیپیان 4:12، اما حتی آنجا هم متن، مفهوم آنرا به «جمع» مبدل می سازد. نجات یافتن یعنی قسمتی از یک خانواده و بدن و ساختمان شدن! ایمان مبتنی بر کتاب مقدس با پذیرش شخصی آغاز میشود، اما پیامد آن مشارکت جمعی است. برای سلامت، رشد و خیریت بدن مسیح - یعنی کلیسا (م.ک. 1 قرن 12:7)، به هر یک از ما عطایا داده شده اند (م.ک. 1 قرن 12:11). نجات یافته ایم تا خدمت کنیم! تقدس، مشخصه این خانواده است!

□ " فیض و آرامش از جانب خدا ... بر شما باد." این دعای برکت در آغاز، مشخصه ی پولس است. این دعا، آرایه ادبی است مرکب از واژه ی سنتی یونانی "سلام ها" (*charein*) و از واژه ی "فیض" (*charis*) که خاص مسیحیت است. پولس احتمالاً این سرآغاز یونانی را با درود سنتی عبری، *شالوم* [سلام] به معنای "آرامش"، ترکیب کرده است. این البته صرفاً حدس می باشد. توجه کنید که از لحاظ الهیاتی، فیض همیشه بر آرامش مقدم است.

□ " از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح" پولس مداوماً فقط از یک «حرف اضافه» برای هر دو این نام ها استفاده میکند (م.ک. 1 قرن 1:3؛ غلا 1:3؛ افس 1:2؛ فیل 1:2؛ 2:1؛ تیمو 1:1؛ 2 تیمو 1:4). این طریقه اوست تا این دو «اقنوم تثلیث» را از لحاظ دستوری به یکدیگر مرتبط سازد. با اینکار، الوهیت و برابری عیسی تأکید میگردید.

## عنوان خاص: پدر

- عهد عتیق تشبیه «خدا بعنوان پدر»، که رابطه بسیار نزدیک خانوادگی را میرساند، معرفی می نماید
1. ملت اسرائیل اغلب به عنوان «پسر» یهوه YHWH توصیف شده است (م.ک. هوشع 11: 1؛ ملا 3: 17)
  2. حتی بیشتر در تثنیه، قیاس خدا بعنوان «پدر» استفاده شده است (تثنیه 1: 31)
  3. در تثنیه 32، اسرائیل "فرزندان او" خوانده شده، و خدا "پدر شما" خوانده شده است
  4. این قیاس در مزمو 103: 13 ذکر شده و در مزمو 68: 5 گسترش داده شده است (پدر یتیمان)
  5. در کتب انبیاء، بسیار بود (م. ک. اشعیا 1: 2؛ 63: 8؛ اسرائیل بعنوان پسر، خدا بعنوان پدر، 63: 16؛ 64: 8؛ ارمیا 3: 19، 4: 31؛ 9).

عیسی به زبان «آرامی» سخن میگفت، پس بسیاری از موارد که «پدر» به یونانی، *Pater* آمده است، می تواند نشانگر *Abba* [آبا] آرامی باشد (م.ک. 14: 36). این واژه حاکی از رابطه خانوادگی «بابا» یا «پاپا»، نشانگر رابطه نزدیک عیسی با «پدر» است. با آشکار ساختن این مطلب به شاگردانش، عیسی ما را نیز به رابطه نزدیک با پدر تشویق مینماید. واژه «پدر» در عهد عتیق صرفاً برای «یهوه» بکار رفته بود، اما عیسی از آن اغلب و بطور فراگیرنده استفاده میکند. این مکاشفه عمده و اعظمی است از رابطه جدید ما با خدا از طریق مسیح.

## متن NASB (بروز آمده): 1: 8 - 15

<sup>8</sup> نخست خدای خود را به توسط عیسی مسیح، بخاطر همه شما شکر می گزارم زیرا ایمان شما در سراسر دنیا اعلام میگردد. <sup>9</sup> زیرا خدا، که او را در روح خود با موعظه انجیل پسرش خدمت میکنم، بر من شاهد است که چگونه بی وقفه شما را ذکر میکنم، <sup>10</sup> و همواره در دعا هایم استدعا مینمایم شاید سرانجام اکنون به اراده خدا، موفق گردم پیش شما بیایم. <sup>11</sup> زیرا مشتاق دیدارتان هستم تا شما را از عطایی روحانی بهره مند سازم، تا آنکه استوار گردید، <sup>12</sup> یعنی زمانی که در میان شما هستم من و شما هر دو از یکدیگر تشویق یابیم، هر یک از ما با ایمان آن دگر، هم ایمان شما و هم ایمان من. <sup>13</sup> ای برادران نمیخواهم بی خبر باشید که بارها قصد آن داشته ام نزدتان بیایم (و تا کنون موانعی سر راهم بوده اند) تا در میان شما نیز ثمری بدست آورم، همانگونه که در میان دیگر غیر یهودیان بدست آورده ام، <sup>14</sup> من نسبت به چه یونانیان و چه بربرها، چه حکیمان و چه جاهلان، متعهد می باشم. <sup>15</sup> ازین رو اشتیاق دارم انجیل را به شما نیز که در روم به سر می برید موعظه کنم.

1: 8 "نخست": درین متن "نخست" به معنی "از آغاز" یا "باید آغاز نمایم" است (ج. ب. فیلیپس)

☐ "خدای خود را به توسط عیسی مسیح ... شکر می گزارم": پولس معمولاً دعاها را از طریق عیسی مسیح به خدا خطاب می کند. برای ما تنها راه نزدیک آمدن به خدا، عیسی مسیح است! به عنوان خاص: «دعا های حمد و شکر گزاری پولس» در 7: 25 رجوع نمایید.

☐ "بخاطر همه شما": این استفاده از "همه" مثل آیه 7، میتواند بازتابی باشد از حسادت و منازعه بین رهبران یهودی ایماندار - که بخاطر فرمان «نرون» از روم فرار کرده بودند - و رهبران غیر یهودی ایماندار حاصله، که برای چند سالی جانشین آنها شده بودند. رومیان 9-11 ممکن است همین مسئله را مطرح میسازد. امکان آن نیز هست که این شامل سازی افراد، خطاب به "ضعیفان" و "اشخاص قوی" در رومیان 14: 1-15 باشد. خدا همه افراد کلیسای روم را دوست میدارد و آنها را بطور برابر محبت میکند!



□ " زیرا ایمان شما در سراسر دنیا اعلام می‌گردد": رومیان 16: 19 دال بر همین واقعیت است. بدیهی است این اغراق گویی مشرق زمینی بود (صنعت ادبی گزاف گویی) و حاکی از جهان رومی بود (م.ک. 1 تسا: 8).

9: 1 " خدا... بر من شاهد است": پولس درینجا به نام خدا قسم خورد (م.ک. 9: 1؛ 2 قرن 1: 23؛ 11: 10-11 و 31؛ 12: 19؛ غلا 1: 20؛ 1 تسا 2: 5). این روش او بعنوان یهودی برای اثبات صداقتش بود.

□ "در روح خود": این نمونه خوبی از استفاده *pneuma* برای روح انسان است (م.ک. 8: 5، 10، 16؛ 12: 11) که به معنی حیات انسان بکار رفته است (به سخن دیگر نَفَس، در عبری *ruach*، م.ک. پیدا 2: 7).

1: 10 "همواره در دعاهایم استدعا مینمایم": پولس این کلیسا را شروع نکرد، لکن مرتباً برای آنها در دعا بود (م.ک. 2 قرن 11: 28)، چنان که برای همگی کلیسایانش دعا میکرد! به عنوان خاص: «دعای شفاعت» در 9: 3 رجوع نمایید. همانطور که در باب 16 بروشنی دیده میشود، پولس در کلیسای روم دوستان و همکاران بسیار داشت.

□ " اگر ": این «جمله شرطی نوع اول» است که نویسنده از دیدگاه خود یا برای مقاصد نوشتاری خویش، واقعیت آنرا مسلم می‌پندارد. پولس قصد داشت در سفرش به اسپانیا سر راه از روم دیدن کند (م.ک. 15: 22-24). احتمالاً برنامه اش این نبود مدت زیادی بماند. پولس همواره خواستار عرصه ای جدید بود که شخص دیگری در آن کار نکرده باشد. (م.ک. 20: 15؛ 2 قرن 10: 15 و 16). امکان دارد یکی از هدف های نامه رومیان جمع آوری هدایای مالی برای مسافرت بشارتی اش به اسپانیا بوده است (م.ک. 15: 24).

□ "به اراده خدا، موفق گردم پیش شما بیایم": آیات 13 و 15: 32 مشابه و موازی این عبارت می‌باشند. پولس معتقد نبود برنامه زندگی و مسافرت هایش متعلق به خودش هستند، بلکه به خدا تعلق دارند (م.ک. اعما 18: 21؛ 1 قرن 4: 19؛ 16: 7) به عنوان خاص در 12: 2 رجوع نمایید.

1: 11 "زیرا مشتاق دیدارتان هستم": این مشابه و موازی 15: 23 است. مدت زیادی بود که پولس میخواست با ایمانداران در روم ملاقات کند. (م.ک. اعما 19: 21).

□ "تا شما را از عطایی روحانی بهره مند سازم": عبارت «عطای روحانی» به معنای بینش یا برکت روحانی بکار رفته بود (م.ک. 11: 29؛ 15: 27). نگرش پولس نسبت به خود این بود که بطرزی منحصر بفرد، فرا خوانده شده بود تا رسول غیر یهودیان باشد (م.ک. آیه 15).

□ "تا آنکه استوار گردید": این «مصدر مجهول گذشته غیر معین *histēmi* aorist passive infinitive» است. به عنوان خاص در 5: 2 مراجعه نمایید.

12: 1 هدف مشارکت مسیحی این است. مقصود از عطایا، یکی ساختن ایمانداران بصورت جامعه ای خادم است. مسیحیان عطایا را برای بهره مندی همگان یافته اند (م.ک. 1 قرن 12: 7). تمامی عطایا مناسبت و مطابقت دارند. در هنگام نجات، روح القدس تمامی عطایا را افاضه میکند (م.ک. 1 قرن 12: 11). همه ایمانداران، خدمت گزاران تمام وقت فرا خوانده شده و عطیه یافته هستند (م.ک. افس 4: 11-12). پولس صریحاً اقتدار رسالت خود را بیان میکند، اما تمامی جامعه نیز باید متقابلاً نقش خود را ایفا کنند. ایمانداران به یکدیگر احتیاج دارند!

**13:** "برادران نمیخواهم بی خبر باشید": این اصطلاحی است که پولس اغلب برای مطرح کردن اظهارات مهم استفاده میکند (م. ک. 11: 25؛ 1 قرن 10: 1؛ 12: 1؛ 2 قرن 1: 8؛ 1 تسالونی 4: 13). از لحاظ منظور ادبی، این مشابه "آمین، آمین، عیسی است".

□ "و تا کنون موانعی سر راهم بوده اند": این «فعل مجهول» است. همین عبارت در 1 تسالونی 2: 18، در موقعیتی که شیطان عامل است، دیده میشود. پولس معتقد بود خدا زندگیش را رهبری مینمود، اما شیطان مزاحمت هایی در آن ایجاد میکرد. به گونه ای هر دو درست هستند (م. ک. ایوب 1-2؛ دانیال 10). استفاده ازین واژه در 15: 22 دلالت بر این دارد که مانع، کار بشارتی پولس در ناحیه شرقی مدیترانه بود که هنوز خاتمه نیافته بود (اما بزودی پایان میگرفت).

□ "تا در میان شما نیز ثمری بدست آورم": درین متن "ثمر" احتمالاً اشاره به آنانی دارد که از ادیان دیگر به مسیحیت ایمان میاورند، اما در یوحنا 15: 1-8 و غلا 5: 22 در اشاره به بلوغ روحانی است. متی 7 میگوید: "از ثمرتان شناخته خواهید شد" اما واژه ی ثمر را تعریف نمی کند. بهترین پارالل و موازی آن احتمالاً فیلیپیان 1: 22 است که پولس از همین استعاره ی کشاورزی استفاده میکند.

**14:** "من ... متعهد میباشم": پولس ازین واژه چند بار در رومیان استفاده میکند.

1. پولس متعهد است انجیل را به همه غیر یهودیان (درینجا) موعظه کند.
2. پولس به «جسم» متعهد نیست (8: 12)
3. کلیسای غیر یهودی ملزم است به «کلیسای مادر» در اوشلیم یاری دهد (15: 27)

□ "نسبت به ... یونانیان": این اشاره ای بود به مردمان متمدن و تحصیلکرده اطراف دریای مدیترانه. اسکندر کبیر و پیروانش، هلنیسم را در جهان شناخته شده ی آن زمان رواج داده بودند. رومی ها بر فرهنگ یونان تسلط یافته، آنرا جزء فرهنگ خود ساخته بودند.

□ "نسبت به ... بربرها": این واژه (تسمیه تقلیدی) به معنای اقوام غیر متمدن و تحصیل ناکرده معمولاً از ناحیه شمال بود و در مورد کسانی بکار میرفت که به یونانی صحبت نمی کردند. آوای صحبت آنها بنظر یونانی ها و رومی ها اصوات "بر بر" بود.

□ "نسبت به ... حکیمان و ... جاهلان": امکان دارد این عبارت به یونانی درموازا "بربرها" باشد ولی لزوماً اینطور نیست. این میتواند طرز دیگری از اشاره به همه اقوام و اشخاص باشد.

متن NASB (بروز آمده): 16: 1 – 17

<sup>16</sup> زیرا از انجیل سرافکنده نیستم، چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، نخست یهود و نیز یونانی. <sup>17</sup> زیرا در آن، نیکی کامل خدا مکشوف می شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه نوشته شده است: "لکن پارسا به ایمان زیست خواهد کرد."

**17-16:** آیات 16-17 مضمون اصلی کل کتاب می باشند. در 3: 21-31 این مضمون ارتقاء یافته و خلاصه شده است.

16:1

NRSV،NASB

NKJV

TEV

JB

"از انجیل سرافکنده نیستم"  
"از انجیل مسیح سر افکنده نیستم"  
"به انجیل اعتماد کامل دارم"  
"از خبر خوش سر افکنده نیستم"

پولس احتمالاً به سخنان عیسی در مرقس 8: 38 و لوقا 9: 26 اشاره می کند. او از محتوی انجیل یا از آزار و شکنجه ای که نتیجه آنست سر افکنده نیست (م. ک. 2 تیمو 1: 12 و 16 و 18). در 1 قرن 23 یهودیان از انجیل شرمند بودند زیرا ماشیحی را تأیید میکرد که متحمل رنجهاست و یونانیان نیز از آن شرمند بودند، زیرا رستاخیز جسم را تأیید میکرد.

□ "نجات": در عهد عتیق، کلمه عبری (*yasho*) در درجه اول به معنی رهایی جسمی بود (م. ک. یعقوب 5: 15)، لکن در عهد جدید کلمه یونانی (*sōzō*) در درجه اول به رهایی روحانی اشاره دارد (م. ک. 1 قرن 1: 18، 21). به کتاب «الفاظ مترادف در عهد عتیق» نوشته رابرت ب. گردلستون، صفحات 124-125 رجوع نمایید.

□

NASB

NKJV

NRSV

TEV

JB

"به هر کس که ایمان آورد"  
"برای هر کس که ایمان آورد"  
"به هر کس که ایمان دارد"  
"همه ی آنانی که باور دارند"  
"همه ی آنانی که ایمان دارند"

انجیل برای همه افراد بشر است (حقیقتاً چقدر از کلمات "هر کس"، "هر آنکه" و "همه" لذت می برم) اما ایمان آوردن یکی از شرایط پذیرش است (م. ک. اعمال 16: 30-31). شرط دیگر توبه است (م. ک. مرقس 1: 15؛ اعا 3: 19، 16؛ 20: 21). تعامل خدا با انسان ها توسط معاهده انجام میشود. او همیشه خود پیشقدم می شود و برنامه کار را مشخص میکند (م. ک. یوحنا 6: 44 و 65). اما چند شرط برای عمل متقابل انسان وجود دارد - به یادداشت برای 1: 5 توجه کنید.

واژه یونانی که درین جا "ایمان" (*believe*) ترجمه شده است می تواند در انگلیسی به کلمات "اعتقاد" (*faith*) یا "اعتماد" (*trust*) نیز ترجمه شود. واژه یونانی، نسبت به هر کدام واژه انگلیسی، معنی گسترده تری دارد. توجه کنید «وجه وصفی زمان حال» می باشد. ایمان نجات بخش، ایمان مداوم است (م. ک. 1 قرن 1: 18؛ 2: 15؛ 2: 2؛ 2 قرن 2: 15؛ 1 تس 4: 14)!

در اصل، کلمات مرتبط عبری و مأخذ این لفظ یونانی "اعتقاد"، به معنای ایستادن به طرز محکم و استوار بوده است - به مثال مردی که قدمش را از هم باز کرده، ایستاده است تا نتوان به آسانی او را حرکت داد. استعاره های بر عکس آن در عهد عتیق: "پایه های در گل لجن بود" (مز 40: 2) و "نزدیک بود قدم هایم بلغزد" (مز 73: 2). ریشه های عبری مرتبط آن، *emun*، *emunah*، *aman*، بعد ها در استعاره و تشبیهاً در مورد کسی استفاده شد که مورد اعتماد یا وفادار بود، یا کسی که می توان روی او حساب کرد. ایمان نجات بخش، قادر بودن انسان سقوط کرده را در وفاداری نمی رساند، بلکه قدرت خدا را که وفادار می ماند! امید ایمانداران به توانایی های خودشان نیست بلکه به شخصیت الهی و وعده های اوست؛ همه اینها در امین بودن خدا، وفاداری او، و وعده های اوست.

□ **"نخست یهود"**: دلیل این مختصراً در 2: 9-10 و 3 آمده است و در فصل های 9-11 به تمام وکمال بیان شده است. این در دنباله سخن عیسی در متی 10: 6، 15: 24، و مرقس 7: 27 است. این می تواند مرتبط با حسادت بین ایمانداران یهودی و یونانی کلیسای روم باشد.

**1: 17 "نیکی کامل خدا"** عبارت مذکور در چارچوب متن درین باره است: (1) شخصیت خدا، و (2) اینکه او چگونه آن شخصیت را به انسان گناهکار میدهد. در ترجمه «کتاب مقدس اورشلیم»، "عدالت خدا ازین مکشوف می گردد" آمده است. در حالیکه اشاره آن به طرز زندگی اخلاقی ایماندار می باشد، اما در درجه اول در باره اهلیت قانونی او در برابر «داور پارسا» است. این نسبت دادن پارسایی خدا به انسان سقوط کرده گناهکار، از زمان رفورماسیون - نهضت اصلاحی پروتستانت قرن شانزدهم - به عنوان «پارسا شمرده شدن توسط ایمان» مشخص شده است (م.ک. 2 قرن 5: 21؛ فیلیپیان 3: 9). این همان آیه ای است که زندگی و الهیات مارتین لوتر را متحول ساخت! لکن هدف پارسا شمردن، تقدیس، شبیه مسیح شدن، یا شخصیت پارسا و بی خطای خداست (م.ک. روم 8: 28-29؛ افس 1: 4؛ 2: 10؛ غلا 4: 19). پارسایی نه تنها یک اعلامیه رسمی قانونی است، بلکه فراخوانی برای یک زندگی مقدس می باشد؛ شباهت خدا در انسان بازگردانده خواهد شد تا انسان آنرا به عمل آورد (م.ک. 2 قرن 5: 21).

### عنوان خاص: کاملاً نیک ساختن

"کاملاً نیک ساختن" عنوانی چنان مهم است که شاگرد کتاب مقدس باید این مفهوم را مورد مطالعه گسترده شخصی قرار دهد.

در عهد عتیق شخصیت خدا "عادل" یا "کاملاً نیک" توصیف شده است. اصل این واژه که از زبان «بین النهرین» می آید، از نی رودخانه گرفته شده است که بعنوان ابزار ساختمانی استفاده میشد و راست بودن افقی دیوارها و حصارها را با آن تعیین می کردند. خدا این واژه را بر گزید تا تشبیهاً در باره ذات و سرشت خودش استفاده شود. او آن لبه مستقیم (خط کش) است که همه چیز با آن ارزیابی می گردد. این مفهوم، بیانگر نیکی کامل خدا و نیز حق او برای داوری کردن است.

انسان به صورت و شبیه به خدا آفریده شد (م.ک. پیدا 1: 26-27؛ 5: 1 و 3؛ 9: 6). آدمیان برای مشارکت با خدا آفریده شدند. تمامی خلقت، صحنه یا زمینه ای است برای رابطه و تعامل خدا و انسان ها. خدا میخواست انسان، اشرف مخلوقاتش او را بشناسد، دوست بدارد، خدمت کند و مانند او باشد! وفاداری انسان آزمایش شد (م.ک. پیدا 3) و اولین زوج درین آزمون رد شدند. این موضوع باعث گسیختگی رابطه بین خدا و انسان ها گردید (م.ک. پیدا 3؛ روم 5: 12-21).

خدا وعده داد که آن مشارکت را دوباره برقرار کند (م.ک. پیدا 3: 15). اینرا خدا بوسیله اراده خود و پسر خویش انجام میدهد. انسان ها قادر به تصحیح چنین نقض عهدی که به این شکاف جدایی انجامیده نیستند. (م.ک. روم 1: 18-3: 20).

پس از سقوط انسان، اولین قدم خدا برای تجدید رابطه و مشارکت، نقشه معاهده ای بود بر پایه دعوت او، و پاسخ انسان با توبه، وفاداری، و اطاعت. بخاطر سقوط شان، دیگر کاری از انسان ها بر نمی آمد (م.ک. روم 3: 21-31؛ غلا 3). خود خدا باید پیشقدم می شد تا انسان های عهد شکن را به وضع درست اولیه برگرداند. اینکار را او ازین طریق انجام داد:

1. اعلام اینکه انسان گناهکار بوسیله کار مسیح، کاملاً نیک شناخته شده است (نیکی کامل حقوقی).
2. اعطای رایگان نیکی کامل به انسان توسط کار مسیح (نیکی کامل نسبت داده شده).
3. اعطای «روح» که در انسان ساکن شده، در او نیکی کامل ایجاد میکند (نیکی کامل اخلاقی).

4. تجدید مشارکت باغ عدن توسط مسیح، که شباهت خدا را در ایمانداران باز میگرداند (م. ک. پیدای 1: 26-27) (نیکی کامل در اثر ارتباط)

اما خدا عمل متقابل بشر را الزاماً در چارچوب معاهده میخاهد. خدا صدور رأی میکند، (به عبارت دیگر برایگان می دهد) و فراهم میآورد، اما انسان ها باید متقابلاً و بطور همیشگی اینگونه عمل کنند:

1. توبه
2. ایمان
3. روش زندگی مطیعانه
4. استقامت

لذا نیکی کامل عملی است معاهده ای و دو جانبه بین خدا و اشرف مخلوقات او. آن مبتنی بر شخصیت خدا، کار مسیح، و توانمندی روح خدا است، و در مقابل هر فرد باید شخصاً و مداوماً واکنش مناسب داشته باشد. این نقشه کار، «پارسا شمردن بوسیله ایمان» خوانده میشود. این نقشه در انجیل مکشوف شده است اما نه با این کلمات. پولس آن را بطور عمده تعریف و مشخص نموده، بیش از صد بار از واژه یونانی "نیکی" به اشکال مختلف آن استفاده کرده است.

پولس که معلم مذهب یهودی تحصیل کرده ای بود، واژه *dikaioisunē* را، نه از ادبیات یونانی، بلکه از مفهوم عبری کلمه *SDQ* کاربردی در ترجمه هفتاد استفاده کرده است. در نوشته های یونانی این واژه در مورد کسی بکار میرود که خود را با انتظارات اجتماعی و الهی هماهنگ میساخت. در معنای عبری، ساختار آن همیشه با کلماتی است که در معاهدات بکار میروند. یهوه YHWH خدایی است عادل و اخلاقی، و مطابق اخلاقیات عمل میکند. او میخاهد قوم او شخصیت او را در خود بازتاب دهند. بشر بازخرید شده، خلقت تازه ای میگردد. نتیجه این تازگی، طرز زندگی جدید و خداپسندانه است (جنبه «پارسا شمردن» مورد تأکید کاتولیک های رومی). از آنجا که اسرائیل حکومت یزدان سالاری داشت، وجه تمایز روشنی بین «سکولار» (قواند اجتماع) و مقدسات (اراده خدا) موجود نبود. این تمایز در ترجمه واژه های عبری و یونانی به انگلیسی دیده میشود که "عدالت" (در ارتباط با جامعه) و "نیکی کامل" (در ارتباط با دین) ذکر شده اند.

انجیل عیسی (خبر خوش) اینست که مشارکت انسان سقوط کرده با خدا دوباره برقرار شده است. «پارادوکس» [بیان در ظاهر مغایر و در واقع همخوان] پولس اینست که خدا توسط مسیح، گناهکار را تیرئه میکند. این دستاورد محبت «پدر» و رحم و فیض اوست؛ نیز دستاورد زندگی «پسر» و مرگ و رستخیز او می باشد؛ و نیز دستاورد «روح» است که عاشقانه محبت میکند و بسوی انجیل مجذوب میسازد. پارسا نمودن عملی است که خدا برایگان انجام میدهد، اما باید به زندگی خدا پسندانه ی شخص بیانجامد (دیدگاه آگوستین، که هم بازتابی بود از تأکید رفورماسیون بر رایگان بودن انجیل و هم تأکید کلیسای کاتولیک روم بر زندگی تغییر یافته پر از محبت و وفاداری). رهبران رفورماسیون، لفظ "نیک کامل ساختن بوسیله خدا" را صیغه مفعولی ملکی تلقی میکردند (یعنی عملی که انسان خاطی را قابل پذیرش خدا می سازد - «تقدیس جایگاه و منزلت») در حالیکه برای کاتولیک ها این واژه، صیغه فاعلی ملکی است، که منظور از آن، مراحل بیشتر شبیه به خدا شدن است - «تقدیس تجربی و پیشرونده». واقعیت یقیناً اینست که هر دوی این امور است!!

از دیدگاه من تمامی کتاب مقدس، از پیدایش باب 4، تا مکاشفه باب 20، ثبوتی است از تجدید رابطه و مشارکت باغ عدن توسط خدا. کتاب مقدس با مشارکت خدا و انسان در محلی درین کره ی خاکی آغاز میگردد (م. ک. پیدایش 1-2) و کتاب مقدس در چنین محلی خاتمه میگیرد (م. ک. مکاشفه 21-22). شباهت خدا و هدف او برقرار و بازگردانیده خواهد شد!

در ارائه مدرک و شواهد مباحث فوق، به بخش های منتخب ذیل در عهد جدید که نمونه هایی از گروه واژگان یونانی هستند توجه نمایید.

1. خدا کاملاً نیک است (اغلب در ارتباط با خدا بعنوان داور)

- 1.1 رومیان 3: 26
- 1.2 2 تسالونیکیان 1: 5-6
- 1.3 2 تیموتاوس 4: 8
- 1.4 مکاشفه 16: 5
2. عیسی کاملاً نیک است
  - 2.1 اعمال 3: 14؛ 7: 52؛ 22: 14 (لقب ماشیح)
  - 2.2 متی 27: 19
  - 2.3 1 یوحنا 2: 1 و 29: 3؛ 7: 3
3. اراده خدا برای مخلوق خود اینست که آنرا کاملاً نیک بسازد
  - 3.1 لاویان 19: 2
  - 3.2 متی 5: 48 (م. ک. 5: 17-20)
4. راههای خدا برای مهیا ساختن و ایجاد نیکی کامل
  - 4.1 رومیان 3: 21-31
  - 4.2 رومیان 4
  - 4.3 رومیان 5: 6-11
  - 4.4 غلاطیان 3: 6-14
  - 4.5 اعطا شده از طرف خدا
    - (1) رومیان 3: 24؛ 6: 23
    - (2) 1 قرنتیان 1: 30
    - (3) افسسیان 2: 8-9
  - 4.6 دریافت شده توسط ایمان
    - (1) رومیان 1: 17؛ 3: 22 و 26؛ 4: 3، 5، 13؛ 9: 30؛ 10: 4، 6، 10
    - (2) 1 قرنتیان 5: 21
  - 4.7 از طریق اعمال «پسر»
    - (1) رومیان 5: 21-31
    - (2) 2 قرنتیان 5: 21
    - (3) فیلیپیان 2: 6-11
5. اراده خدا اینست که پیروان او کاملاً نیک باشند
  - 5.1 متی 5: 3-48؛ 7: 24-27
  - 5.2 رومیان 2: 13؛ 5: 1-5؛ 6: 1-23
  - 5.3 2 قرن 6: 14
  - 5.4 1 تیموتاوس 6: 11
  - 5.5 2 تیموتاوس 2: 22؛ 3: 16
  - 5.6 1 یوحنا 3: 7
  - 5.7 1 پطرس 2: 24
6. خدا جهان را بوسیله نیکی کامل داوری میکند
  - 6.1 اعمال 17: 31
  - 6.2 2 تیموتاوس 4: 8

نیکی کامل یکی از خصایل خداست و به رایگان، از طریق مسیح، به بشر خاطی داده شده است. آن:

1. مشیت الهی است
2. هدیه خداست
3. عمل مسیح است

لکن فرآیند کاملاً نیک شدن نیز باید با جدیت و استقامت پیگیری شود؛ و آن روزی، با «بازگشت ثانوی» به کمال خواهد رسید. مشارکت با خدا، در زمان نجات مجدداً برقرار میشود، اما در سراسر زندگی رو به فزون است تا در وقت فوت یا «بازگشت ثانوی»، به دیدار روبرو بیانجامد!

این نقل قول مناسبی است از «فرهنگ لغات پولس و نامه های او» از «مطبوعات اینتر وارسیتی»: "کالوین، بیش از لوتر، جنبه رابطه ای «نیک کامل شمرده شدن توسط خدا» را تأکید مینماید. به نظر میرسد دیدگاهی که لوتر از «نیک کامل شمرده شدن توسط خدا» دارد جنبه تبرئه را در بر میگیرد. کالوین تأکید میکند نیکی کامل خدا به چه طرز عالی و تحسین برانگیزی بما بیان یا اعطا شده است" (صفحه 834). به نظر من رابطه ایماندار با خدا سه جنبه دارد:

1. انجیل، یک فرد و شخص است (تأکید کلیسای شرق و کالوین)
2. انجیل، حقیقت است (تأکید آگوستین و لوتر)
3. انجیل، زندگی تغییر یافته است (تأکید کلیسای کاتولیک)

همه اینها حقیقت دارند و برای مسیحیت سالم و درست و مسیحیتی که مطابق کتاب مقدس است، باید به تمامی آنها اعتقاد داشت. اگر هر یک از آنها زیاده تأکید شود یا از اهمیت آن کاسته گردد، مشکلات بوجود خواهند آمد.

باید از عیسی استقبال کنیم!  
باید به انجیل ایمان داشته باشیم!  
باید هدف ما این باشد که شبیه مسیح شویم!



"از ایمان تا ایمان" NKJV, NASB  
"از طریق ایمان برای ایمان" NRSV  
"از طریق ایمان است، از ابتدا تا انتها" TEV  
"این نشان میدهد ایمان چگونه به ایمان رهنمون میگردد" JB

این عبارت دو «حرف اضافه» دارد، *ek* و *eis*، که نشانگر تغییر مطلب یا گسترش آن می باشند. او عیناً همین ساختار را در 2 قرن 2: 16 و *apo* و *eis* را در 2 قرن 3: 18 بکار می برد. مسیحیت هدیه ایست که باید مشخصه و روال زندگی شخص گردد.

چند امکان برای ترجمه این عبارت وجود دارند. «عهد جدید ویلیامز» آنرا اینطور ترجمه میکند: "طریق ایمان که به ایمانی بزرگتر رهنمون می شود." نکات اصلی الهیاتی چنین می باشند: (1) خدا مصدر ایمان است ("مکاشفه شده") (2) بشریت باید متقابلاً عمل کند و به عمل متقابل ادامه دهد؛ و (3) نتیجه ایمان باید زندگی خدا پسندانه باشد.

امر مسلم اینست که "ایمان" به مسیح بسیار مهم و اساسی است (م. ک. 5: 1؛ فیلیپیان 3: 9). نجاتی که خدا ارائه می کند مشروط بر اینست که شخص در مقابل، ایمان آورد (م. ک. مرقس 1: 15؛ یوحنا 1: 12؛ اعمال 3: 16، 19؛ 20: 21).

□  
 NASB  
 NKJV  
 NRSV  
 TEV  
 JB

"لکن مرد پارسا به ایمان زیست خواهد کرد"  
 "پارسایان به ایمان زیست خواهند کرد"  
 "کسی که پارسا است به ایمان زیست خواهد کرد"  
 "کسی که رابطه اش با خدا بوسیله ایمان اصلاح شده است زیست خواهد کرد"  
 "مرد راستکار حیات را توسط ایمان می یابد"

این نقل قولی از حقوق 2: 4 بود، اما نه از «متن ماسورتیک» [متن عبری اصلی کتاب مقدس] یا از «ترجمه هفتاد». در عهد عتیق "ایمان" معنای استعاره ای گسترده ی "قابل اعتماد بودن" "امین بودن" یا "به کسی وفادار بودن" را داشت. وفاداری خدا پایه ایمان نجات بخش است (م.ک. 3: 5، 21، 22، 25، 26). لکن، وفاداری انسان گواه توکل او بر آن چیز هایی است که خدا فراهم میکند. همین متن عهد عتیق در غلاطیان 3: 11 و حقوق 10: 38 نقل قول شده است. واحد ادبی بعدی، رومیان 1: 18-3: 20، آنچه را متضاد با وفاداری نسبت به خداست، نمایان میکند.

شاید یاری باشد درینجا برداشت های چندی از منقدین امروزی را ازین قسمت آخر عبارت، فهرست نماییم.

- |    |         |   |
|----|---------|---|
| 1. | Vaughan | "با ایمان شروع می شود و با ایمان خاتمه می یابد" |
| 2. | Hodge   | "تنها توسط ایمان"                               |
| 3. | Barrett | "بر هیچ پایه ای نیست مگر بر ایمان"              |
| 4. | Knox    | "اول و آخر، ایمان"                              |
| 5. | Stagg   | "راستکاران بوسیله ایمان خواهند زیست"            |

#### متن NASB (بروز آمده): 1: 18 – 23

<sup>18</sup> زیرا غضب خدا از آسمان به ظهور می رسد بر ضد هر گونه بی دینی و شرارت انسانهایی که با شرارت حقیقت را سرکوب می کنند. <sup>19</sup> زیرا آنچه از خدا شناخته شده است در درون ایشان بدیهی است، چون خدا آن را بر ایشان بدیهی ساخته است. <sup>20</sup> زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرت سرمدی و سرشت الهی، به روشنی دیده شده اند زیرا بوسیله آنچه ساخته شده، ادراک شده اند. تا آنکه ایشان را هیچ عذری نباشد. <sup>21</sup> زیرا هر چند خدا را شناختند، او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند، بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دلهای بی فهم ایشان را تاریکی فرا گرفت. <sup>22</sup> آنها اعلام میکردند حکیم هستند، اما احمق گردیدند <sup>23</sup> و جلال خدای غیر فانی را با تمثالی به شکل انسان فانی و پرندگان و چارپایان و خزندگان معاوضه کردند.

1: 18 "زیرا": توجه کنید چند بار *gar* در «جمله مضمون» آیات 16-17 بکار رفته است – سه بار، و درینجا اولین نکته پولس را در مورد انجیل معرفی میکند (1: 18-3: 31)، که «با قدرت خدا برای نجات» تضاد داده شده است (1: 16-17).

□ "غضب خدا": آیات 18-23 دنیای بی دین زمان پولس را مجسم میسازد. خصوصیتی که پولس در مورد دنیای بی دینان قائل است همچنین در ادبیات یهود دیده میشود (م. ک. حکمت سلیمان 1: 13 به بعد و نامه آریس ته آس، 134-38) و حتی در نوشته های اخلاقی یونانی و رومی نیز. همان کتاب مقدسی که در باره محبت خدا بما می گوید همچنین خشم او را مکتشف میسازد (م. ک. آیات 23-32؛ 2: 5، 8؛ 3: 5؛ 4: 15؛ 5: 9؛ 9: 22؛ 12: 19؛ 13: 4-5).



خشم و محبت هر دو واژه های بشری هستند که در مورد خدا بکار رفته اند. آنها بازگو کننده این واقعیت هستند که خدا طریقی دارد که میخواهد ایمانداران آنرا بپذیرند و آنطور زندگی کنند. اگر کسی قصداً اراده خدا (انجیل مسیح) را نپذیرد، هم درین دنیا عقوبت خواهد دید - چنانکه درین آیه آمده - و هم در آخرت (م.ک. 2: 5). لکن نباید خدا را انتقام جو تلقی کرد. داوری، "کار نامعمول و عجیب" اوست (م.ک. اشعیا 28: 21 به بعد). محبت شخصیت اوست؛ تننیه 5: 9 را با 5: 10؛ 7: 9 مقایسه نمایید. بیش از هر صفات دیگری، در او عدالت و رحمت وجود دارند. اما همه باید به خدا حساب پس بدهند (م.ک. جامعه 12: 13-14؛ غلا 6: 7)، حتی مسیحیان (م.ک. 14: 10-12؛ 2 قرن 5: 10).

□ **"به ظهور می رسد":** همانطور که انجیل، حقیقتی است که مکشوف شده است، (آیه 17)، خشم خدا نیز چنین می باشد! بشر هیچیک از آنها را نه کشف کرده است و نه با منطق به آنها دست یافته است.

□ **"حقیقت را سرکوب می کنند"** در رجوع به رد عمدی از جانب انسان بود، نه به جهالت و نادانی افراد (م.ک. آیات 21، 32؛ یوحنا 3: 17-21). معنی آیه مذکور می تواند چنین باشد: (1) آنان حقیقت را می دانند ولی آنرا رد میکنند؛ (2) طرز زندگی آنها نشان می دهد آنان حقیقت را رد می کنند؛ یا (3) زندگی ها و/ یا سخنان آنها باعث می شوند دیگران حقیقت را شناسند و دریافت نکنند.

### عنوان خاص: "حقیقت" در نوشته های پولس

استفاده پولس ازین واژه و شکل های مربوطه ی آن، از مترادف عهد عتیق آن *emet* می آید که به معنای امین یا وفادار است. در نوشته های یهودی زمان بین عهد عتیق و عهد جدید، کاربرد آن مفهوم "حقیقت" در تضاد با "دروغ" بود. شاید نزدیک ترین پارالل و مشابه آن "سرودهای شکرگزاری" از طومارهای بحرالمیت باشند که در آن، در مورد تعالیم مکشوف بکار رفته است. اعضای جامعه «اسین»، "شاهدان حقیقت" شدند. پولس از این کلمه بعنوان راهی برای رجوع به انجیل عیسی مسیح استفاده میکند.

1. رومیان 1: 18، 25؛ 2: 8، 20؛ 3: 7؛ 15: 8
2. 1 قرننتیان 6: 13
3. 2 قرننتیان 4: 2؛ 6: 7؛ 11: 10؛ 13: 8
4. غلاطیان 2: 5، 14؛ 5: 7
5. افسسیان 1: 13؛ 6: 14
6. کولسیان 1: 5، 6
7. 2 تسالونیکیان 2: 10، 12، 13
8. 1 تیموتائوس 2: 4؛ 3: 15؛ 4: 3؛ 6: 5
9. 2 تیموتائوس 2: 15، 18، 25؛ 3: 7، 8؛ 4: 4
10. تیطس 1: 1، 14

پولس همچنان ازین لفظ بعنوان راهی برای طرز بیان صحیح خود استفاده میکند

1. اعمال 26: 25
2. رومیان 9: 1

3. 2 قرن‌تینان 7: 14 ؛ 6: 12

4. افسسیان 4: 25

5. فیلیپیان 1: 18

6. 1 تیموتائوس 2: 7

او همچنین این واژه را برای توصیف انگیزه های خود در 1 قرن 5: 8 و طرز زندگی (برای همگی مسیحیان نیز) در افس 4: 24 و 5: 9 و فیلیپ 4: 8 بکار میبرد. او گاهی از آن در مورد مردم استفاده میکند:

1. خدا، روم 3: 4 (م. ک. یوحنا 3: 33 ؛ 17: 17)

2. عیسی، افس 4: 21 (مشابه به یوحنا 14: 6)

3. شهادت های رسولان، تیپس 1: 13

4. پولس، 2 قرن 6: 8

تنها پولس از شکل فعل آن (به عبارت دیگر از *alētheuō*) در غلا 4: 16 و افس 4: 15 استفاده میکند، که در رجوع به انجیل است. برای مطالعه بیشتر به کالین براون (ویراستگر)، «فرهنگ نوین بین المللی الهیات عهد جدید»، جلد 3، صفحات 784-902 رجوع نمایید.

**1: 19 "آنچه از خدا می توان شناخت بر آنان آشکار است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار ساخته است":** همه افراد بشر از روی خلقت چیزی در باره خدا میدانند (م. ک. آیه 20 ؛ ایوب 12: 7-10 و مز 19: 1-6 [از طریق طبیعت]، 12-15 [از طریق کلام خدا]، همچنین حکمت). در علم الهی این "مکاشفه طبیعی" خوانده میشود و اگرچه کامل نیست، آن مبنا است که خدا طبق آن، کسانی را مسئول می شناسد که هرگز با "مکاشفه خاص" خدا در کلام مقدس او، یا سرانجام در عیسی، روبرو نشده اند (کولسیان 1: 15 ؛ 2: 9).  
لفظ "شناختن" در عهد جدید به دو معنی بکار میرفت: (1) معنای عهد عتیق آن، برای رابطه نزدیک اشخاص (م. ک. پیدا 4: 1 ؛ ارمیا 1: 5)، و (2) معنای یونانی آن، درباره واقعیات موضوعی (م. ک. آیه 21). انجیل هم «شخصی» است که باید از او استقبال بعمل آید و هم پیامی در باره آن «شخص» است که باید دریافت کرد و به آن ایمان آورد! درین آیه تنها این به معنای شماره 2 بکار رفته بود.

**1: 20** این آیه سه جنبه خدا را ذکر میکند.

1. صفات نا دیدنی او (شخصیت او، م. ک. کولسیان 1: 15 ؛ 1 تیمو 1: 17 ؛ عبر 11: 27)

2. قدرت ابدی او (که در آفرینش طبیعی دیده میشود)

3. طبیعت الهی او (که در اعمال و انگیزه های او برای آفرینش دیده میشود)

□ "زیرا از آغاز آفرینش جهان": «حرف اضافه» *apo* به معنای دنیوی آن استفاده شده است. عبارت مشابهی در مرقس 10: 6 ؛ 13: 19 ؛ 2 پطرس 3: 4 دیده میشود. خدای نا دیدنی اکنون دیده میشود: در (1) خلقت فیزیکی (این آیه) ؛ (2) کلام خدا (مز 19، 119) ؛ و (3) سرانجام در عیسی (م. ک. یوحنا 9: 14).

□ "سرشت الهی": از ادبیات یونانی، *theiotēs* را می توان "جلال الهی" ترجمه نمود. این در بالاترین درجه در عیسی مشاهده می شود. او بگونه ای منحصر به فرد، شباهت الهی را در خود دارد (م. ک. 2 قرن 4: 4 ؛ حقوق 1: 3). او مکاشفه کامل خداست، به شکل انسان (کولسیان 1: 19 ؛ 2: 9). حقیقت عالی و حیرت انگیز انجیل اینست که انسان سقوط کرده، بوسیله ایمان به مسیح، در «شباهت به مسیح» شریک

میگردد (م.ک. حبقوق 12: 10؛ 1 یوحنا 3: 2). شباهت خدا در انسان ها (م.ک. پيدا 1: 26-27) بازگردانیده شده است (*theios*، م.ک. 2 پتر 1: 3-4)!



"به روشنی دیده شده اند زیرا بوسیله آنچه ساخته شده، ادراک شده اند"	NASB
"به روشنی دیده میشوند، و بوسیله آنچه ساخته شده است ادراک می شوند"	NKJV
"به وسیله آنچه او ساخته است ادراک و دیده شده اند"	NRSV
"به روشنی دیده شده اند؛ آنها در آنچه خدا ساخته است دیده می شوند"	TEV
"بوسیله ادراک ذهن از مخلوقات، به روشنی دیده شده اند"	NJB

ترکیب *noeō* (م. ک. متی 15: 17) و *kathoraō* (هر دو «زمان حال مجهول») دلالت بر بینش واقعی میکند. خدا دو کتاب نوشته است: (1) طبیعت و (2) کتاب مقدس. هر دو اینها برای بشر قابل درک می باشند و جواب متقابل را ایجاب می کنند (م.ک. «حکمت»، 13: 1-9).

▣ "پس آنان را هیچ عذری نیست": بطور تحت اللفظی این عبارت چنین است: "هیچگونه دفاع قانونی". این لفظ یونانی (*apologeomai* بعلاوه *a*) در عهد جدید تنها درین جا و در 2: 1 بکار رفته است. بیاد بیاورید هدف باب 1: 18-3: 20 از لحاظ علم الهی، اینست که گمراهی همه انسان ها را نشان دهد. انسان ها در مورد آنچه میدانند مسئول هستند. خدا انسان ها را صرفاً مسئول آنچه‌هایی محسوب میکند که میدانند یا می توانند بدانند.

1: 21 "زیرا هر چند خدا را شناختند": انسان ها پیشرفت مذهبی ندارند بلکه بطرز فزاینده شیرینند. از زمان باب 3 پیدایش، بشریت سیر نزولی داشته است. تاریکی غلیظ تر میگردد!

▣ "او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند": این فاجعه ی بت پرستی بی دینان است: آیات 23 و 24 (م. ک. ارمیا 2: 9-13).

▣ "بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دل‌های بی فهم ایشان را تاریکی فرا گرفت": «عهد جدید: برگردانی جدید» نوشته اولاف م. مورلی میگوید: "اما آنان خود را مشغول گمان های ابلهانه در باره او ساختند، و اذهان احمق آنها، در تاریکی کورمال روان گردید." نظام های مذهبی انسانی، ساختارهای یادبود تاریخی هستند از سرپیچی و غرور روحانی (م. ک. آیه 22؛ کولسیان 2: 16-23). آن دو فعل، «گذشته غیرمعین اخباری مجهول» می باشند. آیا وجه مجهول اینرا می رساند که عدم ادراک و واکنش متناسب آنها به این سبب بود که خدا چشم دل آنها را پوشانیده بود یا اینکه نپذیرفتن نور، دلهاشان را سخت کرده بود (م. ک. 10: 12-16؛ 2 پاد 17: 15؛ 2: 5؛ افس 4: 17-19)؟

▣ "قلب": این واژه به معنای عهد عتیق آن برای تمامی شخص بکار رفته است. اما، این اغلب وسیله ای برای رجوع به فرآیند تفکر و احساس بود. به «عنوان خاص» در 1: 24 رجوع نمایید.

22: 1

" آنها اعلام میکردند حکیم هستند، اما احمق گردیدند "	NKJV, NASB
" ادعای حکمت میکردند، اما احمق گردیدند "	NRSV
" آنها میگویند حکیم هستند، اما احمق میباشند "	TEV

" هرچه بیشتر خود را فیلسوف میخواندند، احمق تر می شدند "

لفظ "moron" [ابله] در زبان انگلیسی، از لفظ یونانی برای "احمق" گرفته شده است. مشکل اینست که بشر مغرور است و به دانایی خود اعتماد دارد (م.ک. 1 قرن 1: 18-31؛ کولسیان 2: 8-23). این برمیگردد به پیدایش باب 3. آگاهی و دانایی، جدایی و داوری به همراه آورد. مقصود این نیست که دانایی بشر همیشه اشتباه است، بلکه اینست که نهایی و غائی نیست!

**1:23** انسان هایی که به صورت و شباهت خدا ساخته شده بودند، عمداً در جهالت خود (م.ک. پیدا 1: 26-27؛ 5: 1، 3؛ 9: 6) خدا را مبدل به شکل های دنیوی کردند، از قبیل:

1. جانوران (مصر)
2. نیروهای طبیعت (ایران)
3. شکل های انسانی (یونان/ روم) یعنی بت ها! حتی خود قوم خدا اینکار را کردند (م.ک. تث 4: 15-24).

چند شکل نوین از این گناه دیرینه عبارتند از:

1. محیط زیست گرایی (مادر زمین)
2. تفکر شرقی «عصر جدید» (عرفان، اعتقاد به عالم ارواح و روح گرائی، و فرقه های اعتقادات مرموز)
3. انسان گرایی همراه با انکار وجود خدا (مارکسیسم، فلسفه جامعه ایده آلی، آرمان گرایی پیشرو، و ایمان نهایی به سیاست یا آموزش)
4. طب کل نگر (سلامت و طول عمر)
5. تحصیلات

▣ "جلال": به «عنوان خاص» 3: 23 رجوع نمایید

▣ "انسان فانی (فساد پذیر)" به «عنوان خاص» ذیل رجوع نمایید

**عنوان خاص: نابود کردن، منهدم ساختن، فاسد کردن (PHTHEIRŌ)**

معنای اساسی این واژه ی *phtheirō* نابود کردن، منهدم ساختن، فاسد کردن یا ضایع کردن است. این واژه می تواند در موارد ذیل بکار رود:

1. نابودی مالی (احتمالاً 2 قرن 2: 7)
  2. هلاکت جسمی (م.ک. 1 قرن 3: 17 الف)
  3. فساد اخلاقی (م.ک. روم 1: 23؛ 8: 21؛ 1 قرن 15: 33، 42، 50؛ غلا 6: 8؛ مکا 19: 2)
  4. اغفال جنسی (م.ک. 2 قرن 11: 3)
  5. هلاکت ابدی (م.ک. 2 پتر 2: 12، 19)
  6. سنت های انسانی رو به زوال (م.ک. کول 2: 22؛ 1 قرن 3: 17 ب)
- این واژه اغلب در یک متن همراه با واژه متضاد و نفی شده ی آن بکار رفته است (م.ک. روم 1: 23؛ 1 قرن 9: 25؛ 15: 50، 53). توجه داشته باشید به تضاد های پارالل (مشابه) بین بدن های زمینی فیزیکی ما و بدن های آسمانی ابدی ما.

1. فانی [فساد پذیر] در تضاد با غیر فانی [فساد ناپذیر]، 1 قرن 15: 42، 50
2. بی حرمتی در تضاد با جلال، 1 قرن 15: 43

3. ضعف در تضاد با قدرت، 1 قرن 15: 43
4. بدن طبیعی در تضاد با بدن روحانی
5. آدم اول در تضاد با آدم آخر، 1 قرن 15: 45
6. صورت و شباهت زمینی در تضاد با صورت و شباهت آسمانی، 1 قرن 15: 49

#### متن NASB (بروز آمده): 1: 24-25

<sup>24</sup> پس خدا ایشان را در شهوات دلشان به ناپاکی واگذاشت، تا در میان خود، بدنهای خویش را بی حرمت سازند. <sup>25</sup> زیرا آنان حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق پرستش و خدمت نمودند، خالقی که تا ابد متبارک است. آمین.

1: 24، 26، 28 " خدا ایشان را ... واگذاشت": این بدترین حکم ممکن بود. بدین ترتیب خدا می فرمود: "بگذار انسان های سقوط کرده براه خود بروند" (م. ک. مز 81: 12؛ هوشع 4: 17؛ اعما 7: 42). آیات 23-32 توصیفی است از اینکه خدا دنیای بی دین را رد کرده است (خشم دنیوی) و همچنین مذهبی بودن آنها (و مذهبی بودن ما را نیز)! مشخصه بی دینی در زمان های گذشته و حال، انحراف و استنثار جنسی است!

1: 24 "دلشان": به عنوان خاص ذیل رجوع کنید.

#### عنوان خاص: قلب

واژه یونانی *kardia* که در «ترجمه هفتاد» و عهد جدید بکار رفته بازتابی از واژه عبری *leb* است. آن به چند طریق استفاده شده است (م. ک. باور، آرنندت، گینگریچ و دانکر، «واژه نامه یونانی- انگلیسی»، صفحات 403-404).

1. محور زندگی فیزیکی و جسمی، تشبیهی از شخص (م. ک. اعما 14: 17؛ 2 قرن 3: 2-3؛ یعقوب 5: 5)
2. محور زندگی روحانی (اخلاقی)  
الف. خدا قلب را می شناسد (م. ک. لوقا 16: 15؛ روم 8: 27؛ 1 قرن 14: 25؛ 1 تسالونی 2: 4؛ مکا 2: 23)
- ب. در مورد زندگی روحانی انسان ها بکار رفته است (م. ک. متی 15: 18-19؛ 18: 35؛ روم 6: 17؛ 1 تیمو 1: 5؛ 2 تیمو 2: 22؛ 1 پتر 1: 22)
3. محور زندگی فکری (به عبارت دیگر: اندیشه، م. ک. متی 13: 15؛ 24: 48؛ اعما 7: 23؛ 16: 14؛ 27: 28؛ روم 1: 21؛ 10: 6؛ 16: 18؛ 2 قرن 4: 6؛ افس 1: 18؛ 4: 18؛ یعقوب 1: 26؛ 2 پتر 1: 19؛ مکا 7: 18؛ 7؛ در 2 قرن 3: 14-15 و فیلیپیان 4: 7 دل مترادف با ذهن است)
4. محور قصد و خواست (به عبارت دیگر: اراده، م. ک. اعمال 5: 4؛ 11: 23؛ 1 قرن 4: 5؛ 7: 37؛ 2 قرن 9: 7)
5. محور احساسات (م. ک. متی 5: 28؛ اعمال 2: 37، 26؛ 7: 54؛ 21: 13؛ روم 1: 24؛ 2 قرن 2: 4؛ 7: 3؛ افسسیان 6: 22؛ فیلیپیان 1: 7)
6. عرصه منحصر بفرد فعالیت روح خدا (م. ک. روم 5: 5؛ 2 قرن 1: 22؛ غلا 4: 6 [به عبارت دیگر مسیح در دلهای ما، افس 3: 17])

7. دل، طریقی است استعاره ای در رجوع به تمامی وجود شخص (م. ک. متی 22: 37، که نقل قولی است از تثنیه 6: 5). افکار، محرک ها، و اعمال نسبت داده شده به دل، نوع شخص را کاملا نمایان میسازند. عهد عتیق کاربردهای چشم گیری ازین واژه ها دارد.

الف. پیدا 6: 6؛ 8: 21، "خداوند در دل خود محزون گشت" (به هوشع 11: 8-9 نیز توجه نمایید)

ب. تث 4: 29؛ 6: 5، "با تمام دلت و تمام جاننت"

ج. تث 10: 16 "دل نامختون" و روم 2: 29

د. حز 18: 31-32، "دلی تازه"

ه. حز 36: 26، "دلی تازه" در تضاد با "دل سنگی"

1: 25 "حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند": این را می توان چند گونه معنی کرد (1) انسان خود را در مقام خدایی قرار میدهد (م. ک. 2 تسلا 2: 4، 11)؛ (2) انسان آنچه را خود ساخته است می پرستد، یعنی بت ها را (م. ک. اشعیا 44: 20؛ ارمیا 13: 25؛ 16: 19) به عوض یهوه YHWH که همه چیز را آفرید (م. ک. آیات 18-23)؛ یا (3) انسان در نهایت، حقیقت انجیل را رد کرده است (م. ک. یوحنا 14: 17؛ ایوحنا 2: 21، 27). در متن، شماره 2 از بقیه متناسب تر است.

□ "پرستش و خدمت نمودند": انسان همیشه خدایان خواهد داشت. همه انسان ها این حس را دارند که یک شخص، حقیقت، یا چیزی فراتر از خودشان وجود دارد.

□ "که تا ابد متبارک است. آمین": پولس با دلی پر شور دعای برکت یهودی را به زبان آورد، که کاملا مشخصه اوست (م. ک. روم 9: 5؛ 2 قرن 11: 31). پولس اغلب در ضمن نوشتن دعا میکند (م. ک. 9: 5؛ 11: 36؛ 15: 33؛ 16: 27).

□ "تا ابد": به «عنوان خاص» ذیل رجوع نمایید.

#### عنوان خاص: تا ابد (اصطلاحات یونانی)

یک عبارت اصطلاح یونانی "unto the ages" است (م. ک. لوقا 1: 33؛ روم 1: 25؛ 11: 36؛ 16: 27؛ غلا 1: 5؛ 1 تیمو 1: 17)، که می تواند نشانگر 'olam در عبری باشد. به «الفاظ مترادف در عهد عتیق»، نوشته رابرت ب. گردلستون، صفحات 319-321 رجوع نمایید. سایر عبارات مرتبط "unto the age" می باشند (م. ک. متی 21: 19 [مرقس 11: 14]، لوقا 1: 55؛ یوحنا 6: 58؛ 8: 35؛ 12: 34؛ 13: 8؛ 14: 16؛ 2 قرن 9: 9) و "of the age of the ages" (م. ک. افس 3: 21). بنظر می رسد در مورد "تا ابد" تفاوتی بین این اصطلاحات وجود ندارد. واژه "ages" می تواند وجه جمع باشد - بصورت معنی مجازی در ساختار دستوری معملین مذهبی یهود که به آن "جمع ملوکانه" می گفتند- یا ممکن است اشاره ای باشد به تعدادی "اعصار" در چارچوب معنی یهودی "عصر معصومیت"، "عصر شرارت"، "عصر آینده"، یا "عصر پارسایی".

□ "آمین" به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید:

## عنوان خاص: آمین

### I. عهد عتیق

الف. واژه "آمین" شکلی از واژه عبری برای حقیقت (*emeth*) یا حقیقت گویی (*emun, emunah*) و ایمان یا وفاداری است.

ب. ریشه شناسی لغوی آن از «ایستادن فرد بطور استوار» است. متضاد آن کسی است نا استوار و در حال لغزیدن (م. ک. تثنیه 28: 64-67؛ 38: 16؛ مزمور 40: 2؛ 73: 18؛ ارمیا 23: 12) یا کسی که سکندری می خورد (م. ک. مز 73: 2). از این کاربرد تحت اللفظی، معانی استعاره ای ساخته شده اند به عبارت: باوفا، قابل اطمینان، وظیفه شناس، و مورد اعتماد (م. ک. پیدایش 15: 16؛ حقوق 2: 4).

ج. کاربرد های خاص

1. ستون، 2 پادشاهان 18: 16 (1 تیمو تاوس 3: 15)

2. اطمینان، خروج 17: 12

3. ثبات قدم، خروج 17: 12

4. استواری، اشعیا 33: 6؛ 34: 5-7

5. راست، 1 پادشاهان 10: 6؛ 17: 24؛ 22: 16؛ امثال 12: 22

6. پا برجا و مستحکم، 2 تواریخ 20: 20؛ اشعیا 7: 9

7. قابل اطمینان (تورات)، مزمور 119: 43، 142، 151، 168

د. در عهد عتیق دو واژه دیگر عبری برای ایمان فعال بکار برده شده اند.

1. *bathach*، اعتماد

2. *yra*، ترس، احترام، پرستش (م. ک. پیدایش 22: 12)

ه. از مفهوم اعتماد یا قابل اطمینان بودن، کاربردی در «آئین عبادت و دعا» بوجود آمد که برای تصدیق صحت یا قابل اطمینان بودن کلام شخص دیگر بکار میرفت (م. ک. تثنیه 27: 15-26؛ نحما 8: 6؛ مزمور 41: 13؛ 72: 19؛ 89: 52؛ 106: 48).

و. از لحاظ علم الهی، کلید این واژه وفاداری انسان نیست، بلکه وفاداری یهوه YHWH است (م. ک. خروج 34: 6؛ تثنیه 32: 4؛ مزمور 108: 4؛ 115: 1؛ 117: 2؛ 138: 2). تنها امید بشر سقوط کرده، ثبات معاهده ی پر فیض و وفادارانه یهوه YHWH و وعده های او می باشند.

آنانی که یهوه را می شناسند باید مانند او باشند (م. ک. حقوق 2: 4). کتاب مقدس تاریخ و متن ثبت شده ای است ازینکه خدا شباهت خود را در انسان دوباره برقرار ساخته است (م. ک. پیدایش 1: 26-27). نجات، توانایی انسان را برای داشتن مشارکت نزدیک با خدا باز میگرداند. ما به این مقصود آفریده شده ایم.

### II. عهد جدید

الف. لفظ "آمین"، بعنوان تأیید اعتبار گفتار در آخر آئین عبادت و دعا، در عهد جدید رایج است (م. ک. 1 قرن 14: 16؛ 2 قرن 1: 20؛ مکا 1: 7؛ 5: 14؛ 7: 12).

ب. کاربرد این واژه در عهد جدید بعنوان خاتمه دعا رایج است (م. ک. روم 1: 25؛ 9: 5؛ 11: 36؛ 16: 27؛ غلا 1: 5؛ 6: 18؛ افس 3: 21؛ فیلیپ 4: 20؛ 2 تسلا 3: 18؛ 1 تیمو 1: 17؛ 6: 16؛ 2 تیمو 4: 18).

ج. عیسی تنها کسی است که این لفظ را (در یوحنا اغلب دوبار پشت سرهم) برای مطرح کردن گفتار مهم بکار میبرد (م. ک. لوقا 4: 24؛ 12: 37؛ 18: 17، 29؛ 21: 32؛ 23: 43)

د. در مکا 3:14 بعنوان لقبی برای عیسی بکار رفته است (احتمالاً از القاب یهوه YHWH در اشعیا 65:16).  
ه. مفهوم وفاداری یا ایمان و قابل اعتماد بودن یا اعتماد، در واژه یونانی *pistos* یا *pistis* بیان شده است، که ترجمه آن به انگلیسی *trust* [اعتماد]، *faith* [ایمان]، *believe* [باور] می باشد.

### متن NASB (بروز آمده): 1:26-27

<sup>26</sup> پس خدا نیز ایشان را در شهواتی خوار کننده به حال خود وا گذاشت. زیرا زنانشان، روابط غیر طبیعی را جایگزین روابط طبیعی کردند.<sup>27</sup> به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند؛ مرد با مرد مرتکب اعمال شرم آور شده، مکافاتِ درخور انحرافشان را در خود یافتند.

**1:26، 27:** همجنس گرایی یکی از نمونه های زندگی خارج از اراده بدیهی خدا در خلقت است (بارور شوید). اینکار گناه، و مشکل بزرگ فرهنگی بود: (1) در عهد عتیق (م. ک. لاو 18:22؛ 20:13؛ تث 23:18)؛ (2) در دنیای یونانی- رومی (م. ک. 1 قرن 6:9؛ 1 تیمو 1:10)؛ و (3) در زمان ما. همجنس گرایی شاید به این دلیل به عنوان نمونه ای از زندگی سقوط کرده ذکر شده است که مبحث آن تماماً به پیدایش 1-3 توجه دارد. انسان بصورت و به شباهت خدا آفریده شد (م. ک. پيدا 1:26 27؛ 5:1، 3؛ 9:6). انسان مذکر و مونث آفریده شد (م. ک. پيدا 1:27). فرمان خدا آن بود که باور و کثیر شوند (م. ک. پيدا 1:28؛ 9:1، 7). سقوط انسان (م. ک. پيدا 3) در نقشه و اراده خدا گسیختگی و وقفه ایجاد کرد. همجنس گرایی، واضحاً ترمرد است! اما باید متذکر شد آن تنها گناهی نیست که در چارچوب متن یاد شده است (م. ک. آیات 29-30). همه گناهان، نشانگر جدایی انسان از خدا و مکافات است که مستحق آن هستند. همه گناهان، بخصوص شیوه زندگی گناه آلود، برای خدا مکروه و منزجر کننده است.

### عنوان خاص: همجنس گرایی

فرهنگ امروزی فشار بسیار وارد می آورد تا همجنس گرایی بعنوان شیوه متناسب و گونه ای دیگر از زندگی پذیرفته شود. کتاب مقدس آنرا بعنوان شیوه ی زندگی مخرب محکوم میسازد، شیوه ای که مغایر با اراده ی خدا برای مخلوقاتش است.

1. اینکار تجاوزی است از حکم در پیدایش، باب 1 برای بارور و کثیر شدن
  2. اینکار مشخصه پرستش و فرهنگ ادیان باطل است (م. ک. لاو 18:22؛ 20:13؛ روم 1:26-27؛ و یهودا 7)
  3. اینکار استقلال و جدایی از خدا را بخاطر خود محوری، نمایانگر میسازد (م. ک. 1 قرن 6:9-10)
- اما پیش از آنکه ازین مبحث بگذرم میخواهم قطعاً اظهار کنم خدا همه انسان های نامطیع را محبت می کند و حاضر به بخشش آنهاست. مسیحیان به هیچ وجه حق ندارند با تنفر و تکبر نسبت به این گناه ویژه عمل کنند، مخصوصاً چون آشکار است همه ما گناه میکنیم. درین مورد، دعا، توجه و علاقه نشان دادن، بیان شهادت زندگی خود و دلسوزی، نتایج بسیار بیشتری میدهند تا محکوم ساختن با تندی و غضب. اگر ما بگذاریم، کلام خدا و روح او محکوم کردن را خود انجام خواهند داد. تمامی گناهان جنسی، نه تنها این یک، در نظر خدا مکروه و شنیع هستند و به دآوری می انجامند. تمایلات جنسی، هدیه خدا برای بهزیستی و شادمانی انسان ها و جامعه ی با ثبات است. اما این انگیزه قوی خدادادی اغلب تبدیل می شود به زندگی متمرد، خود محور، لذت پرستانه و به رویه ای که می گوید: "باز هم بیشتر میخواهم، و هرچه بادا باد" (م. ک. روم 8:1-8؛ غلا 6:7-8).



متن NASB (بروز آمده): 1: 28 - 32

<sup>28</sup> و همان گونه که صلاح ندیدند از آن پس خدا را قبول داشته باشند، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه وا گذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند. <sup>29</sup> ایشان از هر گونه نادرستی، شرارت، طمع و خباثت آکنده اند. مملو از حسد، قتل، جدال، فریب و بد خواهی اند. شایعه ساز، <sup>30</sup> تهمت زن، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر و خودستایند. برای انجام اعمال شریرانه، راههایی نو ابداع می کنند. نافرمان به والدین، <sup>31</sup> بی فهم، غیر قابل اطمینان، بی عاطفه و بی رحمند. <sup>32</sup> هر چند از حکم خدا آگاهند که مرتکبان چنین اعمالی سزایشان مرگ است، نه تنها خود همانها را انجام می دهند، بلکه کسانی را نیز که اینها را به عمل میاورند، قویاً تأیید می کنند.

1: 28-31 این قسمت در یونانی یک جمله است، و توصیفی است از بشریت سرکش، سقوط کرده و خود سر. (م. ک. روم 13: 13؛ 1 قرن 5: 11؛ 6: 9؛ 9: 5؛ 19-21: 5؛ افس 5: 5؛ 1 تیمو 1: 10؛ مکا 21: 8).  
گناه بشریت این بود که زیستن را مجزا از خدا انتخاب کردند. جهنم آن زیستن می باشد که دائمی شده است. خود سری، یک تراژدی است! انسان به خدا نیاز دارد؛ بدون خدا او گمراه، نالایق و ناکامیاب است. بدترین جنبه ابدیت جهنم، عدم وجود رابطه با خداست!

عنوان خاص: صفات نیک و بد مطابق عهد جدید

فهرست های صفات نیک و بد، هر دو در عهد جدید عمومیت دارند. اینها اغلب نشانگر فهرست های معلمین یهود و همچنین فهرست های فرهنگی یونان باستان (هلنیستی) می باشند. فهرست های عهد جدید از مشخصه های متضاد را می توان درین بخش ها دید:

صفات نیک	صفات بد	
---	روم 1: 28-32	1. پولس
روم 2: 9-21	روم 13: 13	
---	اقرن 5: 9-11	
1 قرن 6: 6-9	10: 6	
2 قرن 6: 4-10	2 قرن 12: 20	
غلا 5: 22-23	غلا 5: 19-21	
---	افس 4: 25-32	
---	5: 3-5	
فیلیپیان 4: 8-9	---	
کولسیان 3: 12-14	کولسیان 3: 5، 8	
---	1 تیمو 1: 9-10	
---	6: 4-5	
2 تیمو 2: 22ب، 24	2 تیمو 2: 22 الف، 23	
تیطس 1: 8-9؛ 3: 1-2	تیطس 1: 7، 3: 3	
یعقوب 3: 17-18	یعقوب 3: 15-16	2. یعقوب
1 پتر 4: 7-11	1 پتر 4: 3	3. پطرس
2 پتر 1: 5-8	2 پتر 1: 9	
---	مکا 21: 8؛	4. یوحنا
---	15: 22	

1: 29 "ذهنی فرومایه": آنچه به نظر انسان سقوط کرده، آزادی می نماید، پرستش کردن خود است: "همه چیز و هر چیز برای من!" در 1: 24، 26، 28 عامل «وجه مجهول» ذکر شده که خداست، اما در رابطه این مضمون با پیدایش 1-3، آنچه مشکل را بوجود آورد اینست که انسان «دانستن» و «نفس خود» را انتخاب کرد. خدا اجازه داد خلقت او به عقوبت و سزای گزینه ها و خودسری شان برسند.

□ "آکنده اند": این «وجه وصفی مجهول کامل» است. هر آنچه همیشه در افکار انسان ها باشند آنها را پر میسازند و مشخصه آنها می گردند. معلمین یهود می گویند در قلب هر فرد یک سگ سیاه (*yetzer*) (پلید) و یک سگ سفید (*yetzer* نیکو) است. آن یکی که بیشتر به او غذا بدهند بزرگتر خواهد شد.

1: 29-31 اینها نتایج و علائم زندگی بدون خدا می باشند و خصوصیات افراد و اجتماعاتی هستند که به گزینه خود، خدای کتاب مقدس را رد می کنند. این یکی از چند فهرست گناهان بود که پولس ارائه کرد (م. ک. 1 قرن 5: 11؛ 6: 9؛ 2 قرن 12: 20؛ غلا 5: 19-21؛ افس 4: 31؛ 5: 3-4؛ کولسیان 3: 5-9).

1: 30 "متکبر": به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

#### عنوان خاص: کاربرد پولس از الفاظ مرکب "HUPER"

پولس علاقه خاصی به ساختن کلمات جدید با استفاده از «حرف اضافه» یونانی *huper* داشت که اصولاً به معنای "بالا" یا "مافوق" است. وقتی این کلمه با «حالت ملکی» (مفعول عنه) بکار می رود، به معنی "بخاطر چیزی" می باشد. همانند *peri*، می تواند معنی "درباره ی" یا "در مورد" را نیز داشته باشد (م. ک. 2 قرن 8: 23؛ 2: 2؛ 1). در کاربرد با «مفعول بی واسطه» معنای آن "بالای"، "فوق" یا "فراتر از" می باشد (م. ک. آ. ت. رابرتسون: «دستور زبان عهد جدید یونانی در پرتو پژوهش تاریخی» صفحات 625-633). زمانیکه پولس میخواست مفهومی را تأکید کند این «حرف اضافه» را در الفاظ مرکب بکار می برد. فهرست ذیل، کاربرد خاص پولس از این «حرف اضافه» در الفاظ مرکب است.

الف. *Hapax legomenon* (تنها یکبار در عهد جدید بکار رفته است)

1. *Huperakmos*، فردی که جوانی و شادابی او سپری شده است، 1 قرن 7: 36
2. *Huperauxanō* به زیادتی افزونی یافتن، 2: 1؛ 3
3. *Huperbainō* از حد تجاوز کردن یا تعدی کردن، 1: 4؛ 6
4. *Huperkeina* فراسو، 2 قرن 10: 16
5. *Huperekteina* از حد خود پا فراتر گذاشتن 2 قرن 10: 14
6. *Huperentugchanō* شفاعت کردن، روم 8: 26
7. *Hupernikaō* پیروزمندی وافر، روم 8: 37
8. *Huperpleonazō* در وفور بیکران بودن، 1 تیمو 1: 14
9. *Huperupsoō* به غایت سرافراز کردن، فیلیپیان 2: 9
10. *Huperphroneō* افکار بالا و بلند داشتن، روم 12: 3

ب. کلماتی که تنها در نوشته های پولس بکار رفته اند.

1. *Huperairomai* خود را بالا بردن، 2 قرن 12: 7؛ 2: 2؛ 4
2. *Huperballontōs* بی اندازه، فزونی بیش از حد، 2 قرن 11: 23؛ (درین آیه تنها «قید» است، لکن در آیات ذیل «فعل» می باشد: 2 قرن 3: 10؛ 9: 14؛ افس 1: 19؛ 2: 7؛ 3: 19)

3. *Huperbolē* زیادی فراتر رفتن از هدف، مسلح کردن فوق العاده، روم 7: 13؛ 12: 13؛ 2: 31؛ 4: 8؛ 7: 17؛ 22: 7؛ 1: 13
4. *Huperekperissou* فراتر از هر اندازه، افس 3: 20؛ 1: 10؛ 3: 13
5. *Huperlian* بیشترین درجه یا افضل و مقدم، 2: 11؛ 5: 12؛ 11: 12
6. *Huperochē* برتری، عالی بودن، 1: 2؛ 1: 1؛ 2: 2
7. *Huperperisseuō* به بیشترین حد وافر ساختن، روم 5: 20 (وجه میانه Middle voice) به فراوانی پر شدن، سرشار و لبریز شدن، 2: 7؛ 4: 7
- ج. واژه های کاربردی پولس که سایر نویسندگان عهد جدید به ندرت بکار برده اند:
1. *Huperanō* بسیار والاتر، افس 1: 21؛ 4: 10؛ و عبر 9: 5
2. *Huperechō* ممتاز بودن، برتری، روم 13: 1؛ 1: 3؛ 3: 8؛ 4: 7؛ 1: 13؛ 2: 13
3. *Huperēphanos* خودبین یا متکبر، روم 1: 30؛ 2: 3؛ 2: 3؛ 1: 51؛ یعقوب 4: 6؛ 1: 5؛ 5: 5

پولس شخصی بود پر از احساسات تند و شدید؛ هنگامی که چیزها یا مردم خوب بودند، بسیار خوب بودند، و وقتی بد بودند، بسیار بد بودند. این «حرف اضافه» به او اجازه میداد بتواند والاترین احساسات خود را در مورد گناه و نفس و مسیح و انجیل بیان نماید.

**1: 32 " مرتکبان چنین اعمالی سزایشان مرگ است":** این عبارت پرتویی است از شریعت موسی. خلاصه آن در روم 6: 6، 16، 21، 23 و 8: 6، 13 می باشد. مرگ نقطه مقابل اراده خدا و حیات الهی است (م. ک. حز 18: 32؛ 1 تیمو 2: 4؛ 2 پتر 3: 9).

□ **" بلکه کسانی را نیز که اینها را به عمل میاورند، قویاً تأیید می کنند."** نگون بختان همدم میطلبند. انسان سقوط کرده، گناه دیگران را بهانه میکند و میگوید "همه اینکار را می کنند." مشخصه فرهنگ ها، گناهان خاص شان است!

## سئوالات برای گفتگو

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که خود شما مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام میدهید. هر یک از ما باید در روشنایی که یافته ایم گام برداریم. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید از این حق خود صرف نظر کرده، آنرا به مفسر واگذار نمایید.

این سئوالات برای گفتگو فراهم شده اند تا به شما کمک کنند به مسائل عمده این بخش کتاب عمیقاً بیندیشید و به نتیجه برسید. مقصود از آنها واداشتن به تفکر است، نه اینکه آنها قطعی هستند.

1. چرا پولس به کلیسای روم نامه نوشت؟
2. چرا «رومیان» بیانیه الهیاتی چنین پراهمیتی در مورد مسیحیت بود؟
3. خود شما طرح کلی 1: 18-3: 20 را تشکیل دهید.
4. آیا آنانیکه هرگز «انجیل» را ننشیده اند بخاطر ایمان نیاوردن به مسیح، رد خواهند شد؟
5. تفاوت بین "مکاشفه طبیعی" و "مکاشفه خاص" را توضیح دهید.
6. زندگی بشری بدون خدا را توصیف نمایید.
7. آیا آیات 24-27 مسئله هم جنس گرایی را مورد بحث قرار میدهند؟



## رومیان 2

تقسیمات پاراگراف ها در ترجمه های امروزی				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
یهودیان از غضب مستثنی هستند	داوری خدا	یهودیان تحت داوری	داوری عادلانه خدا	داوری عادلانه خدا
11 - 1 :2	16 - 1 :2	11 - 1 :2	16 - 1 :2	16 - 1 :2
شریعت آنان را نجات نمی دهد	یهودیان و شریعت (8 :3 - 17 :2)	مبنای داوری	یهودیان مقصر به همانند غیر یهودیان	یهودیان و شریعت
16 - 12 :2		16 - 12 :2		
24 - 17 :2	24 - 17 :2	24 - 17 :2	24 - 17 :2	8 :3 - 17 :2
خته آنها را نجات نخواهد بخشید			بی فایده بودن ختنه	
29 - 25 :2	29 - 25 :2	29 - 25 :2	29 - 25 :2	

دوره سوم مطالعه (به صفحه x رجوع نمایید)  
درک مقصود نویسنده اولیه در عرصه پاراگراف

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما می تابد گام برداریم. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید. سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص نمایید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی از الهام نیست، اما برای درک مقصود نویسنده اصلی کلیدی است، و کار تفسیر درینجاست. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

1. پاراگراف اول

2. پاراگراف دوم

3. پاراگراف سوم

4. و غیره

مفاهیم استنباط شده در متن رومیان 2: 1 - 3: 20

الف. باب های 2 و 3 واحد ادبی را تکمیل می کنند که در 1: 18 آغاز شده بود. موضوعات این بخش:  
1. گمراهی تمام بشر؛

2. داوری خدا در مورد گناه؛
3. نیاز انسان به پارسایی خدا از طریق مسیح بوسیله ایمان شخصی و توبه.

ب. در باب 2، هفت اصل در مورد داوری خدا دیده می شود

1. آیه 2، مطابق حقیقت؛
2. آیه 5، گناه انباشته شده؛
3. آیات 6 و 7، مطابق اعمال؛
4. آیه 11، در مورد هیچکس استثناء قائل نمی شود؛
5. آیه 13، شیوه زندگی؛
6. آیه 16، رازهای قلبی انسان ها؛
7. آیه 17 - 29، هیچگونه گروه های ملیتی برتر نیستند

ج. مفسرین با یکدیگر بسیار به این بحث می پردازند که روی سخن در باب 2: 1-17 با چه کسانی است. بدیهی است که 2: 12-29 در مورد یهودیان است. آیات 1-17 کاربرد دوگانه دارند درینکه خطاب به معلمین اخلاق غیر یهودی نظیر «سینکا» می باشند (موازیین اجتماعی)، و نیز به ملت یهود (شریعت موسوی).

د. در 1: 18-21، پولس تأکیداً اظهار کرد که انسان ها قادرند خدا را از طریق خلقت بشناسند. در 2: 14-15، پولس همچنین تأکید میکند که همه انسان ها در درون، وجدانی اخلاقی دارند که خدا به آنها بخشیده است. بر پایه این دو گواه، یعنی خلقت و وجدان است که خدا تمامی بشر را محکوم میکند، حتی آنانی که پیام عهد عتیق [عهد قدیم] یا انجیل را نشنیده اند. انسان ها مقصرند زیرا مطابق بهترین الگویی که داشته اند عمل نکرده اند.

### مطالعه واژگان و عبارات

#### متن NASB (بروز آمده): 2: 1-11

<sup>1</sup> بنابراین هیچ عذری ندارید - هیچیک از شما که دیگری را محکوم می کنید - زیرا در هر موردی که دیگری را محکوم می کنید، خویشتان را محکوم کرده اید؛ چون شما که داوری می کنید، خود همان را انجام می دهید. <sup>2</sup> و ما می دانیم که داوری خدا به درستی به سر کسانی می آید که این گونه اعمال را انجام می دهند. <sup>3</sup> اما تو ای آدمی، آیا گمان میکنی وقتی آنان که اینگونه اعمال را انجام میدهند محکوم میکنی و خودت همان را انجام می دهی، از داوری خدا خواهی رست؟ <sup>4</sup> یا اینکه کثرت مهربانی، تحمل و شکیبایی او را خوار می شماری و غافلی که مهربانی خدا تو را به توبه رهنمون می شود؟ <sup>5</sup> اما تو به سبب سرسختی و دل ناتوبه کارت، غضب را نسبت به خود، برای روز غضب و آشکار شدن داوری عادلانه خدا می اندوزی؛ <sup>6</sup> که "به هر کس مطابق اعمالش سزا خواهد داد:" <sup>7</sup> به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاویدان را؛ <sup>8</sup> اما به آنانی که خودخواهانه جاه طلب اند و از حقیقت اطاعت نمی نمایند، لیکن مطیع شرارت اند، خشم و غضب را. <sup>9</sup> مصیبت و رنج نصیب هر روح انسانی خواهد شد که بدی می کند، نخست یهود و همچنین یونانی، <sup>10</sup> اما هر که نیکویی کند از جلال و حرمت و آرامش برخوردار خواهد شد، نخست یهود و همچنین یونانی. <sup>11</sup> زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود.

1:2

" بنابراین هیچ عذری ندارید - هیچیک از شما که دیگری را محکوم می کنید"	NASB
" ای آدمی هیچ عذری نداری، هر که هستی که داوری می کنی"	NKJV
" ای آدمی هیچ عذری نداری، هر که هستی، زمانیکه دیگری را داوری می کنی"	NRSV
" ای آدمی بهیچ وجه عذری نداری، هر که هستی. زیرا آنگاه دیگری را داوری می کنی"	TEV
" پس فرق نمی کند هر که هستی، اگر محکوم می کنی، خود هیچ عذری نداری"	JB

بطور تحت اللفظی این عبارت میگوید: "هیچ دفاع حقوقی" (م. ک. 1: 20) در یونانی این عبارت در اول جمله قرار داده شده تا اهمیت آنرا بیشتر نشان دهد. آیات 1-16 بنظر می رسند هم مربوط به یهودیان شریعت گرایی هستند که خود را پارسا می انگاشتند، و هم یونانیان اخلاق گرا. با داوری کردن دیگران، آنها خود را محکوم می سازند.

2: 2 "ما میدانیم": این «ضمیر» احتمالاً اشاره ای به دیگر یهودیان بود اگر چه می تواند اشاره به مسیحیان باشد. در آیات 2-4 پولس به فن معمول خود که به شکل سؤال و جواب است باز می گردد. این فن "گفتار اعتراض آمیز" نام دارد و در آن ارائه حقیقت توسط کسی انجام می شود که معترض فرضی است. حقیق، ملاکی و معلمین مذهبی یهود نیز، و همچنین فلاسفه یونان (نظیر سقراط و رواقیون) از این فن استفاده می کردند.

عبارت "ما می دانیم که" چندین بار در کتاب رومیان بکار برده شده است (م. ک. 2: 2؛ 3: 19؛ 7: 14؛ 8: 22، 28). پولس فرض میگیرد شنوندگان او تا حدی میدانند، برخلاف غیر یهودیان باب 1 که پایبند اخلاقیات نبودند.

□ "داوری خدا": کتاب مقدس این حقیقت را به صراحت می گوید. همه انسان ها برای عطیه زندگی، به خدا جوابگو خواهند بود (م. ک. آیات 5-9؛ متی 25: 31-46؛ مکا 20: 11-15). حتی مسیحیان در برابر مسیح خواهند ایستاد. (م. ک. 14: 10-12؛ 2 قرن 5: 10).

2: 3 شکل دستوری سؤال «رتوریک» پولس [سؤالی که جوابش بدیهی است]، پاسخ "خیر" را می طلبد.

□ "آیا گمان میکنی": این «فعل» یونانی *logizomai* است. پولس اغلب آنرا بکار می برد (روم 2: 3، 26؛ 3: 28؛ 4: 3، 4، 5، 6، 8، 9، 10، 11، 22، 23، 24؛ 6: 11؛ 8: 18، 36؛ 9: 8؛ 14: 14؛ غلا 3: 6 و ده بار در 1 و 2 قرننیا و دو بار در فیلیپیان). به یادداشت ها در 4: 3 و 8: 18 رجوع نمایید.

□ "ای آدمی" این نظیر همان اصطلاح در آیه 1 است. در 9: 20 به یهودیان اشاره می کند.

2: 4 این نیز در یونانی بصورت سؤال است.

□ "کثرت مهربانی، تحمل و شکیبایی او" مردم اغلب برداشت غلطی از فیض، رحم و شکیبایی خدا داشته اند و به جای توبه، آنها را فرصتی برای گناه ساخته اند (مقایسه کنید با 2 پتر 3: 9). پولس اغلب صفات خدا را با عبارت "کثرت..." وصف می نماید (مقایسه کنید با 9: 23؛ 11: 33؛ کولسیان 1: 27؛ افسس 1: 7، 18؛ 2: 4، 7؛ 3: 8، 16؛ فیلیپیان 4: 19).

□ "تو را به توبه رهنمون می شود" توبه عامل مهم برای رابطه ای با خداست که بر پایه ایمان و معاهده با او میباشد (مقایسه کنید با متی 3: 2؛ 4: 17؛ مرقس 1: 15؛ 6: 12؛ لوقا 13: 3، 5؛ اعمال 2: 38؛ 3: 16، 19؛ 20: 21). کلمه عبری آن به معنی تغییری در رفتار بود، لکن به یونانی معنی آن تغییر فکر بود. توبه آنست که شخص مایل به تبدیل زیستن خودمحورش به زندگی ای باشد که آگاهی ها و رهبری آن از طرف خداست. لازمه آن اینست که شخص از اولویت نفس و اسیر آن بودن سر باز زند. اساساً این یک نگرش جدید، چشم انداز جدید از جهان، و یک ارباب جدید است. اراده خدا برای هر شخص از نسل سقوط کرده ی آدم، که به شباهت خدا ساخته شده اند، اینست که توبه کنند (م. ک. حز 18: 21، 23، 32 و 2 پطرس 3: 9).

بخش های عهد جدید که تفاوت واژه های یونانی برای توبه را به بهترین وجه منعکس می کنند در 2 قرن 7: 8 - 12 هستند: (1) *lupeō* ، "اندوه" یا "غم" در آیات 8 (دو مرتبه) 9 (سه مرتبه)، 10 (دو مرتبه) ، 11؛ (2) *metamelomai* ، "پشیمانی" یا "ناراحتی پس از انجام امری" در آیات 8 (دو مرتبه) ، 9؛ و (3) *metanoia* ، "توبه" یا "after mind" در آیات 9، 10. نقطه مقابل آن، توبه دروغین (*metamelomai*) (م. ک. یهودا، متی 27: 3 و عیسو، عبر 12: 16-17) در تضاد با توبه حقیقی است (*metanoēō*).

توبه حقیقی از لحاظ علم الهی، ارتباط داده شده است با: (1) موعظه عیسی در باره شرایط «معاهده جدید» (م. ک. متی 4: 17، مرقس 1: 15، لوقا 13: 3، 5)، (2) موعظه های شاگردان در کتاب اعمال رسولان (*kerygma*) ، م. ک. اعمال 3: 16، 19؛ 20: 21؛ (3) هدیه قدرتمند خدا (م. ک. اعمال 5: 31؛ 11: 18 و 2 تیمو 2: 25)؛ و (4) هلاک شدن (م. ک. 2 پطرس 3: 9). توبه، یک گزینه نیست!

#### عنوان خاص: توبه

توبه (همراه ایمان) از الزامات معاهده، هم در «معاهده قدیم» (*Nacham* ، 1 پاد 8: 47؛ *Shuv* 1 پاد: 48؛ حز 14: 6؛ 18: 30؛ یوعیل 2: 12-13؛ زکر 1: 3-4) و هم در «معاهده جدید».

1. یحیی تعمید دهنده (متی 3: 2؛ مرقس 1: 4؛ لوقا 3: 3، 8)
2. عیسی (متی 4: 17؛ مرقس 1: 15؛ 2: 17؛ لوقا 5: 32؛ 13: 3، 5؛ 15: 7؛ 17: 3)
3. پطرس (اعمال 2: 38؛ 3: 19؛ 8: 22؛ 11: 18؛ 2 پطرس 3: 9)
4. پولس (اعمال 13: 24؛ 17: 30؛ 20: 21؛ 26: 20؛ روم 2: 4؛ 2 قرن 2: 9-10)

اما توبه چیست؟ آیا اندوه است؟ آیا باز ایستادن از گناه است؟ بهترین فصل عهد جدید برای درک تفاوت ها در معانی ضمنی این موضوع، در 2 قرن 7: 8-11 می باشد که در آن سه واژه مرتبط، اما متفاوت یونانی بکار رفته اند.

1. "اندوه" (*lupē*) ، م. ک. آیات 8 [دو مرتبه]، 9 [سه مرتبه]، 10 [دو مرتبه]، 11). این به معنای حزن یا پریشانی است و از لحاظ علم الهی، معنای ضمنی خنثی دارد.
2. "توبه" (*metanoēō*) ، م. ک. آیات 9، 10). این ترکیبی است از "بعد از" و "تفکر" که به معنای ذهن جدید، طرز تفکر جدید و نگرش جدید به زندگی و خدا است. این توبه واقعی می باشد.
3. "افسوس" (*metamelomai*) ، م. ک. با آیات 8 [دو مرتبه]، 10). این ترکیبی است از "بعد از" و "غم خوردن". این کلمه در مورد یهودا در متی 27: 3 و عیسو در عبر 12: 16-17 بکار رفته است و به معنای تأسف بخاطر عواقب موضوع است، به بخاطر اعمال.

توبه و ایمان، اعمال ملزوم معاهده هستند (م. ک. مرقس 1: 15؛ اعمال 2: 38، 41؛ 3: 16، 19؛ 20: 21). چند متن ضمناً اشاره بر این دارند خداست که توبه را اعطا میکند (م. ک. اعمال 5: 31؛ 11: 18؛ 2 تیمو 2: 25). اما بیشتر متون اینرا جوابی از طرف انسان، در برابر نجات رایگانی که خدا عرضه می کند تلقی میکنند، که باید مطابق معاهده انجام شود.



برای درک مفهوم کامل توبه، معانی هر دو واژه عبری و یونانی لازم می‌باشند. واژه عبری "تغییر عمل" را لازم می‌شمارد، در حالیکه واژه یونانی "تغییر افکار" را واجب میدارد. شخص نجات یافته، ذهن و دل جدیدی می‌یابد. افکارش عوض می‌شود و زندگیش نیز تغییر پیدا می‌کند. بجای اینکه بپرسد "این موضوع چه نفعی برای من دارد" حال می‌پرسد "اراده خدا چیست". توبه یک احساس نیست که رنگ ببازد و نیز بی‌گناهی مطلق نیست، اما رابطه جدید با «قدوس یکتا» است که ایماندار را بطرز تصاعدی و پیشرو به فرد مقدسی تبدیل می‌سازد.

2: 5-9 این آیات (1) سر سختی انسان سقوط کرده و (2) غضب و داوری خدا را توصیف می‌کنند.

2: 5 "سرسختی": اسرائیل به همین صورت در خروج 32: 9؛ 33: 3، 5؛ 34: 9؛ تثیبه 9: 6، 13، 27 توصیف شده است.

▣ "قلب": به «عنوان خاص» در 1: 24 رجوع نمایید.

▣ "برای روز غضب": این در عهد عتیق «روز خداوند» نامیده شده است (م. ک. یوئیل، عاموس). این مفهوم «روز داوری»، یا برای ایمانداران، «روز رستاخیز» است. انسان برای عطیه زندگی، به خدا حساب پس خواهد داد (م. ک. متی 25: 31-46؛ مکا 11-15: 20).

توجه داشته باشید خود گناهکاران هستند ("شما" و "شما خودتان") که غضب را انباشته می‌کنند. خدا صرفاً در زمانی، اجازه می‌دهد این غضب انباشته شده آشکار گردد و مراحل خود را طی کرده، به اتمام رساند.

غضب، نظیر تمامی کلمات انسانی که برای توصیف خدا بکار می‌روند، تنها برای تشابه و مقایسه (جنبه انسانی برای خدا قائل شدن) به الوهیت اطلاق شده است! خدا ابدی، قدوس و روح است. انسان‌ها فانی، گناهکار و جسمانی هستند. خدا از لحاظ احساسی عصبانی نیست و حالت خشم مفرط ندارد. کتاب مقدس او را بعنوان دوستدار گناهکاران و خواهان توبه آنان معرفی میکند، اما او در عین حال مخالفت قطعی با نا فرمانی انسان دارد. خدا شخصیت دارد؛ گناه را نسبت به خود توهین می‌شمارد و ما شخصاً برای گناهانمان مسئول هستیم.

یک نکته دیگر در مورد غضب خدا: در کتاب مقدس؛ غضب خدا هم در طول زمان است (زمان دنیوی، م. ک. 1: 24، 26، 28) و هم در آخر زمان (از لحاظ علم آخرت شناسی، م. ک. 2: 5-8). «روز خداوند» (روز داوری) یکی از راه‌هایی بود که پیامبران عهد عتیق به قوم اسرائیل اخطار می‌کردند در زمان کنونی توبه کنند تا آنکه آینده‌شان برکت بیابد، و داوری نشود (م. ک. تثیبه 27-28). پیامبران عهد عتیق اغلب بحرانی از روزگار خود را در نظر می‌گرفتند و آنرا به عنوان تصویری از آخر زمان آینده ارائه می‌کردند.

2: 6 نقل قول از مزمو 62: 12 است. این یک اصل جهانی است که انسان‌ها مسئول اعمال خود هستند و به خدا حساب پس خواهند داد (م. ک. ایوب 34: 11؛ امثال 24: 12؛ جامعه 12: 14؛ ارمیاء 17: 10؛ 32: 19؛ متی 16: 27؛ 25: 31-46؛ روم 2: 6؛ 14: 12؛ 1 قرن 3: 8؛ غلا 6: 7-10؛ 2 تیمو 4: 14؛ 1 پطرس 1: 17؛ مکا 2: 23؛ 20: 12؛ 22: 12). حتی ایمانداران در مورد زندگی و خدمات خود به مسیح جوابگو خواهند بود (م. ک. 2 قرن 5: 10). ایمانداران بوسیله اعمال نجات نمی‌یابند بلکه نجات یافته‌اند تا آنکه عمل کنند (م. ک. افس 2: 8-10 [بخصوص 2: 14-26]؛ یعقوب و 1 یوحنا).

2:7 "به کسانی که" بین افرادی که در آیه 7 و آیه 8 ("اما بر آنانی که") توصیف شده اند تضادی وجود دارد.



NASB "به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاویدان را"

NKJV "حیات جاودانی به کسانی که با ادامه صبورانه کارهای نیک، در پی جلال و عزت و بقا هستند"

NRSV "به کسانی که صبورانه نیکویی می کنند تا جلال و عزت و بقا بیابند، او زندگی جاودان میدهد"

TEV "بعضی اشخاص به نیکوکاری ادامه می دهند، و در پی جلال و عزت و بقایند؛ خدا به آنها زندگی جاودان خواهد بخشید"

JB "برای آنانی که با نیکوکاری همیشگی، در پی جلال و عزت و بقا بودند، زندگی جاودان خواهد بود"

این اشاره به اشخاصی نظیر کرنلیوس بود (م. ک. اعمال 10: 34-35). این مجموعه آیات ممکن است به نظر برسد حاکی از اعمال منتهی به پارسایی است (دستیابی به پارسایی از طریق کوشش انسانی)، اما در آنصورت این بر خلاف مضمون اصلی «کتاب رومیان» می شود. بیاد داشته باشید که یا آیات 1-16، یا آیات 1-11 یک پاراگراف هستند. نکته تمامی قسمت از لحاظ علم الهی، اینست که خدا بین افراد تبعیض قائل نمی شود (آیه 11) و اینکه همه گناه کرده اند (آیه 12). اگر انسان ها مطابق نوری که بر زندگیشان تابیده بود رفتار می کردند (منظور «مکاشفه طبیعی» برای غیر یهودیان، و «مکاشفه خاص» برای یهودیان است، م. ک. 10: 5) آن موقع با خدا رابطه خوب می داشتند. اما خلاصه ی 3: 9-18، 23 نشان می دهد که برای کسی هرگز چنین نبوده و کسی هم قادر به آن نیست!

آنچه ایمان آوردن شخص را در آغاز تأیید میکند و معتبر می سازد، زندگی تغییر یافته و خدایسندانه ی او تلقی شده است. زندگی تغییر یافته، دلالت بر ساکن شدن روح خدا دارد (م. ک. آیات 13، 10؛ متی 7؛ افس 2: 8-10؛ یعقوب 2: 14-26 و 1 یوحنا). به عنوان خاص: نیاز به استقامت در 8: 25 رجوع نمایید.

□ "حیات جاویدان": این عبارت، مشخصه نوشته های یوحنا می باشد و بندرت در «اناجیل هم نظر» [Synoptic Gospels] بکار می رود. به نظر می رسد پولس این عبارت را از دانیال 12: 2 (م. ک. تیطس 1: 2؛ 3: 7) اقتباس کرده باشد، که آن قسمت نشانگر زندگی عصر جدید، زندگی در مشارکت با خدا، و زندگی رستاخیزی است. او این را نخست در غلاطیان 6: 8 بکار می برد. این در بخش تعلیمی کتاب رومیان، یک تم معمول است (م. ک. 2: 7؛ 5: 21؛ 6: 22، 23). همچنین این موضوع در «نامه های شبانان» [Pastoral Epistles] چند بار آمده است (م. ک. 1 تیمو 1: 16؛ تیطس 1: 2؛ 3: 7).

8:2

NASB "آنانی که خودخواهانه جاه طلبند"

NRSV، NKJV "آنانی که نفس پرست اند"

TEV "مردمان دیگر خودخواه اند"

این کلمه در اصل به معنای "کار در برابر اجرت" بوده است (م. ک. Tob 2: 11). «لواو و نیدا»، «لغت نامه یونانی- انگلیسی»، جلد 2، ص 104، دو استفاده از این واژه را فهرست می نمایند.

1. "جاه طلبی خودخواهانه"، با استفاده از رومیان 2: 8 با این تذکر: "خواهان برتر از دیگران بودن"، که با این متن جور است.
2. "دشمنی"، با استفاده از فیلیپیان 1: 17 با این تذکر که "رقابت" می تواند یکی از ترجمه های احتمالی باشد (همچنین رجوع کنید به 2 قرن تیان 12: 20؛ غلاطیان 5: 20؛ فیلیپیان 2: 3؛ یعقوب 3: 14، 16)

□ "و از حقیقت اطاعت نمی نمایند": واژه "حقیقت" (*aletheia*) به معنای عبری آن (*emeth*)، در مورد صداقت و قابل اطمینان بودن استفاده شده بود. درین متن، تأکید آن از لحاظ اخلاقی بود، نه عقلانی. به عنوان خاص: حقیقت در نوشته های پولس، در 1: 18 رجوع نمایید.

2: 9 "نصیب هر روح انسانی": پولس واژه یونانی *pas* را که "همه" یا "هر" ترجمه شده بود درین فصل های اولیه کتاب رومیان آنقدر زیاد بکار می برد تا نتایج جهانی "خبر بد" (گمراهی انسان ها و داوری غیر تبعیضانه خدا) و "خبر خوش" را (خدا نجات رایگان و بخشش کامل را در مسیح به همه کسانی که توبه کنند و ایمان آورند عرضه میکند) نشان دهد.

این متن قویاً معنی داوری جهانی و عواقب حاصل از آن را دارد. این حقیقت مستلزم زنده شدن دوباره پارسایان و نیز شریران است (م. ک. دانیال 12: 2؛ یوحنا 5: 28-29؛ اعمال 24: 15). اگر آیات 6-11 "chiasms" هستند [آرایه ادبی به معنای: چند جمله مقسوم به دو دسته که مضمون دسته دوم جملات، تصویر معکوس دسته اول هستند]، در نتیجه آیات 8-9 آیات کلیدی می باشند که نشانگر داوری یا شرارت پیشگان هستند.

2: 9-10 "نخست یهود" این برای تأکید تکرار شده است. یهودی از لحاظ فرصت در درجه اول بود چون آنها مکاشفه خدا را در دست داشتند (م. ک. 1: 16؛ متی 10: 6؛ 15: 24؛ یوحنا 4: 22؛ اعمال 3: 26؛ 13: 46)، اما همچنین نخست در داوری (م. ک. 9-11) زیرا آنها مکاشفه خدا را داشتند (م. ک. 9: 4-5).

## 11: 2

NKJV،NASB "زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود"

NRSV "زیرا خدا تبعیض نشان نمی دهد"

TEV "زیرا خدا همه را با همان محک داوری می نماید"

NJB "نزد خدا طرفداری نیست"

بطور تحت اللفظی این "چهره را رو به بالا کردن" است، که استعاره ای است از نظام قضایی عهد عتیق (م. ک. لاو 19: 15؛ تث 10: 17؛ 2 قرن 19: 7؛ اعما 10: 34؛ غلا 2: 6؛ افس 6: 9؛ کولس 3: 25؛ 1 پتر 1: 17). اگر قاضی می دید برای چه کسی دارد قضاوت میکند، احتمال طرفداری وجود داشت. ازین رو، او نمی بایست چهره فردی را که در برابر او ایستاده بود رو به بالا نماید.

## عنوان خاص: نژاد پرستی

### I. پیشگفتار

- الف. نژاد پرستی در سراسر جهان، سیمای انسان سقوط کرده در جامعه خویش است. نفس و ضمیر انسان است که با حقیر ساختن دیگران میخواد خود را ارتقاء دهد. از بسیاری لحاظ، نژاد پرستی، پدیده ای است امروزی، در حالیکه ملت پرستی (یا قبیله گرایی) نمونه های قدیمی تر آن میباشند.
- ب. ملت پرستی در بابل آغاز شد (پیدا 11) و در اصل مرتبط به سه پسر نوح بود، که آنچه به عنوان نژادها نامیده شده اند، از ایشان پدیدار گشته اند (پیدا 10). معهدا از کتاب مقدس مسلماً بر می آید که همه انسان ها از یک مأخذ هستند (م.ک. پیدا 1-3؛ اعمال 17: 24-26).
- ج. نژاد پرستی صرفاً یکی از انواع تعصب است. برخی دیگر عبارتند از: (1) خودبینی برپایه تحصیلات، (2) تکبر بخاطر موقعیت اجتماعی - اقتصادی (3) قانون گرایی مذهبی همراه با «خود پارسا انگاری» و (4) وابستگی های سیاسی همراه با تحجر و مطلق اندیشی عقاید خود.

### II. مطالب کتاب مقدسی

#### الف. عهد عتیق

1. پیدا 1: 27 - انسان ها، مرد و زن، به صورت و شباهت خدا آفریده شدند، و این امر آنها را منحصر به فرد می سازد. نیز نشانگر شأن و ارزش فردی آنهاست (ر.ک. یوحنا 3: 16)
2. پیدا 1: 11-25 - این بخش عبارت "مطابق جنس خود..." را ده بار درج می نماید. از این مورد برای پشتیبانی از جدا سازی نژادی استفاده کرده اند. اما در متن واضح است که مقصود درینجا حیوانات و گیاهان می باشند نه بشریت.
3. پیدا 9: 18-27 - از این بخش برای پشتیبانی از برتری نژادی استفاده شده است. باید تذکر داد که خدا کنعان را ملعون نساخت. نوح، پدر بزرگ کنعان، پس از بیداری از رخوت مستانه خود، او را لعنت نمود. در کتاب مقدس هرگز نوشته نشده است که خدا این قسم / لعنت را مورد تأیید قرار داد. حتی اگر خدا چنین کرده بود، این اثری بر نژاد سیاه پوست ندارد. کنعان پدر جد کسانی بود که در فلسطین اقامت داشتند، و نقوش هنری دیواری در مصر نشان می دهند آنان سیاه پوست نبوده اند.
4. یوشع 9: 23 - عده ای از این آیه استفاده کرده اند تا ثابت کنند نژادی، نژاد دیگر را خادم خواهد بود. اما در چارچوب متن، جَبَعُونی ها از همان اصل و نسب یهود هستند.
5. عزرا 9-10 و نحμία 13 - اغلب از این بخش ها به معنای نژادی استفاده شده است، اما چارچوب متن نشان میدهد که ازدواج ها بخاطر نژاد مورد محکومیت نبودند (آنان از نسل همان پسر نوح بودند، پیدایش 10)، بلکه بدلائیل مذهبی.

#### ب. عهد جدید

##### 1. اناجیل

- 1.1 عیسی چندین بار به تنفر بین یهود و سامریان اشاره نمود، که دال بر بیجا بودن و بیموردی نفرت نژادی است.
  - (1) داستان سامری نیکو (لوقا 10: 25-37)
  - (2) زنی در کنار چاه (یوحنا 4)
  - (3) جذامی قدر شناس (لوقا 17: 7-19)
- 2.1 انجیل برای کل بشر است
  - (1) یوحنا 3: 16

(2) لوقا 24: 46-47

(3) عبرانیان 2: 9

(4) مکاشفه 14: 6

3.1 «ملکوت»، در بر گیرنده کل بشر خواهند بود.

(1) لوقا 13: 29

(2) مکاشفه 5

2. اعمال رسولان

1.2 باب 10 اعمال، متن قطعی و نهایی دال بر محبت عالمگیر خدا و پیام همگانی انجیل است.

2.2 پطرس را بخاطر کارهایش در اعمال رسولان، باب 11، شدیداً مورد انتقاد قرار دادند و این مسئله تا برگزاری شورای اورشلیم در اعمال باب 15، و نتیجه گیری آنان، حل و فصل نشد. تنش ها در قرن اول بین یهودیان و غیر یهود بسیار شدید بودند.

3. پولس

1.3 در مسیح هیچگونه دیوار جدایی وجود ندارد

(1) غلاطیان 3: 26-28

(2) افسسیان 2: 11-22

(3) کولسیان 3: 11

2.3 خدا بین افراد تبعیض قائل نمی شود

(1) رومیان 2: 11

(2) افسسیان 6: 9

4. پطرس و یعقوب

1.4 خدا بین افراد تبعیض قائل نمی شود، 1 پطرس 1: 17

2.4 از آنجا که خدا طرفداری نشان نمی دهد، پس قوم او نیز نباید چنان کاری بکنند،

یعقوب 2: 1

5. یوحنا

1.5 یکی از قوی ترین اظهارات در مورد مسئولیت ایمانداران، در 1 یوحنا 4: 20 یافت میشود

### III. نتیجه

الف. نژاد پرستی، یا در همین خصوص هرگونه تعصب، از طرف فرزندان خدا ناروا و بیجا است. «هنلی بارنت» در مجمعی در گلوریتا، نیو مکزیکو از طرف «کمسیون روش زندگی مسیحی» چنین گفت:

"نژاد پرستی تمرد است چون بر خلاف کتاب مقدس و مسیحیت می باشد، و پر واضح است که بر خلاف دانش نیز هست."

ب. این مشکل به مسیحیان فرصت می دهد تا محبت، بخشش و تفاهم مسیحیایی خود را به جهان گمراه نشان دهند. اگر فرد مسیحی ازینکار امتناع کند، عدم بلوغ فکری خود را می رساند و به شریک فرصت میدهد تا ایمان، اطمینان، و رشد او را کند و معوق سازد. این امر نیز از روی آوردن مردمان گمراه بسوی مسیح جلوگیری می کند.

ج. من چه نقشی می توانم داشته باشم؟ (این بخش، از یک جزوه «کمسیون روش زندگی مسیحی» با عنوان «روابط نژادی» بر گرفته شده است)

"در سطح شخصی"

- \* مسئولیت خود را برای حل مسائلی که مربوط به نژادها هستند بپذیرید.
  - \* از طریق دعا، مطالعه کتاب مقدس، و مشارکت با دیگر نژادها، کوشش کنید تعصب نژادی را از زندگی خود بزدايید.
  - \* اعتقادات راسخ خود را در باره ی نژادها بیان کنید، خصوصاً بهنگامی که بعضی تنفر نژادی را در دیگران تحریک کنند و کسی اعتراضی نکند.
- "در زندگی خانوادگی"
- \* بپذیرید که خانواده چه تأثیر پراهمیتی در پرورش نگرش نسبت به نژاد های دیگر دارد.
  - \* سعی کنید با مطرح کردن آنچه کودکان و والدین در باره مسائل نژادی در خارج از منزل می شنوند، نگرش های مسیحی در آنها پرورش دهید.
  - \* والدین باید در طرز رفتار و روابط خود با نژاد های دیگر، مراقب باشند نمونه مسیحی برای دیگران ایجاد کنند.
  - \* بدنبال فرصت هایی باشید تا دوستی های خانوادگی با اشخاصی که از نژاد های دیگر هستند ایجاد کنید.
- "در کلیسای خود"
- \* بوسیله موعظه و تعلیم حقایق کتاب مقدس در باره نژادها، می توان اعضای کلیسا را تشویق نمود تا برای تمامی جامعه نمونه باشند.
  - \* اطمینان حاصل کنید که برای پرستش، مشارکت، و خدمت درهای کلیسا بروی همه باز باشد، همانطور که در کلیساهای عهد جدید هیچگونه موانع نژادی قائل نمی شدند. (افس 2: 22-11؛ غلا 3: 26-29)
- "در زندگی روزانه"
- \* برای غلبه بر همه نوع فرق گذاری نژادی در عرصه جهانی کار، یاری دهید.
  - \* از طریق سازمانهای متنوع جامعه، برای تأمین حقوق و امکانات برابر اقدام کنید، و بیاد داشته باشید که آنچه باید مورد حمله قرار گیرد مسئله نژادی است، نه مردم. هدف، پیشبرد تفاهم است نه ایجاد کنورت و تلخی.
  - \* اگر بنظر معقول است، هیئت مخصوصی از شهروندان دغدغه دار و آرمان دار تشکیل دهید تا برای آموزش عموم مردم و اقدامات معین در بهبود روابط نژادی، سر صحبت در جامعه باز شود.
  - \* از قانون گذاری و قانون گزاران در تصویب قوانینی پشتیبانی کنید که عدالت نژادی را ترویج می نمایند، و با آنانی مخالفت کنید که از تعصب، برای نفع سیاسی سوء استفاده میکنند.
  - \* از مقامات پلیس و مجریان قانون، برای اجرای غیر متعصبانه قوانین، تقدیر نمایید.

\* خشونت را مردود دارید، و در پی ارتقاء احترام نسبت به قوانین بکوشید. بعنوان شهروند مسیحی، هرچه از دستتان بر میآید انجام دهید تا اطمینان حاصل شود ساختارهای قانونی ابزار دست کسانی نگردند که تبعیضات را پیشبرد خواهند داد.

\* در تمامی روابطتان با مردم، نمونه ای باشید از روح و فکر مسیح.

## متن NASB (بروز آمده): 2: 12-16

<sup>12</sup> زیرا همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده اند، بدون شریعت نیز هلاک خواهند شد، و همه کسانی که زیر شریعت گناه کرده اند بوسیله شریعت داوری خواهند شد. <sup>13</sup> زیرا شنوندگان شریعت نیستند که در نظر خدا پارسایند، بلکه عمل کنندگان شریعت پارسا شمرده خواهند شد. <sup>14</sup> چون وقتی غیر یهودیان که شریعت ندارند امور شریعت را به صرافت طبع بجا می آورند، اینان هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند. <sup>15</sup> با اینکار نشان میدهند که عمل شریعت بر دلشان نگاشته شده است، چنان که وجدانشان گواهی می دهد و افکارشان بطور متناوب، یا آنان را متهم می کند یا از آنها دفاع می نماید. <sup>16</sup> این در روزی به وقوع خواهد پیوست که خدا بنا بر انجیل من، رازهای انسانها را به توسط عیسی مسیح به محاکمه کشد.

2: 12 "زیرا همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده اند" خدا همه انسانها را مسئول خواهد دانست، حتی اگر عهد عتیق یا انجیل هرگز بگوششان نرسیده باشد. همه مردم بوسیله خلقت (ر.ک. 1: 19-20؛ مز 1: 19-20؛ 6)، و درک اخلاقی ذاتی (ر.ک. 2: 14-15) تا حدی در مورد خدا اطلاع دارند. وضعیت اُسف بار اینست که همه، از نوری که آنها را روشن ساخته عمداً سر پیچی کرده اند (ر.ک. 1: 21-23؛ 3: 9، 19، 23؛ 11: 32؛ غلا 3: 22).

□ "شریعت" «حرف تعریف» با واژه "شریعت" بکار نرفته است. این ساختار دستوری معمولاً کیفیت «اسم» را تأکید می کرد. اما، در کتاب رومیان، پولس از "شریعت" برای اشاره به چند چیز مختلف استفاده می کند (1) قانون روم؛ (2) شریعت موسوی؛ یا (3) ایده و مفهوم آداب و رسوم اجتماعی انسانی بطور عام. متن، و نه «حرف تعریف»، باید نشان دهد کدامیک می باشد. این متن تأکید می کرد که همه انسان ها تا حدی از مکاشفه طبیعی خدا که خود را مکشوف ساخت، قلباً با خیر هستند (م.ک. آیه 15)

2: 13 " زیرا شنوندگان شریعت نیستند که در نظر خدا پارسایند،" کاربردی که معلمین یهود از کلمه "شنوندگان" داشتند، مفهوم تخصیص یافته ی آن بود، یعنی شاگردان تورات در مدارس این معلمین. بیاد داشته باشید که نویسندگان عهد جدید به عبری فکر می کردند و به زبان «کوی نه» [Koine] یونانی می نوشتند. بنابراین، تجزیه کلمات باید از «ترجمه هفتاد» شروع گردد، نه از لغت نامه یونانی.

واژه "پارسا" یا "پارسا شمرده شده" (*kikē* به همه شکل آن) در الهیات پولس کلمه بسیار مهمی است (ر.ک. 3: 4، 20، 24، 26، 28، 30؛ 4: 2، 5؛ 5: 1، 9؛ 6: 7؛ 8: 30، 33). کلمات "پارسا" یا "پارسا کردن" و "پارسا شماری"، "نیک" و "کاملاً نیک ساختن"، همگی از کلمه *dikaios* برگرفته شده اند. به عنوان خاص "کاملاً نیک ساختن" در 1: 17 رجوع نمایید. در عبری کلمه (*tsadag*) در اصل اشاره داشت به یک نی راست و بلند (15 تا 20 فوت) که برای اندازه گیری دیوار و حصار، بعنوان مثال، و بجای شاقول بکار میرفت. این کلمه بعد ها در ارتباط با خدا بعنوان محک داوری و قیاس، تشبیهاً استفاده شد.

در نوشته های پولس، این کلمه دو موضوع را تأکید می نمود. اول، نیکی کامل خود خدا به صورت هدیه رایگان، بوسیله ایمان به مسیح، به بشر گناهکار داده شده است. به این اغلب «نیکی کاملی» می گویند که

نسبت داده شده است یا «نیکی کامل» از لحاظ حقوقی است. این کلمه به وضعیت قانونی شخص در برابر خدای نیک کامل اشاره دارد. مضمون معروف پولس در مورد "پارسا شمرده شدن توسط ایمان" ازین بر گرفته شده است. دوم، در مورد عمل خداست برای بازگردانیدن انسان گناهکار به شباهت خود خدا (ر.ک. پیدای 1: 26-27)، یا به عبارت دیگر، ایجاد شباهت به مسیح است. این آیه - مثل متی 7: 24، لوقا 8: 21 و 11: 28؛ یوحنا 13: 17؛ یعقوب 1: 22-23، 25 - ایمانداران را برمی انگیزد تا عمل کنندگان باشند، نه تنها شنوندگان. نیکی کاملی که بحساب شخص گذاشته می شود نتیجه اش باید زندگی کاملاً نیک باشد. خدا گناهکاران را می بخشد و عوض می کند! کار برد پولس هم از لحاظ شرعی و هم اخلاقی بود. معاهده جدید، به انسان ها از لحاظ شرعی اعتبار می بخشد اما شیوه زندگی خدا پسندانه ای را نیز ایجاب می کند. آن رایگان هست، اما بهای سنگین دارد.

▣ "اما کنندگان شریعت" شناختن خدا، شیوه زندگی جدید و مطیعانه را ایجاب می کند (ر.ک. لاو 18: 5، متی 7: 24-27؛ لوقا 8: 21؛ 11: 28؛ یوحنا 13: 17؛ یعقوب 1: 22-25؛ 2: 14-28). از بسیاری لحاظ این مفهوم مشابه کلمه عبری *shema* است که معنی آن شنیدن برای به عمل گزاردن بود (ر.ک. تث 5: 1؛ 6: 4؛ 9: 1؛ 20: 3؛ 27: 9-10).

14:2

NASB "چون وقتی غیر یهودیان که شریعت ندارند امور شریعت را به صرافت طبع بجا می آورند، اینان هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند."

NKJV "چون وقتی غیر یهودیان، که شریعت ندارند، آنچه در شریعت درج شده را به صرافت طبع انجام می دهند، اینان، هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند."

NRSV "هنگامی که غیر یهودیان که فاقد شریعتند، به صرافت طبع آنچه شریعت ایجاب میکند انجام می دهند، اینان، هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند."

TEV "غیر یهودیان که فاقد شریعتند، اما هر گاه از روی اراده آزاد خود، آنچه شریعت امر میکند انجام می دهند، خود برای خویشتن شریعتی هستند، اگر چه فاقد شریعتند"

JB "بعنوان مثال، بی دینان که هرگز از شریعت چیزی نشنیده اند، اما بوسیله معقولیت هدایت می شوند تا آنچه شریعت امر میکند انجام دهند، درست است که عملاً «دارای» شریعت نیستند، لیکن می توان گفت آنها خویشتن، «شریعت» هستند"

تمامی فرهنگ ها، یک قانون اخلاقی و یک معیار قانونی اجتماعی در خود دارند. همه آنها بخاطر نوری که یافته اند مسئول می باشند (ر.ک. 1 قرن 9: 21). مقصود ازین آیه این معنی ضمنی نبوده است که اگر مطابق فرهنگ خود زندگی کنند خدا آنها را نیک محسوب خواهد کرد، بلکه آنها بخاطر اینکه ذاتاً از خدا با خبرند مسئول شناخته می شوند.

2: 15 "چنان که وجدانشان گواهی می دهد و افکارشان بطور متناوب، یا آنان را متهم می کند یا از آنها دفاع می نماید." ندای درونی و اخلاقی وجود دارد. اما تنها به کتاب مقدس، که نور روح القدس آنرا روشن ساخته است، می توان کاملاً اطمینان کرد. وضعیت سقوط کرده ما، بر وجدان های ما اثر گذاشته است. اما، خلقت (1: 18-20) و این شریعت درونی و اخلاقی (2: 14-15) تنها آگاهی هایی از خدا هستند که بعضی انسان ها از آن برخوردارند. کلمه ای در عبری وجود نداشت که همپراز کلمه یونانی "وجدان" (*syneidesis*) باشد. موضوع آگاهی اخلاقی و درونی، از درست و غلط راه، فلاسفه رواقی اغلب مورد بحث قرار میدادند. پولس از زمان تحصیلات پیشین خود در طرسوس، با فلاسفه یونان بخوبی آشنایی داشت (او در اعمال 17: 28 از Cleanthes نقل قول میکند و نیز در 1 قرن 15: 33 از Menander، و از



Epimenides در تیطس 1: 12). شهر او، طرسوس، معروف به داشتن مدارس بسیار برجسته در رشته های فلسفه و فصاحت یونانی بود.

## 2: 16 "در روزی" رجوع کنید به یادداشت در مورد 2: 5.

□ "بنا بر انجیل من" در متن، این اشاره بود به موعظه پولس در مورد مکاشفه عیسی مسیح. «ضمیر» "من" نشانگر درک پولس از خدمت انجیل بود که به او سپرده شده بود (ر.ک. 16: 25؛ 1: 15؛ 1: 11؛ 1: 11؛ 1 تیمو 1: 11؛ 2 تیمو 2: 8). این منحصرأ از آن او نبود، اما بعنوان رسول برای غیر یهودیان، مسئولیت بسیار زیادی را برای پیشبرد حقیقت در مورد عیسی در دنیای رومی- هلنیستی، احساس میکرد.

□ "خدا ... رازهای انسانها را ... به محاکمه خواهد کشید". خدا از دل همه کس خبر دارد (ر.ک. 1 سمو 2: 7؛ 7: 16؛ 7: 1؛ 8: 39؛ 1: 28؛ 9: 2؛ 6: 30؛ 3: 7؛ 9: 44؛ 21: 139؛ 1-6؛ امثال 15: 11؛ 21: 2؛ 2: 21؛ 2: 11؛ 17: 10؛ 20: 12؛ 15: 16؛ 1: 24؛ 8: 15؛ 8: 27؛ 2: 23). پدر، با وساطت «پسر»، هم محرک و هم عمل را تحت تجدید نظر قضایی قرار خواهد داد (متی 25: 31-46؛ مکا 20: 11-15).

□ "به توسط عیسی مسیح" عیسی نیامد تا بعنوان داور عمل کند (ر.ک. یوحنا 3: 17-21). او آمد تا خدای پدر را مکشوف سازد، بجای ما بمیرد، و به ایمانداران الگویی برای پیروی بدهد. هنگامی که مردم عیسی را رد می کنند، خود را داوری می نمایند. اما، عهد جدید همچنین تعلیم می دهد که عیسی در داوری بعنوان نماینده «پدر» عمل خواهد کرد (ر.ک. یوحنا 5: 22، 27؛ اعمال 10: 42؛ 17: 31؛ 2 تیمو 4: 1). تنش بین عیسی بعنوان «داور» و / یا «نجات دهنده» را می توان در انجیل یوحنا مشاهده کرد (ر.ک. 3: 17-21 در مقابل 9: 39).

### متن NASB (بروز آمده): 2: 17-24

<sup>17</sup> حال، اگر تو یهودی خوانده می شوی و به شریعت تکیه داری و به خدا می بالی، <sup>18</sup> و اراده او را می دانی و آنچه مهم و اساسی است را تأیید می کنی، چون از شریعت تعلیم یافته ای، <sup>19</sup> و اطمینان داری که تو خود راهنمای کوران و نور ظلمت نشینانی، <sup>20</sup> تو که تصحیح کننده جاهلان و تعلیم دهنده به نابالغان هستی چون در شریعت از تبلور معرفت و حقیقت برخورداری، <sup>21</sup> پس تو که دیگری را تعلیم می دهی، آیا خود را نمی آموزانی؟ تو که بر ضد دزدی موعظه می کنی، آیا خود دزدی می کنی؟ <sup>22</sup> تو که می گویی نباید زنا کرد، آیا خود، زنا می کنی؟ تو که از بتها نفرت داری، آیا خود، معبدها را غارت می کنی؟ <sup>23</sup> تو که به شریعت می بالی، آیا با زیر پا گذاشتن شریعت، به خدا بی حرمتی می کنی؟ <sup>24</sup> برای آنکه "به سبب شما، غیر یهودیان به نام خدا کفر می گویند." چنانکه نوشته شده است.

2: 17 "اگر" این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، برای مقاصد ادبی اش، واقعیت فرض گرفته می شود. این شرط تا آیه 20 ادامه می یابد، اما نتیجه گیری نمی شود. بنابر این TEV، آنها را تأییداتی که عیسی ممکن بود انجام دهد فرض میگیرد، و بدان عنوان ترجمه می کند. یهودیان برای رستگاری، متکی به اصل و نسب خود، سنت ها، و طرز انجام فرایض بودند (ر.ک. متی 3: 9؛ یوحنا 8: 33، 37، 39).

□ "به خدا می بالی" بسیاری از یهودیان، برای آنکه خدا آنها را بپذیرد، متکی به این راه ها بودند: (1) اصل و نسب نژادی خود و (2) آنطور که شخصاً شریعت موسوی را انجام می دادند. اما، شریعت گرایی آنها که همراه بود با «خود پارسا بینی»، آنها را از خدا جدا میساخت (ر.ک. متی 5: 20؛ غلا 3). چه وضعیت وارونه تأسف باری!

### عنوان خاص: به خود بالیدن

این کلمات یونانی *kauchēsis* و *kauchēma*، *kauchaomai* حدود سی و پنج بار توسط پولس و تنها دو بار در بقیه عهد جدید بکار برده شده اند (آن دو در یعقوب میباشند). کاربرد اصلی آن در 1 و 2 قرننتیان است.

در ارتباط با فخر کردن دو واقعیت وجود دارد.

- \* هیچ انسانی در برابر خدا فخر نخواهد کرد/بخود نخواهد بالید (ر.ک. 1 قرن 1: 29؛ افس 2: 9)
  - \* ایمانداران در خداوند فخر خواهند کرد (ر.ک. 1 قرن 1: 31؛ 2 قرن 10: 17، که اشاره به ارمیاء 9: 23-24 است). بنابر این، فخر کردن/ بالیدن درست و نیز نامتناسب وجود دارد (یعنی غرور).
1. متناسب

- 1.1 در امید جلال (ر.ک. روم 4: 2)
- 1.2 در خدا توسط عیسی خداوند (ر.ک. روم 5: 11)
- 1.3 در صلیب عیسی مسیح خداوند (به عبارت دیگر مضمون اصلی پولس، ر.ک. 1 قرن 1: 17-18؛ غلا 6: 14)
- 1.4 پولس به این موارد فخر میکند
  - (1) خدمت بی مزد خود (ر.ک. 1 قرن 9: 15 ، 16؛ 2 قرن 10: 12)
  - (2) اختیار او از طرف مسیح (ر.ک. 2 قرن 10: 8، 12)
  - (3) فخر نکردن او به آنچه دیگران کرده اند (که بعضی در قرننتس می کردند، ر.ک. 2 قرن 10: 15)
  - (4) میراث او از لحاظ اصل و نسب (آنطور که دیگران در قرننتس نیز می کردند، ر.ک. 2 قرن 11: 17؛ 12: 1 ، 5 ، 6)
  - (5) کلیسا های او
    - (5.1) قرننتس (2 قرن 7: 4 ، 14؛ 8: 24؛ 9: 2؛ 11: 10)
    - (5.2) تسالونیکیه (ر.ک. 2 تسالونیکیه 1: 4)
  - (6) اعتماد او به تسلی و نجات خداوند (ر.ک. 2 قرن 1: 12)

### 2. نامتناسب

- 2.1 در ارتباط با اصل و نسب یهودی
- 2.2 بعضی در کلیسای قرننتس فخر میکردند به
  - (1) انسان (ر.ک. 1 قرن 3: 21)

(2) حکمت (ر.ک. 1 قرن 4: 7)

(3) آزادی (ر.ک. 1 قرن 5: 6)

2.3 معلمین کاذب سعی می کردند به کلیسای قرنتس فخر کنند (ر.ک. 2 قرن 11: 12)

2: 18 "تأیید" به عنوان خاص در مورد آزمودن در ذیل مراجعه نمایید

عنوان خاص: واژه های یونانی برای "آزمودن" و مفاهیم ضمنی آنها

دو کلمه یونانی هستند که مفهوم «آزمودن کسی برای هدفی» را دارند.

1. *dokimasia* ، *dokimion* ، *Dokimazō*

این کلمه در فلز کاری برای آزمایش واقعی بودن چیزی (بطور استعاره: کسی) بوسیله آتش استفاده می شود. آتش با سوزانیدن و جدا کردن مواد غیر (خالص کردن) ، فلز واقعی را نمایانگر می سازد. این فرایند فیزیکی اصطلاح بسیار قوی شد که در مورد خدا و/ یا اشخاص، در زمان آزمودن دیگران بکار میرفت. این کلمه تنها با مفهوم مثبت «آزمودن به منظور پذیرفتن» می باشد.

1.1 گاوان، لوقا 14: 19

1.2 خود ما (1 قرن 11: 28)

1.3 ایمان ما، یعقوب 1: 3

1.4 حتی خدا، عبرانیان 3: 9

نتیج این آزمون ها مثبت فرض گرفته شده اند (ر.ک. روم 1: 28؛ 14: 22؛ 16: 10؛ 2 قرن 10: 18؛ 13: 3؛ فیلیپیان 2: 27؛ 1 پطرس 1: 7). بنابراین، واژه مفهوم کسی را میرساند که دارد امتحان می شود و به اثبات می رسد که او

1.1 ارزنده است

1.2 نیکو است

1.3 خالص و بی ریا است

1.4 پر بهاست

1.5 مورد احترام است

2. *peirasmōs* ، *Peirazō*

معنی ضمنی این واژه آزمودن به مقصود عیب جویی و مردود کردن است. آن اغلب در ارتباط با وسوسه عیسی در بیابان استفاده می شود.

2.1 سعی برای بدام انداختن عیسی را می رساند (ر.ک. متی 4: 1؛ 16: 1؛ 19: 3؛ 22: 18، 35؛ مرقس 1: 13؛ لوقا 4: 2؛ 10: 25؛ عبر 2: 18).

2.2 واژه (*peirazō*) به صورت عنوان شیطان در متی 4: 3؛ 1 تسالونی 3: 5 بکار رفته است.

- 2.3 این واژه را (شکل مرکب آن، *peirazō*) عیسی، برای آنکه خدا را امتحان نکنند، بکار میبرد (ر.ک. متی 4: 7؛ لوقا 4: 12؛ نیز به 1 قرن 10: 9 مراجعه کنید)
- 2.4 در ارتباط با وسوسه و سختی های ایمانداران بکار رفته است (ر.ک. 1 قرن 7: 5؛ 10: 9، 13؛ غلا 6: 1؛ 1 تسلا 3: 5؛ عبر 2: 18؛ یعقوب 1: 2، 13، 14؛ 1 پتر 4: 12؛ 2 پتر 2: 9).

□ "شریعت" آیات 17 به بعد در مورد یهودیان است، پس، واژه "شریعت" درین متن، باید رجوع به شریعت موسی باشد. این موضوع بوسیله آیه 25 که در مورد ختنه است تصدیق می شود.

**20-18:** رهبران یهود معتقد بودن طریق آنها (مسلک آنها در یهودیت) طریق صحیح بود و تنها راه بسوی خدا بود. آنها مطمئن بودند که خود معلمین واقعی و درست در امور مذهبی هستند. مزیت و مقام، مسئولیت به همراه دارد (ر.ک. لوقا 12: 48).

به عباراتی که موازات و مشابه هستند - در مورد اطمینان آنها - توجه کنید:

1. راهنمای کوران، آیه 19
2. نور ظلمت نشینانی، آیه 19
3. تصحیح کننده جاهلان، آیه 20
4. تعلیم دهنده به نابالغان، آیه 20
5. در شریعت از تبلور معرفت و حقیقت برخوردار، آیه 20

**24-21:** اگر اعتماد شخص به اطاعت شخصی باشد، بدین سان آن اطاعت باید کامل باشد (ر.ک. متی 5: 20، 48؛ غلا 3: 10 که نقل قولی است از تثنیه 27: 26 و یعقوب 2: 10). چنین چیزی برای انسان سقوط کرده غیر ممکن است. پولس در آیات 21-23 برای خوانندگان/ شنوندگان یهودی اش سئوالات فصیحانه [سئوالات که جوابشان مسلم و امر بدیهی است] مطرح میکند.

## 22: 2

**22:** "از بتها نفرت داری" پی بردن به مقصود پولس در آیات 22-23 مشکل است. از آنجا که این توصیف با اکثر یهودیان زمان پولس مطابقت ندارد، ممکن است منظور ازین گناهان در یک معنای روحانی است، مشابه به روشی که عیسی، شریعت را در متی 5: 20-48 تفسیر نمود. جرج لَد، در «الهیات عهد جدید» می گوید: "شاید منظور پولس اینست که آنها، بدینوسیله که خود را در جایگاه بلند داور و ارباب نسبت به همنوعان خود قرار داده اند، آن احترامی را که شایسته خداست ازو سلب نموده اند - که زنای روحانی می باشد - و آن پرستشی را که تنها به خدا روا است بی حرمت کرده اند." صفحه 505.

□ آیا خود، معبدها را غارت می کنی؟ از لحاظ تاریخی منظور این عبارت مشخص نیست، اما به انحایی مربوط به بت پرستی میشده است.

**2:24** این نقل قول از اشعیا 52: 5 در «ترجمه هفتاد» می باشد. منظور از برکت دادن خدا به اسرائیل بخاطر اطاعت از معاهده (ر.ک. تثنیه 27-28)، این بود که شهادتی برای دنیا باشد. اما، اسرائیل هرگز از معاهده پیروی نکرد. بنابراین، دنیا تنها داوری خدا را مشاهده نمود (ر.ک. حز 36: 22-32). برنامه این بود که اسرائیل، پادشاهی کاهنان باشد (ر.ک. خروج 19: 5-6)، تا آنکه تمامی دنیا را به سوی یهوه بیاورد (ر.ک. پیدای 12: 3؛ افس 2: 11 – 3: 13). به عنوان خاص "پیش داوری های «باب» [نویسنده کتاب] بر پایه تعالیم کلیسای انجیلی" در 1: 5 رجوع کنید.

### متن NASB (بروز آمده): 2: 25-29

<sup>25</sup> زیرا حقیقتاً ختنه آنگاه ارزش دارد که شریعت را به جا آورید؛ اما اگر نامطیع شریعت هستید، ختنه شما نا مختونی شده است.<sup>26</sup> بدین سان اگر شخصی که ختنه نشده است، مطالبات شریعت را به جا آورد، آیا نا مختونی او، ختنه به شمار نمی آید؟<sup>27</sup> و آن که در جسم ختنه نشده، اگر شریعت را نگاه دارد، آیا تو را داوری نخواهد کرد، تو را که با وجود برخورداری از شریعت نوشته شده و ختنه، شریعت را زیر پا می گذاری.<sup>28</sup> زیرا یهودی آن نیست که به ظاهر یهودی باشد، و ختنه نیز امری جسمانی و ظاهری نیست.<sup>29</sup> بلکه یهودی آن است که در باطن یهودی باشد و ختنه امری است قلبی که به دست «روح» انجام می شود، نه به وسیله اجرای تحت اللفظی شریعت. و تحسین او از طرف مردم نیست، بلکه از خداست،<sup>2</sup> بسیار از هر لحاظ. نخست آنکه کلام خدا بدیشان به امانت سپرده شد.

**2: 25** "ختنه" پولس هنوز از «گفتار اعتراض آمیز» استفاده می کند. شخصی این ادعا را پیش می کشد که، خوب، ما حد اقل ختنه شده هستیم (ر.ک. 17: 10-11). ما از نسل ابراهیم هستیم. پولس این امید دلنبد یهودیان را به صراحت و جسورانه فرو می پاشد (ر.ک. متی 3: 7-10؛ یوحنا 8: 31-59). تمامی اقوام همسایه اسرائیل، بغیر از فلسطینی ها، ختنه را انجام میدادند. خود این عمل نبود که اهمیت داشت، بلکه ایمان پایدار و مستمر دریافت کننده مهم بود (ر.ک. آیات 26-27). این در مورد تمامی آئین های مذهبی مصداق دارد. مردم مذهبی اغلب خواستار برکات معاهده خدا هستند، اما بدون مسئولیت های آن.

**2: 25-26** "اگر...اگر...اگر" اینها سه «جمله شرطی نوع سوم» هستند که به عمل احتمالی در آینده اشاره دارند. اطاعت (ر.ک. تثنیه 27-30) در استدلال پولس در باب 2 کلیدی است، اما نه در 3: 21-31 (ر.ک. غلا 3).

**2: 26-27** این آیات امیدی را زنده نگاه میدارند که بعضی غیر یهودیان در مقابل پرتوی که آنها را منور ساخته است، پاسخ مثبت داده اند. تنها نمونه کتاب مقدسی ممکنه درین مورد کرنلیوس در اعمال باب 10 است. با این وجود، این آیه با کرنلیوس کاملاً مطابقت ندارد زیرا او خدا ترس بود و در کنیسه محلی عبادت می کرد.

این آیات، در حقیقت، نقطه مقابل استدلال پولس در باره نیاز یهود به نجات هستند. رومیان 3: 23 خلاصه این موضوع است که همه انسان ها بدون مسیح از لحاظ روحانی در هلاکت اند. اگر غیر یهودیانی وجود دارند که خلقت، و آگاهی درونی آنها از اخلاقیات، دلهاشان را روشن کرده است و طبق آن زندگی می کنند، خدا بنوعی، از یک راهی و در یک زمانی، فرصتی برایشان ایجاد خواهد کرد تا مسیح را بپذیرند.

**2: 28-29** "زیرا یهودی آن نیست...یهودی آن است" این بحث بسیار مهمی است زیرا بسط عقیده الهیاتی جدید «دوران های مختلف در کتاب مقدس» سعی دارد قوم خدا را در عهد عتیق، از قوم خدا در عهد جدید

متمایز ساخته یا محدود به دوره های خاصی نماید. تنها یک معاهده و یک قوم وجود دارد (ر.ک. رومیان 9: 6؛ غلا 3: 7-9، 29؛ 6: 16؛ 1 پطرس 3: 6). معاهده جدید تکمیل و تحقق معاهده قدیم است. قوم خدا همیشه بوسیله ایمان، قوم او بوده اند نه بخاطر اصل و نسب شان. آنها از روی دل و جان، قوم او هستند نه بوسیله آئین و مراسم دینی یا نژادشان. ایمان کلید است، نه والدین. نشان این موضوع، علامت معاهده نیست بلکه ذهنی است که معاهده را می پذیرد.

▣ "جسم" به عنوان خاص در 1: 3 رجوع کنید.

29: 2 ختنه به عنوان نشانه معاهده، (ر.ک. پیدا 17: 14) در عهد عتیق تشبیهی بود از پذیرا بودن شخص نسبت به خدا. آن بصورت استعاره صورت های جدیدی مختلفی بخود گرفت (1) ختنه قلبی (ر.ک. تثنیه 10: 16؛ ار 4: 4)؛ (2) ختنه گوش (ر.ک. ار 6: 10)؛ و (3) ختنه لب (ر.ک. خروج 6: 12، 30). هرگز مقصود این نبوده که شریعت یک قانون مدون خارجی و ظاهری باشد، بلکه تا اصولی باشد که زندگی ها را تحول بخشد. به عنوان خاص «دیدگاه های پولس از شریعت موسی» در 13: 9 رجوع کنید.

▣

"امری است قلبی که به دست «روح» انجام میشود، نه به وسیله اجرای تحت اللفظی شریعت"	NASB
"امری است قلبی، در «روح»، و نه در اجرای تحت اللفظی شریعت"	NKJV
"موضوعی است قلبی - روحانی است نه تحت اللفظی"	NRSV
"که کار روح خداست، نه شریعت نوشته شده"	TEV
"در قلب - چیزی که از [شریعت] تحت اللفظی نیست بلکه از روح است"	JB

این عبارت در یونانی مبهم است. بعضی ترجمه ها آنرا در اشاره به «روحانی» در تضاد با «تحت اللفظی» معنی میکنند (ر.ک. NRSV، «عهد جدید قرن بیستم»، ترجمه ناکس، ترجمه لمسا از پیشیتا، ترجمه ویلیامز و «ترجمه جدید برکلی»). ترجمه های دیگر تضاد را بین روح القدس، (ر.ک. 7: 6؛ 2 قرن 3: 6، در جاییکه ساختار مشابه ای وجود دارد) و متن نوشته شده می دانند (ر.ک. NASB، NKJV، NEB، NIV، و TEV).

پولس درین قسمت این واقعیت را مورد بحث قرار داده که امکان دارد بعضی غیر یهودیان اعمالی را در چارچوبی مجزا از شریعت، انجام دهند که خدا را خشنود سازند. اگر واقعیت این باشد، پس فرزندان خدا، بغیر از کسانی که ختنه جسمانی داشتند، شامل افراد دیگری نیز می شدند (ر.ک. غلاطیان). خانواده خدا بعلاوه اشخاص یهودی نژاد، بسیاری دیگر را نیز شامل می شود (ر.ک. پیدا 3: 15؛ 12: 3؛ خروج 19: 5)؛ ایوب، ملکصدق، یترون، کالیب، راحاب، و روت از نژاد یهود نبودند. حتی اقوام افرایم و منسه، دورگه مصری/عبرانی بودند (ر.ک. پیدا 41: 50-52).

## سئوالات برای گفتگو

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعه است، به این معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما در نوری که یافته ایم باید قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر اولویت دارید. نباید ازین حق خود صرفنظر کرده آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات برای گفتگو ارائه شده اند تا به شما در تفکر و تعمق موضوعهای این بخش کتاب یاری دهند. مقصود ازین سئوالات تفکر بر انگیزی است، نه آنکه نتیجه گیری خاصی را ارائه دهند.

1. بی وفایی یهودیان چه اثری بر وعده ی خدا دارد (3: 3-4)
2. آیا نزد خدا هیچگونه امتیازی برای یهودی بودن وجود دارد (3: 1-8)
3. «گفتار اعتراض آمیز [diatribe] چیست؟
4. مقصود از آنچه «گفتار اعتراض آمیز» فرض شده است، در آیات 5-8 چیست؟
5. اگر پارسا شمرده شدن، توسط فیض بوسیله ایمان انجام میگیرد و ربطی به اعمال ندارد، آیا طرز زندگی شخص واقعاً به حساب می آید (3: 8)؟
6. مفهوم الهیاتی شرارت کامل چیست (3: 10-18)
7. مقصود از شریعت موسی، یا قانون بطور عموم چیست (3: 20؛ غلا 3: 24-25)؟
8. چرا درباب های 1-3 که در مورد گناهان انسان است، اصلاً ذکری از شیطان نشده است؟
9. آیا وعده های عهد عتیق مشروط بر چیز هایی می باشند یا بلا شرط هستند؟
10. نقش و کاربرد شریعت موسی در زندگی های (1) غیر یهودیان و (2) یهودیان چیست؟
11. به زبان خود طرح کلی از استدلال های پولس در 1: 18 – 3: 20 را، پاراگراف به پاراگراف تهیه کنید.





## رومیان 3

تقسیمات پاراگراف ها در ترجمه های امروزی				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS <sup>4</sup>
وعدۀ خدا آنها را نجات نخواهد داد	یهودیان و شریعت (2: 17 – 3: 8)	مزیت یهودیان	دفاع از داوری خدا	یهودیان و شریعت (2: 17 – 3: 8)
8-1 :3	4-1 :3	8-1 :3	8-1 :3	8-1 :3
	6-5 :3			
	8-7 :3			
همه مقصّرند	هیچکس کاملاً نیکو نیست	همه مقصّرند	همه گناه کرده اند	هیچکس کاملاً نیکو نیست
18-9 :3	18-9 :3	18-9 :3	20-9 :3	20-9 :3
20-19 :3	20-19 :3	20-19 :3		
مکشوف شدن عدالت خدا	خدا چگونه با انسان ها مصالحه کرد	نیکی کامل حقیقی	نیکی کامل خدا توسط ایمان	کاملاً نیک شمرده شدن توسط ایمان
26-21 :3	26-21 :3	26-21 :3	26-21 :3	26-21 :3
ایمان چه می کند		فخر فروختن جایی ندارد	فخر فروختن جایی ندارد	
31-27 :3	31-27 :3	31-27 :3	31-27 :3	31-27 :3

دوره سوم مطالعه (به صفحه x رجوع نمایید)  
درک مقصود نویسنده اولیه در عرصه پاراگراف

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را منور ساخته است. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی، وحی نشده است اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، کلیدی است و کار تفسیر درینجاست. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

1. پاراگراف اول

2. پاراگراف دوم

3. پاراگراف سوم

4. و غیره

### مفاهیم استنباط شده در متن

الف. آیات 1-8، یک متن مربوط می باشند، اما درک منطق پولس مشکل است زیرا او از روشی فنی به اسم «گفتارِ اعتراض آمیز» (معتراضِ فرضی) استفاده می کند.

ب. بنظر می رسد که پولس عکس العمل یهودیان را به 2: 17-29 درینجا پیش بینی میکند، و ازین رو به اعتراضات آنها پاسخ می دهد (کُری، وان، «رومیان»، صفحات 37-39).  
1. سؤال اول. آیا واقعاً هیچ مزیت هایی برای یهودیان وجود ندارند؟ (آیات 1-2)  
2. سؤال دوم. آیا بخاطر بی ایمانی عده ای از یهودیان، کلام خدا بی نتیجه مانده است؟ (آیات 3-4)  
3. سؤال سوم. اگر خدا از یهودیان برای نمایان ساختن شخصیت خود استفاده کرده است، آیا یهودیان هنوز از لحاظ قضایی مسئول و موظف می باشند؟ (آیات 5-8)

ج. نتیجه گیری برمی گردد به 2: 11. خدا استثناء قائل نمی شود. همه مردم چون از نوری که بر زندگی آنها تابیده است پیروی نکرده اند جوابگو محسوب می شوند (مقصود از نور، مکاشفه طبیعی و/یا مکاشفه خاص است).

د. آیات 9-18 یک سری نقل قول ها از عهد عتیق هستند که گناهان یهودیان را شرح می دهند.

ه. آیات 19-20 وضعیت روحانی اسرائیل و هدف عهد عتیق را خلاصه می کنند (ر. بک. غلا 3).

و. آیات 21-31 خلاصه 1: 18 - 3: 20 هستند. آنها اولین نکته الهیاتی انجیل می باشند (به طرح کلی مختصر، صفحه 2 رجوع نمایید).

### مطالعه واژگان و عبارات

#### متن NASB (بروز آمده): 3: 1-8

<sup>1</sup> پس مزیت یهودی بودن چیست؟ یا ختنه چه ارزشی دارد؟<sup>2</sup> بسیار از هر لحاظ. نخست آنکه کلام خدا بدیشان به امانت سپرده شد.<sup>3</sup> پس چه باید گفت؟ اگر بعضی ایمان نداشتند، بی ایمانی آنها وفاداری خدا را باطل نخواهد ساخت - آیا خواهد ساخت؟<sup>4</sup> هرگز چنین مباد! بلکه باشد که خدا راستگو یافت شود، حتی اگر همه انسانها دروغگو یافت شوند، چنانکه نوشته شده است: "تا حقانیت «تو» در سخنان «تو» ثابت شود، و غالب آبی بهنگامی که «تو» داوری می شوی."<sup>5</sup> اما اگر نادرستی ما نیکی مطلق خدا را نشان می دهد، چه باید بگوییم؟ خدایی که غضب را وارد میکند، نادرست نیست - آیا هست؟ (به شیوه آدمیان سخن می گویم)<sup>6</sup> هرگز چنین مباد! وگرنه چگونه خدا دنیا را داوری خواهد کرد؟<sup>7</sup> اما اگر بوسیله دروغ من، راستی خدا وفور یافته او را جلال دهد، چرا من نیز هنوز به عنوان یک گناهکار داوری می شوم؟<sup>8</sup> و چرا نگوییم: "بباید بدی کنیم تا از آن خوبی به بار آید؟" - (آنطور که بما افترا زده، گفته اند و همانطور که بعضی ادعا کرده اند که ما میگوییم). محکومیت یافتن اینان منصفانه است.

3:1 "مزیت یهودی بودن چیست؟" پولس درینجا نیز از روش فنی «گفتار اعتراض آمیز» یا «معارض فرضی» استفاده میکند تا پیام خود را بازگو نماید. برای فهرستی از امتیازات یهودیان به 3:2 و 9:4-5 رجوع نمایید.

3:2 "نخست" پولس "نخست" را در 1:8 بکار می برد، اما بدون آنکه مورد دومی ذکر شود. اینکار را اینجا نیز میکند. نوشته های پولس آنقدر قوی و شدید و نیز دیکته شده بودند که ساختار های دستوری او اغلب ناتمام می باشند.

□ "کلام خدا بدیشان به امانت سپرده شد" در دست داشتن مکاشفه خدا مسئولیت پُر هیبت و نیز امتیاز عظیمی است (ر.ک. 9:4-5) آنان در مورد هدیه خدا نقش مسئول و پیشکار را داشتند (ماضی مطلق مجهول، ر.ک. 1 تسا 2:4).

کلمه *logion* (وحی ها) در «ترجمه هفتاد» برای کلامی که از خداست بکار رفته است (ر.ک. اعداد 24:4، 16؛ تث 33:9؛ مز 67:119؛ اشعیا 5:24؛ 13:28). این کلمه با همین مفهوم در عهد جدید، پیوسته بکار رفته است (ر.ک. اعا 7:38؛ عبر 5:12؛ 1 پتر 4:11).

3:3 "اگر": این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته میشود. آیات 5 و 7 نیز «جملات شرطی نوع اول» هستند.



NKJV، NASB "بعضی ایمان نداشتند"

JB، NRSV "بعضی بی وفا بودند"

TEV "گیریم که بعضی از آنها بی وفا بوده اند"

این می تواند اشاره ای باشد به (1) بی وفایی فردی یهودیان یا (2) عدم ایمان شخصی آنها به یهوه. درک عقلانی وعده های بلاشرط خدا (به عبارت دیگر باز خرید بشریت سقوط کرده)، و حکم شرطی که [لازم میسازد] انسان ها آنرا قبول یا رد کنند، کار مشکلی است. با این وجود، این یک پارادوکس کتاب مقدسی است [دو اظهار که در ظاهر متناقض اما در واقع همخوان و یکسان هستند] (ر.ک. 3:4-5). خدا وفادار است با اینکه قوم او چنین نیستند (ر.ک. هوشع 1، 3).

□ "لغو کردن" به «عنوان خاص» ذیل رجوع کنید.

### عنوان خاص: لغو و باطل کردن (*KATARGEŌ*)

این واژه (*katargeō*) یکی از کلمات مورد علاقه پولس بود. او حداقل بیست و پنج بار از آن استفاده کرده است، اما این واژه از لحاظ علم معنی شناسی، عرصه بسیار گسترده ای دارد.

الف. ریشه آن از لحاظ علم اشتقاق کلمات، از *argos* است که معانی ذیل را داشت:

1. نا فعال

2. از کار ایستاده

3. استفاده نشده

4. بی فایده

5. آنچه در حال کارکردن نیست

ب. واژه ترکیبی با *kata* برای بیان مفاهیم ذیل بکار میرفت:

1. عدم فعالیت

2. بی فایده‌گی

3. آنچه باطل شده است

4. آنچه حذف و از معادله بیرون شده

5. آنچه کاملاً از کار باز ایستاده شده است

ج. این واژه یکبار در لوقا برای توصیف درختی بی ثمر، و در نتیجه بی فایده، استفاده شده است (ر.ک. لوقا 13: 7)

د. پولس از آن با مفهوم تلویحی [در اشاره] بدو طریق اساسی استفاده میکند:

1. خدا چیزهایی را که بر ضد انسان‌ها هستند، نافع و بی اثر میکند

2.1 طبیعت گناهکار بشر – روم 6: 6

2.2 شریعت موسی در ارتباط با وعده "ذریّت [نسل]" از طرف خدا – روم 4: 14، غلا 3:

17؛ 5: 4، 11؛ افس 2: 15

3.2 نیروهای روحانی – 1 قرن 15: 24

4.2 "شخص بی دین" – 2 تسالونی 2: 8

5.2 مرگ جسمی – 1 قرن 15: 26؛ 2 تیموتی 1: 16 (عبر 2: 14)

2. خدا به جای آنچه قدیمی است (معاهده و دوره)، جدید را می آورد

1.2 مواردی که مرتبط به شریعت موسی می شدند – روم 3: 3، 31؛ 4: 14؛ 2 قرن 3:

7، 11، 13، 14

2.2 «قیاس» ازدواج که شریعت به آن تشبیه شده است – روم 7: 2، 6

3.2 امور این دوره – 1 قرن 13: 8، 10، 11

4.2 این بدن – 1 قرن 6: 13

5.2 رهبران این دوره – 1 قرن 1: 28؛ 2: 6

این واژه بصورت های بسیار متفاوتی ترجمه شده است اما معنی عمده اش این است که چیزی را به صورت بی فایده، باطل و بی اثر، از کار ایستاده و بی نفوذ درآورند، اما لزوماً معنی «آنچه وجود ندارد، از بین رفته، یا نابود شده» را ندارد.

4: 3

NASB "هرگز چنین مباد!"

TEV، NKJV "به هیچ روی!"

NRSV "به هیچ وجه!"

JB "چنین چیزی بی معنی است."

این استفاده نادری است از «وجه تمنّایی»، که آرزو یا دعایی را بیان می کند و باید ترجمه شود "هرگز چنین مباد". پولس اغلب از این عبارت حاوی ناباوری همراه با تعجب زدگی، استفاده می کرد چون او روش ادبی فنی «گفتار اعتراض آمیز» را بکار می گرفت (ر.ک. 3: 4، 6، 31؛ 6: 2، 15؛ 7: 7، 13؛ 9: 14؛ 11: 1؛ 1 قرن 6: 15، غلا 2: 17؛ 3: 21؛ 6: 14). پولس برای ردّ ادعایی فرضی با تأکید، از این روش استفاده می کرد.

شیوه های ادبی را ملاحظه کنید که پولس سئوالات و اظهارات «معترض فرضی» را با آنها رد میکند.

1. "هرگز چنین مباد" آیات 4، 6

2. "باشد که خدا راستگو یافت شود، حتی اگر همه انسانها دروغگو یافت شوند،" آیه 4
3. "(به شیوه آدمیان سخن می گویم)"، آیه 5
4. "(آنطور که بما افترا زده، گفته اند و همانطور که بعضی ادعا کرده اند که ما میگوییم)"، آیه 8

□ **"باشد که خدا راستگو یافت شود، حتی اگر همه انسانها دروغگو یافت شوند"** این «حال مجهول التزامی» است. تمرکز این ساختار روی وضعیتِ ادامه‌دارِ فاعل بود؛ خدا وفادار و حقیقت‌گو است، و انسان‌ها بی‌وفا و دروغگو هستند! این اشاره است به مز 116: 11 و مشابه آن چیزی است که ایوب در 32: 2؛ 40: 8 باید می‌آموخت.

درین فصل توجه داشته باشید گناه‌کار بودن، مطلبی عالمگیر است و پولس با استفاده از *pas* (همه، هر) در آیات 4، 9، 12، 19، 20، 23 و 24 این را نشان می‌دهد، اما نیز توجه کنید که، خدا را شکر، نجات در سراسر جهان در دسترس همه قرار گرفته است (ر.ک. 3: 22).

□ **"چنانکه نوشته شده است"** معنی آن بطور تحت‌اللفظی این است: "نوشته شده است و نگاشتن آن هنوز ادامه دارد". این "مجهول اخباری کامل" است. این بصورت یک اصطلاح فنی درآمد در بیان اینکه کتاب مقدس از وحی خداست (ر.ک. متی 5: 17-19). این نقلِ قولی از مز مور 51: 4 در «ترجمه هفتاد» (LXX) است.

**3: 5-6** استدلالی که پولس درین آیات میکند، مربوط به گزینه خاص خدا از اسرائیل بود تا از طریق آنها خدا با جهان ارتباط برقرار کند (ر.ک. پیدا 12: 3؛ خروج 19: 5-6). در عهد عتیق معنی "برگزیدن"، خدمت بود، نه امتیاز خاص. خدا با آنها پیمان بست. او وفادار ماند؛ آنها بی‌وفا شدند (ر.ک. نحیا 9). این امر که خدا، اسرائیل بی‌وفا را دآوری کرد، سندیتِ نیکی کامل اوست. هدف از اسرائیل این بود که آنها وسیله‌ای برای دسترسی به غیر یهودیان باشند. آنها قصور کردند (ر.ک. 3: 24)! در هدف خدا برای نجات عموم بشر، (ر.ک. پیدا 3: 15) خدشه‌ای بخاطر قصور اسرائیل وارد نشده است. در واقع، وفاداری خدا نسبت به معاهده اصلی خود، در رومیان 9-11 تصدیق می‌شود. اسرائیل بی‌ایمان، رد شده است اما یک اسرائیلِ ایمان‌دار، نقشه خدا را برای باز خرید، به اوج خواهد رسانید. «بیان اعتراض آمیز» پولس در آیات 5-6 مشابه آیات 7-8 است.

**3: 5 "اگر":** این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته می‌شود. آیات 3 و 7 نیز «جملات شرطی نوع اول» می‌باشند.

□ **"اگر نادرستی ما نیکی مطلق خدا را نشان می‌دهد"** «ضمیر» "ما" با مفهوم جمعی، باید اشاره به تمامی یهودیان، باشد. به عنوان خاص در 1: 17 رجوع نمایید.

□ **"چه باید بگوییم"** پولس از روش «گفتار اعتراض آمیز» داشت استفاده می‌کرد (ر.ک. 3: 5؛ 7: 7؛ 8: 31؛ 9: 14، 39). پولس با استفاده از «معارض فرضی»، اظهارات خود را روشن می‌نمود (ر.ک. ملاکی 1: 2، 6، 7، 12، 13؛ 2: 14، 17 {دو مرتبه}؛ 3: 7، 13، 14).

□

NASB (به شیوه آدمیان سخن می گویم)"  
NKJV (به عنوان شخص سخن می گویم)"

NRSV " (به طریق انسان سخن می گویم)"  
 TEV " (درینجا به مانند انسانها سخن می گویم)"  
 JB " ( - با استفاده از تشبیه انسانی - )"

پولس اغلب در استدلال های الهیاتی خود از منطق انسانی استفاده می کرد (ر.ک. 6: 19؛ 1 قرن 9: 8؛ غلا 3: 15). نقش این روش درینجا، وسیله ای برای رد اظهارات «معترض فرضی» است.

3: 7-8 موازات آشکار بین آیات 5 و 7 وجود دارد. پولس (1) یا هنوز دارد از شیوه ادبی «گفتار اعتراض آمیز» معترض فرضی، استفاده میکند (ر.ک. 3: 5، 7؛ 7: 7؛ 8: 31؛ 9: 14، 30) یا (2) در برابر انتقادی که از او بخاطر موعظه هایش در باره «پارسا شدن کامل، تنها بوسیله ایمان» شده است، پاسخ می دهد (ر.ک. آیه 8).

پولس مفصلاً اتهام را توضیح نمی دهد و جواب نمی گوید اما آن تهمت را قویاً محکوم می سازد. احتمال دارد اعتراض به «پارسا شدن از طریق ایمان برای نالایقان بدون هیچ بهایی»، این بوده که چنین چیزی، به بی قانونی یا حتی سرکشی خیانت آمیز بیشتری خواهد انجامید. پولس باور داشت نتیجه فیض رایگان، «شبهه به مسیح شدن» است که بوسیله یک روح جدید و زندگی پراز قدردانی انجام میگیرد! یهودیان، اخلاق گراهای یونانی، و پولس، همه خواستار زندگی اخلاقی برای کسانی بودند که به کیش آنان گرویده بودند! لیکن این با رعایت ظاهری مفاد قانون بدست نمی آید، بلکه با قلبی تازه (ر.ک. ارمیا 31: 31-34؛ حز 36: 22-36).

3: 7 این «جمله شرطی نوع اول» است (همچنین آیات 3 و 5) که از دیدگاه نویسنده یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت انگار می شود.

□ "و فور یافته" به «عنوان خاص» 15: 13 رجوع نمایید.

□ "او را جلال دهد" یادداشت مربوط به 3: 23 را ملاحظه نمایید.

متن NASB (بروز آمده): 3: 9-18

<sup>9</sup> پس چه؟ آیا ما از آنها بهتر هستیم؟ به هیچ روی؛ زیرا پیشتر ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانی هر دو زیر سلطه گناهند. <sup>10</sup> چنانکه نوشته شده است: "هیچ کس کاملاً نیک نیست، حتی یکنفر؛ <sup>11</sup> کسی نیست که بفهمد، کسی نیست که در جستجوی خدا باشد؛ <sup>12</sup> همه روگردانیده اند، همگی باطل گردیده اند؛ هیچکس نیست که نیکویی را به عمل می آورد، حتی یکی هم نیست." <sup>13</sup> گلوی ایشان گوری گشاده است، با زبانشان پی در پی فریب می دهند، "زهر افعی ها زیر لبهای ایشان است؛" <sup>14</sup> دهانشان پر از دشنام و تلخی است؛" <sup>15</sup> پاهایشان با یکدیگر به ریختن خون شتابان است، <sup>16</sup> به راه خود ویرانی و تیره بختی بر جای می گذارند، <sup>17</sup> و راه صلح را آنان شناخته اند." <sup>18</sup> "هیچ خدا ترسی در مد نظر آنها نیست."

3: 9 "آیا ما از آنها بهتر هستیم؟" این قسمت از لحاظ دستوری مبهم است. آشکار است که واقعیت اصلی این بخش، نیاز همگی بشریت به فیض خداست (ر.ک. 3: 9، 19، 23؛ 11: 32؛ غلا 3: 22). اما، روشن نیست که اشاره خاص آیا به یهودیان است (پولس و قوم او، ر.ک. TEV، RSV) یا مسیحیان (پولس و هم ایمانان او، مجزا از فیض خدا). یهودیان تعدادی مزیت ها داشتند (ر.ک. آیات 1-2؛ 9: 4-5)، اما این مزیت

ها، آنها را حتی بیش از پیش مسئول می سازد! همه انسان ها از لحاظ روحانی گمراه می باشند و به فیض خدا نیاز دارند.

اقلیتی از دانشمندان واژه "بهتر" را ترجیحاً «وجه مجهول» می پندارند تا «وجه متوسط» (به معنی "وضعیت بهتر")، و به این خاطر "برتری داشتن بر" ترجمه شده است.

اغلب در مورد کتاب رومیان گفته اند از لحاظ محلی که به آن مربوط می شد، بی طرفانه ترین نامه پولس است. اکثر نامه های پولس در مورد نیاز یا بحران محلی و به منظور برطرف ساختن آنها بوده اند (نوشته های رویدادی). لیکن، حسادت بین رهبران یهودی ایماندار و رهبران غیر یهودی ایماندار می تواند در پیش زمینه متن هایی مثل این و باب های 9-11 باشد.

□ **"تحت تسلط گناه"** پولس به "گناه" شخصیت بخشیده، آنرا بعنوان ارباب ظالمی برای بشر سقوط کرده می داند (ر.ک. 6: 16-23).

**3: 10-18 "چنانکه نوشته شده است"** این عبارت در آیه 4 نیز آمده است. اظهارات ذیل یک سری نقل قول از عهد عتیق می باشند که با استفاده از استعاره های بدن انسان، وضعیت سقوط کرده بشریت را تأکید می نمایند: (1) آیات 10-12، جامعه 7: 20 یا مز 14: 1-3؛ (2) آیه 13، مز 5: 9 یا 140: 3؛ (3) آیه 14، مز 10: 7؛ (4) آیات 15-17، اش 59: 7-8 و امثا 1: 16، و (5) آیه 18، مز 36: 1. جای تعجب است که پولس از اش 53: 6 استفاده نکرد.

متن NASB (بروز آمده): 3: 19-20

<sup>19</sup> اکنون می دانیم که هرچه شریعت می گوید، خطاب به کسانی است که زیر شریعت اند، تا هر دهانی بسته گردد و همه دنیا نسبت به خدا ملزم و مسئول شناخته شود؛<sup>20</sup> زیرا با اعمال شریعت، هیچ بشری در نظر او پارسا شمرده نخواهد شد؛ زیرا شناخت گناه از طریق شریعت حاصل می شود.

**3: 19 "می دانیم"** یادداشت در 2: 2 را ملاحظه نمایید

□ **"شریعت" [the Law]** بخاطر بخش هایی که در آیات 10-18 نقل قول شده اند، اشاره درین چارچوب باید به تمامی عهد عتیق باشد. پولس همانطور که به "گناه" شخصیتی نسبت داده بود، در مورد "شریعت" نیز در آیه 9 چنین می کند (ر.ک. 6: 16-23).

□ **"به کسانی که زیر شریعتند"** اشاره درین جا منحصرأً به یهودیان و غیر یهودیانی است که به مسیحیت گرویده اند. اگرچه باید متذکر شد که تعدادی از نقل قول های عهد عتیق اشاره به غیر یهودیان دارند.

□

NASB "تا هر دهانی بسته گردد، و همه دنیا نسبت به خدا ملزم و مسئول شناخته شود"

NKJV "تا هر دهانی باز ایستد، و دنیا به تمامی در پیشگاه خدا محکوم شناخته شود"

NRSV "تا هر دهانی خاموش گردانیده شود، و تمامی دنیا نسبت به خدا ملزم و مسئول شناخته شود"

TEV "به مقصود بازداشتن همه عذرهاى انسانی، و تمامی دنیا را تحت داوری خدا آوردن"

JB "اما مقصود از آن اینست تا همگی را خاموش ساخته، تمامی دنیا را در معرض داوری خدا قرار دهد"

این مضمون اصلی باب های 1: 18-3: 20 می باشد که در 3: 23 خلاصه شده است.

□ "هر دهانی" چند عبارت در آیات 19-20 هستند که منظور آنها همه بشریت است.

1. "هر دهانی"، آیه 19
2. "همه دنیا"، آیه 19
3. "هیچ بشری"، آیه 20

3: 20 " زیرا با اعمال شریعت، هیچ بشری در نظر او پارسا شمرده نخواهد شد" این اشاره است به مز 143: 2، اما با اضافه کردن یک عبارت. این یک جنبه بزرگ انجیل پولس بود (ر.ک. غلا 2: 16؛ 3: 11). پولس بعنوان یک «فریسی» سر سپرده، بطرزی منحصر به فرد، میدانست که غیرت مذهبی و انجام دقیق فرایض، نمی توانند آرامش درونی ببخشند.

□

NRSV، NASB "شناخت گناه از طریق شریعت حاصل می شود"  
NKJV "زیرا شناخت گناه بوسیله شریعت است"  
TEV "آنچه شریعت انجام می دهد اینست که انسان را آگاه میسازد که گناه کرده است"  
JB "تنها کاری که شریعت میکند اینست که به ما بگوید چه چیزی گناه است"

این یکی از مقاصد عهد عتیق بود. «عنوان خاص» در 13: 9 را ملاحظه کنید. هدف از آن، هرگز رستگار کردن بشر سقوط کرده نبوده است. نقش آن آشکار کردن آلودگی به گناه بود و اینکه باعث شود همه انسان ها به فیض خدا روی آورند (ر.ک. 4: 15؛ 5: 13، 20؛ 7: 7؛ غلا 3: 19-22، 23-29).

### سئوالات برای گفتگو

این کتاب تفسیر، راهنمای مطالعه است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که ما را روشن ساخته است گام برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در کار تفسیر، اولویت دارید. نباید ازین حق خود صرف نظر کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

1. بی وفایی یهودیان چه اثری بر وعده های خدا دارد؟ (3: 3-4)
2. آیا در برابر خدا هیچ مزیتی برای یهودی بودن وجود دارد؟ (3: 1-8)
3. مقصود «اعتراض فرضی» (گفتار اعتراض آمیز) در آیات 5-8 چیست؟
4. اگر پارسا شمرده شدن بوسیله فیض است و از طریق ایمان می باشد و ربطی به اعمال ندارد، پس آیا طرز زندگی شخص واقعاً اهمیتی دارد؟ (ر.ک. 3: 8)
5. نظریه الهیاتی (کالوین) در مورد شرارت کامل را تعریف کنید (ر.ک. 3: 10-18)
6. مقصود از شریعت موسی، یا قانون بطور عمده چیست؟ (ر.ک. 3: 20؛ غلا 3: 24-25)
7. در باب های 1-3 که مبحث آنها گناهکار بودن بشر است، چرا اصلاً اشاره ای به شیطان نشده است؟

### بینش های استنباط شده در متن رومیان 3: 21-31

الف. رومیان 3: 21-31

1. خلاصه حاوی اوج مطلب 1: 18-3: 20
2. تفصیل 1: 16-17
3. پیشگفتاری برای فصل های 4-8 (بویژه 3: 28)



ب. «اصلاح گران»، مشخصه هایی برای این «خلاصه اوجی» آموزه «پارسا شمردن توسط ایمان»، قائل شده بودند:

1. مارتین لوتر: "نکته اعظم و آن محور اصلی نامه و تمام کتاب مقدس"؛
2. جان کالوین: "در تمامی کتاب مقدس احتمالاً هیچ بخشی نیست که نیکویی کامل خدا را در مسیح، عمیق تر بیان کرده باشد."

ج. این اصل و ذات الهیات مسیحیت انجیلی [پروتستانت] است. با درک این متن، می توان مسیحیت را درک کرد. این خلاصه انجیل در دو پاراگراف است، همچنانکه یوحنا 3: 16 ارائه انجیل در یک آیه می باشد. نکات اصلی ارائه پولس از انجیل، درین جا است.

سه سوال کلیدی تفسیری به شرح ذیل می باشند:

1. واژه "شریعت" چه معنی دارد؟
  2. عبارت "نیکی مطلق" خدا چه معنایی دارد؟
  3. واژه های "ایمان" و "باور" چه معنایی دارند؟
- د. من خدا را برای کلمه "همه" در آیه 22 شکر میکنم (ر.ک. 29) و نیز کلمه "هدیه" در آیه 24 (ر.ک. 5: 15، 17؛ 6: 23).

## مطالعه واژگان و عبارات

### متن NASB (بروز آمده): 3: 21-26

<sup>21</sup> اما اکنون جدا از «شریعت»، نیکی مطلق خدا آشکار شده است، چنانکه «شریعت» و «انبیاء» بر آن گواهی می دهند. <sup>22</sup> آن نیکی مطلق خدا از راه ایمان به عیسی مسیح، برای همه کسانی که ایمان آورند. زیرا هیچ تفاوتی نیست. <sup>23</sup> زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند. <sup>24</sup> بعنوان هدیه به فیض او پارسا شمرده می شوند، به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، <sup>25</sup> که خدا او را بعنوان کفاره با خون او، و از راه ایمان، در مقابل چشم همه قرار داد. این برای اثبات عدالت او بود، زیرا در تحمل الهی، او از گناهایی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشید. <sup>26</sup> برای اثبات نیکی مطلق او در زمان حاضر - من میگویم - تا ثابت شود که او عادل است و کسی را که به عیسی ایمان دارد، پارسا می شمارد.

3: 21 "اما اکنون" پولس دارد تضاد معاهده قدیم با معاهده جدید، و تضاد دوره قدیم سرپیچی را با دوره جدید «نیک کامل محسوب شدن»، نشان می دهد. پس این قسمت به موازات و مشابه "در زمان حاضر" خواهد بود (ر.ک. آیه 26؛ "اما اکنون" 6: 22؛ 7: 6).

□ "اکنون جدا از «شریعت»" درین باب های سرآغاز، اغلب مشکل است به یقین دانست که آیا پولس دارد به شریعت [قانون] موسی اشاره میکند (NASB) یا به قانون بطور کلی (NIV، NJB، TEV، NRSV). درین متن «شریعت [قانون] یهود» بیشتر با استدلال پولس هماهنگ است. همه انسان ها از یکایک رهنمودهای اخلاقی و اجتماعی سرپیچی کرده اند، چه رهنمود های درونی، چه بیرونی. اشکال ما انسان های سقوط کرده اینست که اصلاً نمیخواهیم هیچگونه رهنمودهایی داشته باشیم، بجز خواسته های خودخواهانه و خودمحورمان (ر.ک. پیدا 3).



NASB  
NRSV، NKJV  
TEV  
NJB

**"آن نیکی مطلق خدا"**  
**"آن نیکی مطلق خدا"**  
**"روش خدا برای ایجاد رابطه درست مردم با خودش"**  
**"عدالت نجات بخش خدا"**

«حرف تعریف معین» با "نیکی مطلق" نیامده است. درینجا منظور، شخصیت خدا نیست بلکه روش خدا برای افاضه بخشش و پذیرفتن مردم گناه کار است. همین عبارت عیناً در مضمون الهیاتی روم 1: 16-17 بکار رفته بود. این فرایند که بروشنی آشکار گردیده است، ایمان به عیسی مسیح صلیب شده است (ر.ک. آیه 22، 24-26).

استفاده پی در پی این واژه (*dikaionē*) و مشتقات آن (یادداشت در 2: 13 را ملاحظه نمایید) درین متن، اهمیت آنرا می رساند (ر.ک. 1: 17؛ 3: 5، 21، 22، 25، 26؛ 4: 3، 5، 6، 9، 11، 13، 22؛ 5: 17، 21؛ 6: 31، 16، 18، 19، 20؛ 8: 10؛ 9: 28، 30، 31؛ 10: 3، 4، 5، 6، 10، 17). این واژه یونانی، از ساختار استعاره ای عهد عتیق (*tsadak*) "محک" یا "نی برای اندازه گیری" می باشد. محک، خود خدا است. این واژه، شخصیت خدا را نشان می دهد که به رایگان، از طریق مسیح، به انسان سقوط کرده داده شده است (ر.ک. 2 قرن 5: 21). برای انسان های مغرور و خودمحور، اعتراف به احتیاج خود و پذیرفتن هدیه خدا، بسیار تحقیرآمیز بوده و هنوز هم هست – بخصوص برای افراد قانون گرای مذهبی. به «عنوان خاص» در 1: 17 رجوع نمایید.

□ **"آشکار شده است"** این عبارت بسیار شبیه 1: 17 است. اما فعل آن متفاوت است. این فعل درین جا می تواند چنین ترجمه شود: "به روشنی آشکار شده است و هنوز هم آشکار می شود". این «مجهول اخباری کامل» است، در حالیکه مترادف آن در 1: 17 «حال مجهولی اخباری» است. خدا به روشنی انجیل را هم در عهد عتیق (ر.ک. آیه 4) و هم در عیسی آشکار ساخته است.

□ **"چنانکه «شریعت» و «انبیاء» بر آن گواهی می دهند"** اشاره درینجا به دو بخش از سه بخش کلّ قانون شرع یهود است (شریعت، انبیاء و مکتوبات [تورات، نبییم، کتوبیم]). دو بخش اول در رجوع به تمامی آن بکار میرفتند (یادداشت را در 3: 19 ملاحظه کنید). این به روشنی نشان می داد که عهد عتیق، انجیل را به شکل مقدماتی آن در بر داشته است (ر.ک. لوقا 24: 27، 44؛ اعمال 10: 43). انجیل موضوعی نبوده که بعدها به ذهن خدا خطور کرده باشد، یا نقشه دوم در صورت شکست نقشه اول، یا برنامه ای عجولانه و لحظه آخر نبوده است (ر.ک. 1: 2).

**3: 22 "از راه ایمان به عیسی مسیح"** معنی تحت اللفظی این عبارت اینست "از راه ایمان عیسی مسیح". این ساختار، «ملکی» است و در غلا 2: 16 و فیل 3: 9 تکرار شده است. بعلاوه نوع مشابه آن در روم 3: 26؛ غلا 2: 16، 20؛ و 3: 22 آمده است. معنی آن میتواند اینها باشد: (1) ایمان یا وفاداری عیسی (ملکی فاعلی) یا (2) عیسی بعنوان آنچه بدان ایمان داریم (ملکی مفعولی). همان ساختار دستوری در غلا 2: 16، شماره دو را گزینه بهتری می سازد.

این جنبه اصلی پارسا شمردن خدا را نشان می دهد. نیکی کامل مسیح است که بوسیله هدیه رایگان خدا از طریق مسیح، در زندگی شخص عمل میکند (ر.ک. 4: 5؛ 6: 23)، و باید با ایمان/باور/توکل پذیرفته شود (ر.ک. افس 2: 8-9) و در زندگی روزمره، اجرا و آنگونه زندگی شود (ر.ک. افس 2: 10).

□ **"برای همه"** انجیل برای همه انسان ها است (ر.ک. آیه 24؛ اش 53: 6؛ حز 18: 23؛ یوحنا 3: 16-17؛ 4: 42؛ 1 تیمو 2: 4؛ 4: 10؛ تیطس 2: 11؛ 2 پتر 3: 9؛ 1 یوحنا 4: 14). چه حقیقت عظیمی! این باید توازی باشد برای واقعیت «برگزیدگی» در کتاب مقدس. «برگزیدگی» توسط خدا نباید به مفهوم اسلامی آن، جبر گرایی و تقدیر ادراک شود؛ نیز نباید مانند کالوینیسم افراطی، آنرا بصورت «ترجیح داده شدن بعضی نسبت به بعضی دیگر» استنباط نمود، بلکه باید به مفهوم سنتی آن تلقی شود. برگزیدگی در عهد عتیق برای خدمت بود، نه برای مزیت! خدا وعده داد که انسان سقوط کرده را باز خرید کند (ر.ک. پیدای 3: 15) خدا، همگی بشر را بوسیله اسرائیل فرا خواند و برگزید (ر.ک. پیدای 12: 3؛ خروج 19: 5-6) خدا از طریق ایمان به مسیح بر میگزیند و همیشه برای نجات، خود قدم اول را بر میدارد (ر.ک. یوحنا 6: 44، 65). افسسیان 1 و رومیان 9 قویترین قسمت های کتاب مقدس در مورد تعلیم «تقدیر ازلی» می باشند که آگوستین و کالوین آنرا از لحاظ الهیاتی تأکید میکردند.

خدا ایمانداران را نه تنها برای نجات انتخاب نمود (پارسا ساختن) بلکه برای تقدیس نیز (ر.ک. افس 1: 4؛ کولس 1: 12). این می تواند مربوط شود به (1) مقام ما در مسیح (ر.ک. 2 قرن 5: 21) یا (2) خواسته خدا برای تولید شخصیت خود در فرزندانش (ر.ک. روم 8: 28-29؛ غلا 4: 19؛ افس 2: 10). اراده خدا برای فرزندان او، هم آنست که روزی به حضور او بروند، و هم آنکه حال شبیه مسیح شوند!

هدف از «تقدیر ازلی» مقدس بودن است، نه مزیت! فراخوان خدا برای معدودی برگزیدگان از میان بنی آدم نبود، بلکه برای همگان بود! این فراخوانی به شخصیت خود خدا بود (ر.ک. 1 تسلا 5: 23؛ 2 تسلا 2: 13). اگر «تقدیر ازلی» بجای یک زندگی مقدس، تبدیل به یک اعتقاد الهیاتی گردد، فاجعه ای خواهد بود که نظام های الهیاتی انسان ببار آورده اند. اغلب چارچوب های الهیاتی ما، متن کتاب مقدس را به طرز نادرست ارائه میکنند!

به «عنوان خاص»: برگزیدگی / تقدیر ازلی و نیاز به تعادل الهیاتی در 8: 33 رجوع نمایید.

□ **"که ایمان آورند"** عیسی برای همگان مرد. از لحاظ ممکن بودن، همه می توانند نجات بیابند. اینکه آیا بشر شخصاً نجات را بپذیرد (زمان حال وصفی) است که در آن صورت نیکی کامل عیسی در زندگی آنها کاربرد پیدا می کند (ر.ک. 1: 16؛ یوحنا 1: 12؛ 3: 16؛ 20: 31؛ روم 9-13؛ 1 یوحنا 5: 13). کتاب مقدس برای نیکی کامل که به شخص دیگری نسبت داده شود، دو محک ارائه می کند: ایمان و توبه (ر.ک. مرقس 1: 15؛ اعمال 3: 16، 19؛ 20: 31 و یادداشت را در 1: 5 ملاحظه کنید). این متن بروشنی، پهنه جهانی نجات را آشکار می کند، اما همه نجات نخواهند یافت.

□ **"زیرا هیچ تفاوتی نیست"** تنها یک راه و یک «شخص» است که بشر (یهودیان و غیر یهودیان) بدانوسیله می توانند نجات یابند (ر.ک. یوحنا 10: 1-2، 7؛ 11: 25؛ 14: 6) هر کس و همه کس بوسیله ایمان به مسیح می تواند نجات یابد (ر.ک. 1: 16؛ 4: 11 و 16؛ 10: 4 و 12؛ غلا 3: 28؛ کولس 3: 11).

3: 23-26 : این قسمت در یونانی یک جمله است.

23 :3

،NKJV ،NASB

NRSV

TEV

JB

"زیرا همه گناه کرده اند و از ... کوتاه می آیند"

"همه انسان ها گناه کرده اند و از... دورند"

"گناه کرده اند و حق خود را ساقط نموده اند"

این خلاصه 1: 18-3: 20 است. همه کس محتاج نجات توسط مسیح است (ر.ک. 3: 9، 19؛ 11: 32؛ 3: 22؛ اش 53: 6). "گناه کرده اند"، «گذشته مطلق اخباری معلوم» Aorist active indicative است، در حالیکه "هنوز هم کوتاه می آیند" «حال مجهول اخباری» است. احتمالاً این عبارت هم به آدم که سقوط او به منزله سقوط جمعی بشر بود (ر.ک. 5: 12-21) اشاره داشته و هم به سرکشی های فردی و دائمی انسان ها. هیچ کدام از ترجمه های امروزی انگلیسی، مشخص نمی کنند کدامیک ازین دو حالت است. این آیه از لحاظ الهیاتی به آیه 21 مربوط می شود و بطور غیر مستقیم به آیه 24.

□ **"جلال خدا"** در عهد عتیق، متداول ترین کلمه عبری برای "جلال" (*kbd*) در اصل یک کلمه بازرگانی بود (که به یک ترازوی دو کفه رجوع میکرد) به معنی "سنگین بودن". آنچه سنگین بود قیمتی بود و ارزش ذاتی داشت. اغلب مفهوم درخشندگی به این کلمه اضافه می شد تا ابهت و عظمت خدا را توصیف کند (ر.ک. خروج 19: 16-18؛ 24: 17؛ اش 60: 1-2). تنها او شایسته و قابل احترام است. نور او آنقدر تابناک است که انسان سقوط کرده نمیتواند بر آن نظاره کند (ر.ک. خروج 33: 17-23؛ اش 6: 5) خدا را تنها از طریق مسیح می توان شناخت (ر.ک. ارمیا 1: 14؛ متی 17: 2؛ عبر 1: 3؛ یعقوب 2: 1).  
واژه "جلال" تا حدی مبهم است: (1) می تواند به موازات مفهوم "نیکی مطلق خدا" باشد (آیه 21)؛ (2) می تواند به تصدیق خدا اشاره داشته باشد (ر.ک. یوحنا 12: 43)؛ (3) می تواند اشاره باشد به شباهت خدا که انسان مطابق آن آفریده شد (ر.ک. پیدا 1: 26-27؛ 5: 1؛ 9: 6)، اما بعداً بخاطر سرکشی بشر، درین شباهت خدشه ایجاد شد (ر.ک. پیدا 3: 1-22)، لیکن بوسیله مسیح به وضعیت اولیه و کامل آن برگردانیده شد (ر.ک. 2 قرن 3: 18). این واژه اولین بار در عهد عتیق در مورد حضور یهوه با قوم او بکار رفت (ر.ک. خروج 16: 7، 10؛ لاو 9: 23؛ اعداد 14: 10، که اکنون نیز هدف همانست).

### عنوان خاص: جلال

تعریف مفهوم کتاب مقدسی "جلال"، مشکل است. جلال ایمانداران اینست که آنها انجیل را درک کنند و خدا را جلال دهند، نه خودشان را (ر.ک. 1: 29-31؛ ارمیا 9: 23-24).  
در عهد عتیق رایج ترین کلمه عبری برای "جلال" (*kbd*)، در اصل یک واژه بازرگانی در ارتباط با ترازوی دو کفه بوده ("سنگین بودن"). هر چه سنگین بود قیمتی بود و ارزش ذاتی داشت. اغلب مفهوم درخشندگی به واژه اضافه می گردید تا ابهت و عظمت خدا را برساند (ر.ک. خروج 19: 16-18؛ 24: 17؛ اشعیا 60: 1-2). تنها اوست که شایسته و قابل احترام می باشد. او آنقدر تابناک است که انسان سقوط کرده نمی تواند او را نظاره کند (ر.ک. خروج 33: 17-23؛ اشعیا 6: 5). یهوه را تنها از طریق مسیح می توان حقیقتاً شناخت (ر.ک. ارمیا 1: 14؛ متی 17: 2؛ عبر 1: 3؛ یعقوب 2: 1).  
واژه "جلال" تا اندازه ای مبهم است: (1) می تواند به موازات "نیکی مطلق خدا" باشد؛ (2) می تواند به "قدوسیت" یا "کامل بودن" خدا رجوع کند؛ یا (3) می تواند به شباهت خدا که انسان مطابق آن آفریده شد رجوع کند (ر.ک. پیدا 1: 26-27؛ 5: 1؛ 9: 6)، اما بعداً بخاطر سرکشی در این شباهت خدشه ایجاد شد (ر.ک. پیدا 3: 1-22). این کلمه برای اولین بار در مورد حضور یهوه با قوم خود در دوره آوارگی آنان در بیابان استفاده شد (خروج 16: 7، 10؛ لاو 9: 23؛ و اعداد 14: 10).

3: 24 **"بعنوان هدیه به فیض او پارسا شمرده می شوند"** زمان این عبارت «حال وصفی مجهول» است. انجیل ازینجا شروع می شود - فیض خدا که نیکی کامل را عطا می دهد (ر.ک. 5: 15-17؛ 6: 23). واژه

یونانی "پارسا شمردن" (*dikaioō*) از همان ریشه "نیکی مطلق" است (*dikaioōsunē*). خدا همیشه پیشقدم می شود (ر.ک. یوحنا 6: 44، 65).

در آیات 24-25 سه استعاره برای توصیف نجات بکار رفته اند: (1) "پارسا شمردن شده" که واژه حقوقی بود به معنی "هیچ مجازاتی داده نشده" یا «اعلام مقصر نبودن شخص» (2) واژه "فدیه" که از بازار برده فروشی گرفته شده بود و معنی "باز خرید شده" یا "آزاد ساختن" را داشت؛ و (3) "قربانی برای جلب رضایت" که از رسم قربانی کردن بر گرفته شده بود و به معنی محل پوشش یا «کفاره» بود. این کلمه اشاره داشت به «در صندوق پیمان» که خون قربانی در «روز کفاره» بر آن قرار می گرفت (ر.ک. لاو 16؛ عبر 9: 5).

### عنوان خاص: دلایل و شواهد عهد جدید برای نجات شخص

دلایل برین مبانی می باشند:

1. شخصیت «پدر» (ر.ک. یوحنا 3: 16)، کار «پسر» (ر.ک. 2 قرن 5: 21)، و خدمت «روح» (ر.ک. روم 8: 14-16)، نه بر مبنای اعمال شخص، یا دستمزدی که در ازای اطاعت باید پرداخت گردد، و یا صرفاً یک مسلک
2. یک هدیه است (ر.ک. روم 3: 24؛ 6: 23؛ افس 2: 5، 8-9)
3. یک زندگی جدید، و یک چشم انداز جدید از دنیا است (ر.ک. یعقوب و 1 یوحنا)
4. آگاهی است (انجیل)، و مشارکت (ایمان به مسیح و با مسیح)، و یک شیوه جدید زندگی (شباهت به مسیح توسط راهنمایی روح) - هر سه اینها است، نه صرفاً یکی ازین ها بخودی خود.

□ "هدیه" پولس با استفاده از واژه های متفاوت، ازین مفهوم چند بار استفاده می کند:

1. *dōrean*، قید، "به رایگان"
2. *dōrea*، اسم، "هدیه رایگان"
3. *dōron*، اسم، "هدیه" (ر.ک. افس 2: 8)
4. *charisma*، اسم، "بدهی رایگان" یا "مرحمت رایگان" (ر.ک. 1: 11؛ 5: 15، 16؛ 6: 23؛ 11: 29؛ 12: 6)
5. *charisomai*، فعل، "اهدا بعنوان مرحمت رایگان" (ر.ک. 8: 32)
6. *charis*، اسم، "مرحمت رایگان" یا "هدیه رایگان" (ر.ک. 4: 4 و 16؛ 11: 5 و 6؛ افس 2: 5 و 8)

□ "به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است" روند نجات ما، مرگ و رستاخیز عیسی به جای ما است. تمرکز کتاب مقدس بر این نیست که چه مقدار پرداخته شد یا به چه کسی بها پرداخت شد (آگوستین)، بلکه بر این واقعیت است که انسان ها توسط یک جانشین بی گناه، از مجرمیت گناه و مجازات آن رهایی یافته اند (ر.ک. یوحنا 1: 29، 36؛ 2 قرن 5: 21؛ 1 پتر 1: 19).

این آیه همچنین نشان می دهد که پیدایش 3: 15 به چه قیمت گزافی تمام شد. عیسی، لعنت را خود متحمل گردید (ر.ک. غلا 3: 13) و به جای انسان سقوط کرده جان داد (ر.ک. 2 قرن 5: 21). درست است که نجات رایگان است، اما به هیچوجه کم بها نیست.

## عنوان خاص: با بهارهایی دادن / فدیة

### I. عهد عتیق

الف. اساساً دو واژه حقوقی عبری هستند که این مفهوم را می‌رسانند.

1. *Gaal*، که کلاً معنی آن "آزاد ساختن" بوسیله پرداخت بهایی است. یکی از اشکال این واژه، *go'el*، یک واسطه شخصی، که معمولاً یک عضو خانواده است را به این مفهوم اضافه میکند (به عبارت دیگر، «خویشاوند فدیة کننده»). این جنبه فرهنگی «حق بازخرید اشیاء، احشام، ملک (ر.ک. لاو 25، 27)، یا خویشاوندان» (ر.ک. روت 4: 15؛ اش 29: 22) به رهایی دادن اسرائیل از مصر توسط یهوه، از لحاظ الهیاتی واگذار شده است (ر.ک. خروج 6: 6؛ 13: 15؛ مز 74: 2؛ 77: 15؛ ارمیا 31: 11). او "فدیة کننده" می‌شود (ر.ک. ایوب 19: 25؛ مز 19: 14؛ 78: 35؛ امثا 23: 1؛ اش 41: 14؛ 43: 14؛ 44: 6؛ 24؛ 47: 4؛ 48: 17؛ 49: 7؛ 54: 5؛ 59: 8؛ 60: 16؛ 63: 16؛ ارمیا 50: 34).

2. *Padah*، که معنی اساسی آن "رهانیدن" یا "نجات دادن" است

- 1.2 فدیة نخست زاده، خروج 13: 13، 14 و اعد 18: 15-17
- 2.2 فدیة جسمانی مقابله شده است با فدیة روحانی، مز 7، 8، 15
- 3.2 یهوه اسرائیل را از گناه و سرپیچی آنها فدیة [بازخرید] می‌کند، مز 7: 8-130

ب. مفهوم الهیاتی آن، شامل سه مورد مرتبط است

- 1. نیازی وجود دارد، نیز اسارتی، از دست دادن حقی، یا زندانی شدنی.
    - 1.1 از لحاظ جسمانی
    - 2.1 از لحاظ اجتماعی
    - 3.1 از لحاظ روحانی (ر.ک. مز 130: 8)
  - 2. برای آزادی، رهایی، تجدید روابط حسنه، باید بهایی پرداخته شود.
    - 1.2 برای ملت، اسراییل (ر.ک. تث 7: 8)
    - 2.2 برای فرد (ر.ک. ایوب 19: 25-27؛ 33: 28)
  - 3. کسی باید بعنوان واسطه و حامی عمل کند. در *gaal* چنین شخصی معمولاً یکی از اعضاء خانواده یا خویشان نزدیک است (به عبارت دیگر، *go'el*)
  - 4. «یهوه» معمولاً خود را با واژه هایی که قرابت خانوادگی را می‌رسانند، توصیف می‌کند.
    - 1.4 پدر
    - 2.4 شوهر
    - 3.4 خویشاوند نزدیک
- فدیة توسط اقدام شخصی یهوه، بعنوان نماینده و عامل، تضمین گردید؛ بهایی پرداخت شد و فدیة عملی گردید!

### II. عهد جدید

الف. چندین واژه برای بیان این مفهوم الهیاتی بکار رفته اند.

- 1. *Agorazō* (ر.ک. 1 قرن 6: 20؛ 7: 23؛ 2 پطرس 2: 1؛ مکا 5: 9؛ 14: 34). این یک واژه بازرگانی است که به معنی بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که به بهای خون خریده شده ایم و کنترلی بر روی زندگی های خود نداریم. ما متعلق به مسیح هستیم.

2. *Exagorazō* (ر.ک. غلا 3: 13 ؛ 4: 5 ؛ افس 5: 16 ؛ کول 4: 5). این نیز یک واژه بازرگانی است. این واژه، مفهوم مرگ مسیح را به جای ما و بخاطر ما میرساند. عیسی "لعنت" آن شریعت را که بر پایه انجام اعمال بود، متحمل شد (به عبارت دیگر، شریعت موسی) - که انسان های گناهکار قادر نبودند آنرا به تمام و کمال انجام دهند. او برای همگی ما متحمل لعنت شد (ر.ک. تث 21: 23)! در عیسی، عدالت و محبت خدا با هم ادغام شده، کمال بخشش و پذیرش و دسترسی می گردند!

3. *Luō*، "آزاد ساختن"

1.3 *Lutron* "بهایی که پرداخت شده است" (ر.ک. متی 20: 28 ؛ مرقس 10: 45). این ها کلام پر قدرتی هستند بگفته خود عیسی، که در مورد هدف از آمدنش فرمود، تا با پرداخت بدهی گناه که خود مدیون نبود، نجات دهنده جهان باشد (ر.ک. یوحنا 1: 29).

2.3 *Lutroō* "رها کردن"

(1) برای فدیة اسرائیل، لوقا 24: 21

(2) تا خود را برای فدیة و پاک ساختن یک ملت، تقدیم کند، تیطس 2: 14

(3) تا یک جانشین بدون گناه باشد، 1 پتر 1: 18-19

3.3 *Lutrōsis* "فدیة، نجات بخشیدن، یا آزاد سازی"

(1) نبوت زکریا در باره عیسی، لوقا 1: 68

(2) تمجید حنا به خدا برای عیسی، لوقا 2: 38

(3) قربانی بهتر عیسی، که یکبار تقدیم شده، عبر 9: 12

4. *Apolytrōsis*

1.4 فدیة در زمان «بازگشت ثانوی» (ر.ک. اعما 3: 19-21)

(1) لوقا 21: 28

(2) رومیان 8: 23

(3) افسسیان 1: 14 ؛ 4: 30

(4) عبرانیان 9: 15

2.4 فدیة با مرگ مسیح

(1) رومیان 3: 24

(2) 1 قرنتیان 1: 30

(3) افسسیان 1: 7

(4) کولسیان 1: 14

5. *Antilytron* (ر.ک. 1 تیمو 2: 6). این متن بسیار مهمی است (همانند متن تیطس 2: 14) که رهایی را با مرگ جانشین شونده عیسی بر صلیب، ارتباط می دهد. او قربانی یگانه و تنها قربانی قابل پذیرش است - آن قربانی که برای "همه" جان می دهد (ر.ک. یوحنا 1: 29 ؛ 3: 17-16 ؛ 4: 42 ؛ 1 تیمو 2: 4 ؛ 4: 10 ؛ تیطس 2: 11 ؛ 2 پتر 3: 9 ؛ 1 یوحنا 2: 2 ؛ 4: 14).

ب. مفهوم الهیاتی در عهد جدید این معانی ضمنی را دارد:

1. بشر برده گناه است (ر.ک. یوحنا 8: 34؛ روم 3: 10-18 ؛ 6: 23).

2. اسارت بشر در گناه بوسیله شریعت عهد عتیق موسی آشکار شده است (ر.ک. غلا 3) و نیز در موعظه سر کوه عیسی (ر.ک. متی 5-7). طرز عمل انسان ها محکومیت مرگ را نتیجه داده است (ر.ک. کول 2: 14).

3. عیسی، بره بی گناه خدا آمده، بجای ما جان داده است (ر.ک. یوحنا 1: 29 ؛ 2 قرن 5: 21. ما از گناه خریداری شده ایم تا آنکه خدا را خدمت نماییم (ر.ک. روم 6).
4. بطور ضمنی، یهوه و عیسی هر دو آن "خویشاوندان نزدیک" هستند که به جای ما عمل می کنند. این ادامه ای است از «استعاره های نسبت خانوادگی» - به بیان دیگر، پدر، شوهر، پسر، برادر یا خویشاوند نزدیک.
5. فدیة، بهایی نبود که به شیطان پرداخته شد (به عبارت دیگر، الهیات قرون وسطایی)، بلکه مصالحه کلام خدا و عدالت خدا بود با محبت خدا و تأمین کامل در مسیح. در پای صلیب، صلح دوباره برقرار گردید، سرکشی انسان ها مورد عفو قرار گرفت، و اکنون شباهت خدا در انسان بطور کامل، در مشارکت نزدیک، در حال کار است!
6. هنوز جنبه آینده ای برای فدیة وجود دارد (ر.ک. روم 8: 23 ؛ افس 1: 14 ؛ 4: 30)، که شامل بدن های پس از رستاخیز ما است و رابطه نزدیک جسمانی با «سه اقنوم خدا».

25:3

"که خدا او را... در مقابل چشم همه قرار داد"	NASB
"که خدا او را ارائه نمود"	NKJV
"که خدا او را پیشنهاد نمود"	NRSV
"خدا تقدیم کرد"	TEV
"که بوسیله خدا منصوب گردید"	JB

این «گذشته غیر معین مجهول اخباری» است به این معنی که بوسیله مرگ مسیح، خود خدا اراده قلبی و مقصودش را آشکار نمود (ر.ک. افس 1: 9). نقشه ابدی و فدیة کننده خدا، قربانی شدن عیسی را دربرداشت (ر.ک. اش 53: 10؛ مکا 13: 8). به یادداشت در 9: 11 رجوع نمایید.

این واژه یونانی *endeiknumai* (ر.ک. 3: 25، 26) سه مرتبه در رومیان بکار رفته است (ر.ک. 2: 15؛ 9: 17، 23؛ LXX [ترجمه هفتاد] خروج 9: 16). معنی اساسی آن آشکار کردن یا به نمایش گذاشتن است. خدا میخواست بشریت، هدف و نقشه و نیکویی کامل او را که فدیة کننده هستند، به روشنی درک کند. این چارچوب، دیدگاه جهانی را بر پایه کتاب مقدس ارائه می کند:

1. در مورد شخصیت خدا
2. در مورد کار مسیح
3. در مورد احتیاج بشر
4. در مورد هدف فدیة کردن

خدا میخواهد ما بفهمیم! این چارچوب برای درک صحیح «مسیحیت» اهمیت بسیار دارد. بعضی کلمات و عبارات آن ابهام انگیز هستند یا می توان آنها را به چند معنی مختلف گرفت، اما منظور کل آن بسیار واضح و ساده است. چارچوب این متن، از لحاظ علم الهی "ستاره شمال" [جهت یاب همیشگی] برای عهد جدید است.



"بعنوان کفاره با خون او"	NASB
"تا بوسیله خونس کفاره باشد"	NKJV
"بعنوان یک قربانی فدیة، بوسیله خون او"	NRSV



**TEV** "تا بوسیله خونش، او وسیله بخشش گناهان مردمان گردد"  
**JB** "جان خود را قربانی سازد تا مصالحه را حاصل کند"

در دنیای یونانی- رومی، این واژه مفهومی را به همراه داشت که دال بر تجدید رابطه مسالمت آمیز، از طریق پرداخت بهایی، با یکی از خدایان بود که قبلاً با او ترک رابطه شده بود، اما در «ترجمه هفتاد» به این معنی بکار نرفته است. کاربرد آن در «ترجمه هفتاد» و در عبر 9: 5 "تخت رحمت" ترجمه شده است، و آن سرپوش صندوق پیمان بود که در «مقدس ترین مکان» قرار داشت - جایکه کفاره بخاطر ملت ها در «روز کفاره» فراهم میشد (ر.ک. لاو 16).

این واژه را باید طوری بکار بگیریم که کاهشی در انزجار خدا نسبت به گناه قائل نشده باشیم، و در عین حال نگرش مثبت و فدیہ کننده خدا در مورد گناه کاران، تأیید گردد. بحث خوبی در کتاب «یک انسان در مسیح» نوشته جیمز ستوارت، صفحات 214-224 دیده می شود. یکی از طرق انجام این امر، ترجمه واژه بگونه ای است که کار خدا را در مسیح نشان دهد: "قربانی ای غضب را فرو می نشاند" یا "با اختیار برای دادن قربانی ای که غضب را فرو می نشاند".

"با خون او"، طرز بیان عبرانی در مورد بره پاک خدا است که به جای دیگران قربانی شده است (ر.ک. یوحنا 1: 29). برای درک کامل این مفهوم، لاویان 1-7 و نیز «روز کفاره» در فصل 16 بسیار اهمیت دارند. منظور از خون، زندگی عاری از گناهی است که بجای گناه کار، داده می شود (ر.ک. اش 52: 13-53: 12).

□ "از راه ایمان" درینجا دوباره فرایند بهره مند شدن از مرگ جانشین شونده عیسی، که برای همه کس و هر کس در دسترس است، دیده می شود (ر.ک. 1: 17؛ 3: 22، 25، 26، 27، 28، 30). این عبارت درین متون حذف شده است: «نسخه خطی باستانی الف» قرن پنجم که تماماً با حروف درشت نوشته شده است؛ (همچنین متن یونانی که کریسوستوم استفاده کرده است) و یک نسخه خطی قرن دوازدهم که تماماً با حروف درشت نوشته شده است - MS (2127). این عبارت در بقیه نسخه های یونانی باستانی موجود است. بعضی از آنها در کنار "ایمان" «حرف تعریف معین» را استفاده کرده اند و بعضی نکرده اند، اما این تأثیری در معنی ندارد. UBS<sup>3</sup> دخول آنرا در سطح B [درجه ثانی] محسوب می کند (با حدی تردید).

□ "برای اثبات عدالت او" خدا باید مطابق شخصیت و کلام خود عمل کند (ر.ک. ملا 3: 6). در عهد عتیق، کسی که گناه میکند باید بمیرد (ر.ک. حز 18: 4، 20). خدا فرمود گناه کار را تبرئه نمی کند (ر.ک. خروج 23: 7). محبت خدا نسبت به انسان سقوط کرده آنقدر عظیم است که حاضر شد جسم انسان ببوشد، شریعت را به انجام رساند و بجای انسان سقوط کرده بمیرد. محبت و عدالت در مسیح ملاقات می کنند (ر.ک. آیه 26).

□

**NKJV, NASB**

"او از گناهانی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشید" **NRSV**

"در گذشته او بردبار بود و از گناهان مردم چشم پوشی کرد" **TEV**

"در گذشته، زمانیکه گناهان مجازات نمی شدند" **NJB**

واژه "چشم پوشید" [passed over]، *parensis* است، که تنها اینجا در عهد جدید بکار رفته است و هرگز در «ترجمه هفتاد» دیده نمی شود. آباء یونانی و «جروم» آنرا به معنای تحت اللفظی یونانی آن برای "بخشیدن

بدهی" تلقی می کردند (ر.ک. «مولتون و میلیگان، ص. 493). اما *pariēmi*، که فعل مأخذ آنست، به معنی "گذاشتن که چیزی از کنار بگذرد" یا "راحت گرفتن" [*relax*] است (ر.ک. لوقا 11: 42).

پس سؤال این است که آیا خدا با در نظر داشتن کار آینده مسیح، گناهان را در گذشته می بخشید، یا آیا او صرفاً از آنها چشم پوشی می کرد چون می دانست مرگ مسیح مسئله گناه را حل می کند؟ نتیجه یکی است. اقدام لازم برای رفع گناهان گذشته، حال و آینده انسان، بوسیله قربانی مسیح انجام شده است. این کار فیض خدا در زمان گذشته بود، که چشم به راه عمل مسیح بود (ر.ک. اعمال 17: 30؛ روم 4: 15؛ 5: 13) و نیز کار کنونی و آینده فیض می باشد (ر.ک. آیه 26). خدا گناه را کم اهمیت نگرفت و نمی گیرد، اما قربانی عیسی را بعنوان جبران کامل و نهایی سرکشی بشر، که مانع مشارکت ابدی با خود خداست، می پذیرد.

**3: 26** کلمه "عدالت" [*righteousness*] در آیه 25 از لحاظ علم اشتقاق کلمات، مرتبط است با واژه های "پارسا" [*just*] و "پارسا کننده" [*justifier*] در آیه 26. خواسته خدا اینست که شخصیت او بوسیله ایمان به مسیح در زندگی های ایمانداران آشکار شود. عیسی، نیکی کامل ما [*righteousness*] می شود (ر.ک. 2 قرن 5: 21) اما ایمانداران نیز باید به شکل نیکی کامل او و شباهت او تبدیل شوند (ر.ک. روم 8: 29). به عنوان خاص در 17: 1 رجوع کنید.

#### متن NASB (بروز آمده): 3: 27-30

<sup>27</sup> پس جای بالیدن کجاست؟ جایی برای آن نیست. برطبق چه نوع شریعتی؟ شریعت اعمال؟ خیر، بلکه طبق شریعت ایمان.<sup>28</sup> زیرا ما تأیید می کنیم که انسان به وسیله ایمان، جدا از اجرای اعمال شریعت، کاملاً نیک محسوب می شود.<sup>29</sup> یا خدا فقط خدای یهودیان است؟ مگر خدای غیر یهودیان هم نیست؟ البته از آن غیر یهودیان نیز هست،<sup>30</sup> زیرا حقیقتاً خدایی که مختونان را بر اساس ایمان، و نامختونان را از راه ایمان پارسا خواهد ساخت، یکی است.

**3: 27** "پس جای بالیدن کجاست" همراه بودن «حرف تعریف» با "بالیدن" ممکن است گویای افتخار یهودیان باشد (ر.ک. 2: 17 و 23). انجیل ما را فروتن می سازد. انسان سقوط کرده (یهودیان و غیر یهودیان) نمی توانند مشکل خود را حل کنند (ر.ک. افس 2: 8-9). به عنوان خاص «بخود بالیدن» در 2: 17 رجوع کنید.

□ "جایی برای آن نیست" ["It is excluded"] این واژه (*ek* [بیرون] بعلاوه *kleiō* [بستن]) تنها در اینجا و در غلا 4: 17 بکار رفته است. معنی تحت اللفظی آن اینست: "در را قفل کردن بروی کسی یا چیزی که بیرون است".

□ "طبق شریعت ایمان" پیمان جدید خدا در ارمیا 31: 31-34 بر اساس اعمال نیست، بلکه توکل / ایمان / باور (*pistis*) نسبت به شخصیت و وعده های بزرگوارانه او. مقصود از هر دوی پیمان قدیم و پیمان جدید این بود که انسان سقوط کرده را به شخصیت خدا متبدل کنند (نیک کامل). پیمان قدیم بوسیله قانون ظاهری و بیرونی، پیمان جدید بوسیله قلب جدید (ر.ک. حز 36: 26-27). هدف همان است!

3: 28 "ما به یقین می دانیم که انسان به وسیله ایمان، جدا از اجرای اعمال شریعت کاملاً نیک محسوب می شود." این خلاصه 3: 21-26 است و اشاره ای پیشاپیش است به فصل های 4-8 (ر.ک. 2 تیمو 1: 9 ؛ تیطس 3: 5). نجات، هدیه رایگانی است بوسیله ایمان به کار تکمیل شده عیسی (ر.ک. 3: 24؛ 5: 15، 17؛ 6: 23؛ افس 2: 8-9). اما بلوغ روحانی، زندگی ای است که با تقدیم همه چیز خود، مطیع است، خدمت می کند، و در پرستش است (غلا 5: 6، افس 2: 10؛ فیل 2: 12؛ و به یادداشت در 1: 5 رجوع نمایید).

3: 29 مقصود خدا همیشه این بوده که انسان ها را که به شباهت او ساخته شدند فدیة کند (پیدا 1: 26؛ 5: 1؛ 9: 6). وعده فدیة کردن در پیدا 3: 15 برای همگان است. او ابراهیم را به این جهت انتخاب کرد تا دنیا را انتخاب کند (ر.ک. پیدا 12: 31؛ خرو 19: 4-6؛ یوحنا 3: 16).

این آیه، مانند 3: 9، ممکن است پرتوی باشد از تنش در کلیسای روم بین رهبران یهودی ایماندار، که شاید پس از فرمان نرون، روم را ترک کرده بودند، با رهبران غیر ایماندار نتیجه شده، که جانشین آنها شده بودند. فصل های 9-11 نیز ممکن است در مورد همین تنش باشند.

### 30: 3

NASB "زیرا حقیقتاً خدا یکی است"

NKJV "زیرا یک خدا هست"

NRSV "زیرا خدا یکی است"

TEV "خدا یکی است"

JB "زیرا تنها یک خدا هست"

این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته می شود. اگر یکتا پرستی واقعیت است، که هست، (ر.ک. خروج 8: 10؛ 9: 14؛ تث 4: 35، 39؛ 6: 4؛ 1 سمو 2: 2؛ 2 سمو 7: 22؛ 22: 32؛ 1 پاد 8: 23؛ مز 86: 8، 10؛ اش 43: 11؛ 44: 6، 8؛ 45: 6-7، 14، 18، 21-22؛ 46: 5، 9؛ ار 2: 11؛ 5: 7؛ 10: 6؛ 16: 20)، در آنصورت او باید خدای همه مردمان باشد.

□ "او مختونان را بر اساس ایمان... پارسا خواهد ساخت" کلمه یونانی "پارسا ساختن" [justify] از همان ریشه "نیک مطلق ساختن" [righteousness] است. به عنوان خاص در 1: 17 رجوع نمایید. برای رابطه درست با خدا تنها یک راه وجود دارد (ر.ک. روم 9: 30-32). ایمان و توبه، دو محک برای نجات می باشند (ر.ک. مرقس 1: 15؛ اعمال 3: 16، 19؛ 20: 21؛ به یادداشت در 1: 5 رجوع نمایید). این در مورد هر دو یهودیان و یونانیان مصداق دارد.

□ "بر اساس ایمان... از راه ایمان" عوامل مشابه آشکار بین این دو بند، وجود دارد. «حروف اضافه» *dia* و *ek* بطور مترادف اینجا استفاده شده اند. منظور، هیچگونه تفاوتی نبوده است.

متن NASB (بروز آمده): 3: 31

<sup>31</sup> آیا بدین سان شریعت را بوسیله ایمان، لغو میکنیم؟ هرگز چنین مباد! بالعکس، ما شریعت را استوار می سازیم.

31:3

"آیا بدین سان شریعت را بوسیله ایمان، لغو میکنیم"	NASB
"آیا بدین سان شریعت را بوسیله ایمان، باطل می سازیم"	NKJV
"آیا بدین سان شریعت را بوسیله این ایمان، بی اعتبار می سازیم"	NRSV
"آیا این به آن معنی است که با این ایمان، شریعت را از میان برمیذاریم"	TEV
"آیا مقصود ما اینست که ایمان، شریعت را بیهوده میسازد"	JB

عهد جدید، عهد عتیق را به دو صورت متفاوت ارائه می کند:

1. مکاشفه وحی شده است از طرف خدا که هرگز زایل نخواهد شد (ر.ک. متی 5: 17-19؛ روم 7: 12، 14، 16)

2. کهنه و منسوخ شده است (ر.ک. عبر 8: 13).

پولس واژه "لغو کردن" [nullify] را حدا اقل بیست و پنج بار استفاده کرد. این کلمه به چنین عبارات ترجمه شده است: "لغو و باطل کردن"، "سلب اقتدار نمودن"، و "بی اثر گردانیدن". به عنوان خاص در 3: رجوع کنید. برای پولس، شریعت یک نگهبان بود (ر.ک. غلا 3: 23) و یک آموختار (ر.ک. غلا 3: 24) بود، اما نمی توانست زندگی جاودان ببخشد (ر.ک. غلا 2: 16، 19؛ 3: 19). بر پایه این، انسان محکوم می گردد (ر.ک. غلا 3: 13؛ کول 2: 14). شریعت موسی هم بعنوان مکاشفه عمل میکرد، هم یک آزمون اخلاقی، همانطور که "درخت معرفت نیک و بد" چنین نقشی داشت.

روشن نیست منظور پولس از "شریعت" [the Law] چه بود:

1. یک اسلوب اعمال کاملاً نیکو در یهودیت
2. مرحله ای که ایمانداران غیر یهودی باید بگذرانند تا به نجات در مسیح برسند (یهودی گراها در غلاطیان)
3. محکی که همه انسان ها طبق آن کوتاه آمده اند (ر.ک. روم 1: 18 – 3: 20؛ 7: 25-7: 3؛ 1-29).

▣ "ما شریعت را استوار می سازیم" در پرتو عبارت قبل، این عبارت چه معنی دارد؟ می تواند نشانگر اینها باشد:

1. شریعت راهی برای رستگاری نبود بلکه راهنمای ممتد اخلاقی بود
2. به آموزه "پارسا شدن بوسیله ایمان" شهادت می داد 3: 21؛ 4: 3 (پیدا 15: 6؛ مز 32: 1-2، 10-11)

3. ضعف شریعت (سرکشی انسان، ر.ک. روم 7؛ غلا 3) کاملاً بوسیله مرگ مسیح جبران شد، 8: 3-4
  4. مقصود مکاشفه، دو باره برقرار کردن شباهت خدا در انسان است
- شریعت، پس از نیکو ساختن کامل از لحاظ حقوقی، راهنمایی برای نیکی حقیقی یا شباهت به مسیح می گردد. به «عنوان خاص»، دیدگاه های پولس از شریعت موسی در 13: 9 رجوع کنید.
- پارادوکس [واقعیات در ظاهر مغایر و در واقع همخوان] شوکه کننده درین جا اینست که شریعت نتوانست نیکی مطلق خدا را [در بشر] برقرار کند، اما از طریق منسوخ شدن شریعت، بوسیله هدیه فیض خدا توسط ایمان، یک مسیحی زندگی نیکو و خدا پسندانه دارد. هدف شریعت انجام شده است - نه با اعمالی که انسان انجام داده، بلکه با هدیه رایگان فیض خدا در مسیح! برای "برقرار ساختن" به «عنوان خاص» "استواری" در 5: 2 مراجعه کنید.

## سئوالات برای گفتگو

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعات است، بدین معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سئوالات ذیل جهت گفتگو، بعنوان یاری به شما ارائه شده اند تا عمیقاً در باره مسائل اصلی این قسمت کتاب بیندیشید. منظور اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قطعی و نهایی.

1. رومیان 3: 21-31 را با بیان خود بصورت طرح کامل [رئوس مطالب] در بیاورید.
2. چرا خدا در زمان های گذشته از گناهان انسان چشم پوشی میکرد (آیه 25)؟
3. چگونه ایماندار در عهد عتیق نجات می یافت (3: 25)؟
4. چگونه ایمان به مسیح شریعت را تأیید می کند (3: 31)؟





